

الله الرحمن الرحيم  
پ

# نظام دفاعی اسلام

۲۰۰/۷

پژوهشکده تحقیقات اسلامی  
نمایندگی ولی فقیه در سپاه



## نمایندگی ولی فقیه در سپاه

نام کتاب: نظام دفاعی اسلام کد: ۲۰۰/۷

تئیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

نویسنده: مصطفی آخوندی

ناشر: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چاپ: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

## فهرست مطالب

<p>۱۹ ..... راههای تحقق صلح از دیدگاه نظریه‌پردازان</p> <p>۱۹ ..... ۱- توازن قوا</p> <p>۲۰ ..... ۲- خلع سلاح عمومی</p> <p>۲۰ ..... ۳- امنیت دسته‌جمعی</p> <p>۲۰ ..... ۴- هماهنگی و تبادل نظر بین المللی</p> <p>۲۰ ..... ۵- حاکمیت واحد جهانی</p> <p>۲۱ ..... جنگ و صلح از دیدگاه اسلام</p> <p>۲۷ ..... سیره رهبران الهی</p> <p>۲۸ ..... جهاد با دشمنان</p> <p>۲۹ ..... حضرت ابراهیم(ع)</p> <p>۲۹ ..... حضرت موسی(ع)</p> <p>۳۰ ..... طالوت</p> <p>۳۱ ..... حضرت سلیمان(ع)</p> <p>۳۱ ..... حضرت عیسی(ع)</p> <p>۳۲ ..... پیامبر اسلام(ص)</p>	<p>۶ ..... پیشگفتار</p> <p>۸ ..... مقدمه</p> <p><b>فصل اول: جنگ یا صلح؟</b></p> <p>(از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام)</p> <p>واژه جهاد ..... ۱۰</p> <p>اقسام جهاد ..... ۱۰</p> <p>تفاوت جهاد و قتال ..... ۱۱</p> <p>مفهوم جنگ از نظر حقوق بین‌الملل عمومی و جامعه‌شناسی جنگ ..... ۱۲</p> <p>نظریه توسل به زور ..... ۱۲</p> <p>نظریه تحریم جنگ و منع توسل به زور ..... ۱۲</p> <p>جنگ مشروع و قانونی ..... ۱۳</p> <p>جنگ از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی ..... ۱۵</p> <p>اپنهایم ..... ۱۵</p> <p>وردوں ..... ۱۶</p> <p>هراکلیتیوس ..... ۱۶</p> <p>نیچه ..... ۱۶</p> <p>ولتر ..... ۱۷</p> <p>کانت ..... ۱۷</p> <p>سنت آگوستین ..... ۱۷</p> <p>ماکیاول ..... ۱۸</p> <p>قصد و نیت جنگ ..... ۱۸</p> <p>اعلان جنگ ..... ۱۹</p>
<b>فصل دوم: جهاد در اسلام</b>	
<p>۳۴ ..... ضرورت جهاد</p> <p>۳۵ ..... پیامدهای ترک جهاد</p> <p>۳۵ ..... ماهیت و ویژگی‌های جنگ در اسلام</p> <p>۳۷ ..... جایگاه جهاد در اسلام</p> <p>۳۷ ..... جهاد در منظر قرآن</p> <p>۳۹ ..... جهاد در منظر روایات</p> <p>۴۰ ..... اهداف جهاد</p>	<p>نیچه ..... ۱۶</p> <p>ولتر ..... ۱۷</p> <p>کانت ..... ۱۷</p> <p>سنت آگوستین ..... ۱۷</p> <p>ماکیاول ..... ۱۸</p> <p>قصد و نیت جنگ ..... ۱۸</p> <p>اعلان جنگ ..... ۱۹</p>

۳- حریت.....	۷۸	۱- براندازی شرک و برداشتن موانع تحقیق
۴- مرد بودن.....	۷۸	۲- ارزش‌های بعثت .....
۵- سلامت جسمانی.....	۷۹	۳- مبارزه با تبهکاران و گمراهگران .....
۶- توانایی مالی .....	۷۹	۴- پاسداری از نظام و ارزش‌های الهی .....
۷- مانع نشدن پدر و مادر.....	۸۰	۵- دفاع از مرزها .....
کفایی بودن جهاد ابتدایی.....	۸۰	۶- اهداف نامشروع جنگ دنیاطلبان .....
سیلِ الله و.....	۸۱	۷- سلطه‌طلبی و کسب قدرت .....
جهاد ابتدایی در آیات و روایات .....	۸۱	۸- کشورگشایی .....
۱- آیات .....	۸۱	۹- کسب منافع مادی .....
۲- روایات.....	۸۲	۱۰- تحملیل عقیده .....
جهاد ابتدایی در فقه اسلامی .....	۸۳	۱۱- تشریع جهاد.....
با چه کسانی باید جنگید؟.....	۸۳	۱۲- جهاد در دوران مکی .....
جهاد ابتدایی با مشرکان.....	۸۳	۱۳- تشریع جهاد در دوران مدنی .....
حرمت گریختن از مقابل دشمن .....	۸۴	۱۴- جهاد در دوران پیامبر(ص) .....
<b>فصل چهارم: جهاد ابتدایی .....</b>	<b>۸۶</b>	<b>الف- اهداف جنگ‌ها و عملیات‌های پیامبر(ص)</b>
ضرورت و اهمیت دفاع.....	۸۶	۱۵- تاکتیک‌های پیامبر(ص) در جنگ‌ها .....
اهداف جهاد دفاعی.....	۸۶	۱۶- جهاد در دوران امامان معصوم(ع) .....
۱- حفظ کیان و موجودیت اسلام.....	۸۶	۱۷- دوران امیر مؤمنان(ع) .....
۲- دفع تجاوز .....	۸۷	۱۸- دوران امام حسن(ع) .....
۳- فراهم ساختن امنیت.....	۸۷	۱۹- دوران امام حسین(ع) .....
۴- مبارزه با گمراهی .....	۸۸	۲۰- دوران امام سجاد(ع) تا امام مهدی (عج) .....
شرایط دفاع .....	۸۸	۲۱- دوران امام مهدی (عج) .....
کفایی بودن و جوب جهاد دفاعی.....	۸۹	<b>فصل سوم: جهاد ابتدایی</b>
جهاد دفاعی از دیدگاه آیات و روایات .....	۸۹	تعريف:.....
آیات قرآن:.....	۸۹	فلسفهٔ جهاد ابتدایی .....
روایات .....	۹۰	۱- از بین بردن شرک و بت پرسنی .....
بغات.....	۹۱	۲- برداشتن موانع دعوت .....
شرایط تحقیق بغی .....	۹۲	۳- مبارزه برای نجات مستضعفان .....
احکام بغات .....	۹۲	۴- شرایط و مقدمات جهاد ابتدایی .....
استناد حکم بغات به روایات:.....	۹۳	۵- اجازه امام عادل میسوط‌الید .....
انواع بغی .....	۹۴	۶- دعوت کفار به اسلام .....
احکام سپایا (اسیران زن و کودک) .....	۹۵	۷- خلوص نیت .....
احکام اموال با غایان .....	۹۵	۸- محدودیت زمانی و مکانی .....
قوانين و مقررات مربوط به بغات .....	۹۵	۹- ویژگی‌های رزمندگان در جهاد ابتدایی .....
بغات در گذر تاریخ حکومت اسلامی .....	۹۷	۱۰- بلوغ و عقل .....

## فهرست مطالب ۵

۱۱۳ ..... شرایط امان دهنده	۹۸ ..... محاربان
۱۱۳ ..... شرایط امان گیرنده	۹۸ ..... تفاوت محارب و باغی
۱۱۳ ..... شرایط امان	۹۹ ..... اقسام محاربان
۱۱۳ ..... ۲- هدنه	
۱۱۴ ..... ۳- قرارداد ذمه	
۱۱۴ ..... ۴- اسلام	
۱۱۵ ..... ۵- تسليم شدن دشمن	
<b>فصل هفتم: غنایم و اسیران</b>	
۱- غنائم جنگی	۱۱۷ ..... ۱- ایمان به خدا
۱۱۷ ..... شرایط غنایم	۱۰۵ ..... ۲- صبر و پایداری
۱۱۸ ..... حکم غنایم	۱۰۵ ..... ۳- توکل
۱۱۹ ..... محرومان از غنایم	۱۰۶ ..... ۴- ذکر (= یاد خدا)
۱۱۹ ..... حکم اموال غیر منقول	۱۰۷ ..... ۵- بصیرت و آگاهی
۱۱۹ ..... غنایم باعیان	۱۰۷ ..... ۶- اتحاد و اختلاف
۱۱۹ ..... انهدام غنایم	۱۰۸ ..... ۷- امدادهای غیبی
۱۲۰ ..... اسیران	۱۰۸ ..... ۸- جنگ روانی
۱۲۰ ..... حکم اسیر گرفتن	۱۰۹ ..... ج- موانع پیروزی
۱۲۰ ..... اقسام اسیران	۱۰۹ .....
۱۲۱ ..... حقوق اسیران	
۱۲۱ ..... اسارت سربازان خودی	
۱۲۲ ..... وظایف رزمندگان اسلام در اسارت	
۱۲۵ ..... منابع و مأخذ	
<b>فصل ششم: راههای پایان جنگ</b>	
۱- امان	۱۱۲ ..... ۱- امان
۱۱۲ ..... چه کسی می تواند امان دهد؟	۱۱۲ ..... ۲- مصوبیت مستأمن
۱۱۳ .....	۱۱۳ .....

## پیشگفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که بر عهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقیق عده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان‌پذیر می‌شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مؤمن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مسئله آموزش در همه جامهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزش‌های قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه رابه عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی‌توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم رابه عهده دارند شما هستید.<sup>۱</sup>

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی سپاه» از سالیان اولیه تأسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیة‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و براساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۶۳.

تریبیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. نظام جدیدگرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزش‌های طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر تا قبل از بازنگری و تدوین متون جدید در دوره‌های طولی سپاه تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، درگروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تأیید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد. پیشنهادها و تجربیات مریبان ارجمند و متریبان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سپاه

## مقدمه

بی تردید، زندگی کمال یابی و سعادت جویی است و دو عنصر اساسی در این علمت غایی حیات آدمی دخیل می باشد: «تلاش و کوشش آدمی» و «پیشگیری از خطرها و مبارزه با موانع راه». بر این اساس همواره آدمی در مسیر راهیابی به کمالات و پیمودن صراط مستقیم که وحی ترسیم کرده، با مشکلات و دشمنان و خنانان و سوسه انگیز و شیاطین و ملحدانی روبرو است که تمام هدف و تلاششان خاموش ساختن نور الهی و به بیراهه بردن و اضلال انسانها است. از این رو جهاد و دفاع در اسلام تشریع شد تا مسلمانان با اقدام به آن از دین خدا و ارزش‌های الهی در مقابل دشمنان پاسداری و خود را در مسیر توحید حفظ کنند و به همین جهت جهاد و دفاع در منظر وحی به عنوان «چکاد قله اسلام»، «راز بالندگی و پاکی و عزّت»، «زره نفوذناپذیر»، «دژ استوار»، «سپر اطمینان بخش»، «دری از درهای بهشت» و از «ارکان مهم ایمان» به شمار رفته و جهادگریزی، راز انحطاط جامعه و ذلت مسلمانان شمرده شده است. در مورد ضرورت و اهمیت جهاد مسلح‌هانه به عنوان بخشی از نظام دفاعی اسلام همین یک نکته بس که خداوند در سوره حديد آیه ۲۵ تمامی رسولان خویش را به سلاح جهاد مسلح کرده است.

و همچین با فراخوانی پیامبر عظیم الشأن به جهاد با کفار و منافقان بر اهمیت موضوع تأکید کرده است.

در سوره توبه آیه ۷۳ می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِي جَاهَدَ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلَظَ عَلَيْهِمْ وَمَا وَهُمْ جَهَنَّمُ وَإِنَّمَا أَنْصَرَهُمْ مَنِ اتَّبَعَهُمْ.

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر، و جایگاهشان دوزخ است، و

چه بدسرانجامی است.

با توجه به اهمیت یاد شده و ضرورت آشنایی با نظام دفاعی اسلام، این کتاب حاضر بانگرش و سیری کلی در نظام دفاعی (نظمی) اسلام تدوین یافته است.

در این کتاب ابتدا مفهوم جنگ از دیدگاه نظریه پردازان و مجتمع بین الملل و سرانجام دیدگاه اسلام بررسی می شود. آنگاه جایگاه جهاد در اسلام و جهاد ابتدایی و دفاعی تبیین می گردد. و در نهایت عوامل پیروزی و شکست و پیامدهای جهاد مدنظر قرار می گیرد. که در هفت فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

۱- کلیات، جنگ یا صلح، جنگ و جهاد از دیدگاه مجتمع بین الملل عمومی و دیدگاه اسلام؛

۲- جهاد در اسلام؛

۳- جهاد ابتدایی؛

۴- جهاد دفاعی؛

۵- عوامل پیروزی و شکست؛

۶- راههای پایان جنگ؛

۷- غنایم و اسیران.

در پایان از همه کسانی که مارادر تهیه و تدوین این کتاب یاری بخشیده اند سپاسگزارم.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی

## فصل اول

# جنگ یا صلح؟ (از دیدگاه حقوق بین‌الملل و اسلام)

## واژهٔ جهاد

«جهاد» از ریشهٔ «جُهد» یا «جَهَد» به معنای زحمت و مشقت یا توان، طاقت، کوشش و تلاش بسیار توأم با سختی است.<sup>۱</sup>

فقیهان در معنای اصطلاحی جهاد گفته‌اند:

بذل النفس والمال والوسع في اعلاء كلمة الاسلام واقامة شعائر الایمان.<sup>۲</sup>

[جهاد] عبارت است از: بذل جان، مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر دین.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین تعریف اصطلاحی جهاد می‌فرماید:

«هر چیزی که هم تلاش باشد و هم در مقابله با دشمن باشد، جهاد است. یعنی ممکن است

یک کاری انجام دهنده، زحمت هم بکشند، بگویند ما داریم جهاد می‌کنیم، نه جهاد یک

شقشیش این است که در مقابله با دشمن باشد.»<sup>۳</sup>

## اقسام جهاد

جهاد به اعتبار «دشمن»، «نوع هجوم و مقابله» و «ارزش و اهمیت»، اقسامی دارد. از قبیل: «جهاد اکبر»، «جهاد اصغر»، «جهاد ابتدایی»، «جهاد دفاعی»، «جهاد فرهنگی»، «جهاد اقتصادی»، «جهاد سیاسی».

۱- مفردات راغب اصفهانی، مادهٔ جهاد، ص ۴۹؛ قاموس قرآن مادهٔ جهاد، علی اکبر قریشی؛ اجتهاد نیز به همین معنا است.

۲- جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۳؛ لمعه الدمشقیه، ج ۱، ص ۲۵۵.

۳- سخنرانی معظم له تحت عنوان « عبرت‌های عاشورا »، در جمع فرماندهان و بسیجیان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در تاریخ ۷۵/۳/۲۰، ۷۵/۳/۲۱ جمهوری اسلامی.

پیامبر اکرم ﷺ مصاف با دشمن بیرونی را «جهاد اصغر» و مخالفت با هوای نفس را «جهاد اکبر» نامیده به رزمندگانی که از جنگ بازگشته‌اند فرموده است:

مَرْحِبًا بِقَوْمٍ قَضَوُا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبِقَوْمٍ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ.

آفرین بر مردمی که جهاد کوچک را انجام داده‌اند، ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده ایشان باقی است.

«پرسیدند: ای رسول خدا! جهاد اکبر چیست؟»

<sup>۱</sup> فرمود: «جهاد النفس» (مبارزه با اشتهاي سيرى ناپذيرى نفس)

تفسران نيز واژه جهاد در برخى آيات را اعم از جهاد با نفس و جهاد با دشمن دانسته‌اند.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه «وَجَاهَدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِه...»<sup>۲</sup> می‌نویسد:

با توجه به قيد «فی الله» جهاد در آیه، اعم از «جهاد اصغر» و «جهاد اکبر» است. و ادای حق جهاد به اين است که انسان، در جهاد داراي خلوص باشد و جهاد، خالص برای خدا انجام گيرد و هیچ چيز در آن شريک نباشد.<sup>۳</sup>

همچنین ايشان مضمون آيه ۳۵ مائده<sup>۴</sup> را اعم از «جهاد نفس» و «جهاد باکفار» دانسته است.<sup>۵</sup>

همچنین مرحوم طبرسی نيز، جهاد در آيه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَهُمْ يَئُمُّهُمْ سُلْطَانًا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۶</sup> را به جهاد باکفار و جهاد با هوای نفس تفسیر کرده است.<sup>۷</sup>

### تفاوت جهاد و قتال

۱- واژه «قتال» برخلاف واژه «جهاد» که اعم از جنگ و جز جنگ است، فقط به معنای مقابله نظامی و درگیری با دشمن است.<sup>۸</sup> در قرآن نيز واژه قتال تنها برای مبارزه با دشمن ظاهری و خارجی به کار رفته است.<sup>۹</sup> البته ارزش و تقدس هر دو به آن است که «فی سبیل الله» باشند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

۲- «و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را داده کنید.» (حج «۲۲ آیه ۷۸»)

۳- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۱، ۴۱۲.

۴- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقُولُوا إِنَّ اللَّهَ وَبِنَفْعِهِ أَكْبَرُ وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

۵- المیزان، ج ۵ ص ۳۲۸.

۶- «و آنان که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند، بی‌گمان، به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.» (عنکبوت، آیه ۶۹).

۷- تفسیر مجمع البيان، ج ۸ ص ۲۹۳؛ نيز علامه در المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۲، همین نظر را دارد.

۸- قاموس قرآن، واژه قتال.

۹- (بقره، آیه ۲۵۱)؛ (انفال، آیه ۶۵).

۲- آیات و روایات، معمولاً برای مبارزه مسلمانان با دشمنان اسلام، واژه «جهاد» را به کار برده‌اند، اما بر عکس، برای مبارزه دشمنان اسلام علیه مسلمانان، بیشتر از کلمه «قتال» استفاده شده است. «حرب» نیز به معنای مبارزه مسلحانه است و معمولاً برای کسانی به کار می‌رود که با اسلام و مسلمانان وارد جنگ و مبارزه می‌شوند؛ مثلاً برای «محاربان»<sup>۱</sup> و «رباخواران»<sup>۲</sup> واژه حرب به کار رفته است.<sup>۳</sup>

**مفهوم جنگ از نظر حقوق بین‌الملل عمومی و جامعه‌شناسی جنگ**  
درباره کاربرد «قدرت مسلحانه» و «جنگ» در مناسبات بین‌الملل دو نظریه کاملاً متفاوت مطرح است: «توسل به زور» و «منع توسل به زور» یا «تحريم جنگ».

#### نظریه توسل به زور

طرح نظریه «توسل به زور و جنگ افروزی» به دوران پیش از جامعه ملل باز می‌گردد؛ یعنی دوران باستان، قرون وسطاً، و عصر جدید (از قرن ۱۶م تا تأسیس جامعه ملل) که پادشاهان و حاکمان جنگ افروز، برای گسترش قلمرو حاکمیت خویش و دستیابی به سرزمین‌های بیشتر و غارت ثروت‌ها و منابع ملی کشورها، به جنگ و خونریزی متولّ می‌شدند و با قتل و غارت، اهداف شیطانی خویش را پی می‌جستند.<sup>۴</sup>

در بحث حاضر، این بخش مورد نظر مانیست.

#### نظریه تحريم جنگ و منع توسل به زور

طرح نظریه «تحريم جنگ» پس از تأسیس سازمان ملل بیشتر مورد توجه قرار گرفته است علی‌الٰه اصلی تصویب قانون تحريم جنگ به صورت مشروط به وسیله سازمان ملل، پیامدهای تلخ دو جنگ جهانی اول و دوم بوده است. مصیبت‌ها و مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم، تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متحده را واردشت تا بادیدی دیگر به مفهوم جنگ بنگرند و «توسل به زور» را به گونه گسترده ممنوع سازند و آن را تحت شرایطی محدود کنند، هر چند این قانون هیچ‌گاه به وسیله قدرت‌های بزرگ -حتی امضا کنندگان آن- رعایت نشده است.

در ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل آمده است:

۱- مائده (۵) آیه ۳۳.

۲- بقره (۲)، آیه ۲۷۹.

۳- الیه پسوند «فی سبیل الله» است که به حرب قداست می‌بخشد.

۴- ر. ک. حقوق جنگ، دکتر ضیاء بیگدلی، ص ۱-۶.

کلیه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود، از تهدید به زور و یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت و یا از هر طریق دیگری که بانیات ملل متحده تباین داشته باشد، خودداری ورزند.<sup>۱</sup>

در منشور سازمان ملل، به جای کلمه «جنگ» واژه «توسل به زور» برگزیده شده است. شاید به این دلیل که واژه جنگ، نیازمند به تعریف فنی دقیق است و اتفاق نظری در تعریف آن دیده نمی‌شود. وانگهی، برخی دولتها با انکار وجود جنگ، می‌کوشند تا روابط خصماء مسلحانه خود را تحت عناوینی دیگر، چون حفظ امنیت، دفاع از اتباع خود و مقابله با تروریسم تفسیر کنند که واژه «توسل به زور» مانع این تفسیرها و ترفندها می‌شود.

«توسل به زور» به معنای استفاده از نیروهای مسلح است که البته نمی‌تواند شامل فشارهای اقتصادی یا سیاسی و یا اخلاقی بشود، بلکه تنها استفاده از زور به گونه‌فیزیکی، یعنی با یاری از «نیروهای مسلح» مورد نظر است و عبارت «علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی» این معنارا تأیید می‌کند.<sup>۲</sup> سازمان ملل، به دلیل نفوذ قدرت‌های استعمارگر، تاکنون نتوانسته است نقش قانونی خود را در زمینه منع توسل به زور و تهدید و بروز جنگ و حفظ صلح ایفا کند و قادر نبوده است که از انواع مخاصمات به اشکال گوناگون جلوگیری نماید.

### جنگ مشروع و قانونی

در میثاق جامعه ملل در مواردی، جنگ مشروع و قانونی شمرده شده است، این موارد عبارتند از:

الف- جنگ مشروع یا عادلانه؛ ب- دفع تجاوز یا دفاع مشروع؛ ج- حفظ صلح و امنیت.

الف- جنگ مشروع یا عادلانه. جنگ‌های مشروع یا عادلانه از دید میثاق جامعه ملل<sup>۳</sup> عبارتند از:

۱- جنگ در پایان یک مهلت سه ماهه، پس از تصمیم داوری یا قضایی و یا گزارش شورا (بند

۱ ماده ۱۲؛

۲- جنگ علیه کشوری که تصمیم داوری یا قضایی و یا گزارش شورا را نپذیرد و یا اجرا نکند

(بند ۴ ماده ۱۳)؛

۳- جنگ در حالتی که گزارش شورا به اتفاق آراء مورد تصویب قرار نگیرد. (بند ۷ ماده ۱۵).<sup>۴</sup>

۱- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل، محمود سائلی و عالیه ارفعی، ص ۳۰.

۲- ر.ک. جنگ و صلح، ص ۳۱.

۳- میثاق جامعه ملل در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ در کنفرانس ورسای به اتفاق آراء به تصویب رسید.

۴- حقوق جنگ، ص ۲۶.

**ب-دفع تجاوز یا دفاع مشروع.** دفاع مشروع حق طبیعی هر نظام و ملتی است و به منزله یک اصل کلی حقوقی به رسمیت شناخته شده ملت‌ها و مورد احترام همه است.<sup>۱</sup>

مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ م. قطعنامه ۳۳۱۴ را به تصویب نمایندگان کشورهای عضو رساند که در آن اعمال زیر، تجاوز‌کارانه محسوب می‌شوند هر چند بدون اعلان جنگ صورت گیرند؛ در ماده ۳ و بندهای آن آمده است:

۱-تهاجم مسلحانه به قلمرو یک کشور؛

۲-هر گونه اشغال نظامی؛

۳-هر گونه الحق جابرانه تمام یا بخشی از قلمرو یک کشور به کشور خود؛

۴- بمباران یا کاربرد سلاحی علیه کشور دیگر؛

۵-محاصره بنادر یا سواحل هر کشور به وسیله نیروهای مسلح؛

۶-حمله مسلحانه به نیروهای هوایی، زمینی، دریایی، و... یک کشور؛

۷-ادامه حضور نیروهای مسلح یک کشور پس از انقضای پیمان؛

۸-اجازه یک کشور به کشور دیگر برای استفاده از سرزمین آن کشور به منظور حمله مسلحانه به کشور سوم؛

۹-اعزام دسته‌ها و گروه‌های چریکی برای عملیات مسلحانه علیه کشوری؛

۱۰-استفاده یک کشور از نیروهای مسلح خود در قلمرو کشور هم‌پیمان، به گونه‌ای که ناقص پیمان میان دو کشور باشد.

طبق ماده چهارم همان قطعنامه، عملیات بر شمرده بالا، در برگیرنده تمام موارد تجاوز نیست و شورای امنیت می‌تواند عملیات دیگری را به عنوان تجاوز بر شمارد.<sup>۲</sup> هر کشوری که مورد تجاوز قرار گیرد، حق دارد به دفاع برخیزد و یا چند کشور هم‌پیمان، علیه مت加وز وارد عمل شوند.<sup>۳</sup>

دفاع مشروع، دارای دو شرط اساسی است: «احراز تجاوز» و «تناسب عملیات تدافعی با دامنه تهاجم». از این رو، موارد زیر از چارچوب دفاع مشروع خارج است:

۱-پیش‌دستی در حمله به انگیزه دفاع در برابر تجاوز احتمالی یا تهدید به تجاوز؛ مانند حمله اسرائیل به مصر در سال ۱۹۵۶ م به ادعای این که خطر نابودی وی از سوی مصر احساس شده است؛

۲-پس از دفع تجاوز، دشمن را تعقیب کرده، وارد قلمرو کشور مت加وز شود؛

۱-ر.ک. حقوق جنگ، ص ۳۱ و ۳۲.

۲-همان ص ۳۳.

۳-همان، ص ۳۳.

۳- مقابله با ابزار نامناسب باکشور متجاوز؛ بر فرض اگر کشوری مورد تجاوز سلاح‌های کلاسیک قرار گرفته، در مقام دفاع حق ندارد از سلاح‌های شیمیایی، میکربی و یا هسته‌ای استفاده کند.<sup>۱</sup>

ج - حفظ صلح و امنیت. سازمان ملل برای مجازات کشورهایی که به جنگ تجاوز کارانه دست می‌زنند ضمانت‌های اجرایی در اختیار شورای امنیت قرارداده است تا بدین وسیله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تضمین شود. این ضمانت‌ها عبارتند از:

۱- ضمانت اجرای دیپلماتیک و سیاسی (ماده ۴۱)؛

۲- ضمانت اجرای اقتصادی (ماده ۴۱)؛

۲- ضمانت اجرای نظامی (ماده ۴۲).<sup>۲</sup>

در ماده ۴۲ منشور سازمان ملل آمده است:

«هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ ممکن است نامناسب بوده، و یا در عمل غیر متناسب بودن آن معلوم گردد، می‌تواند به وسیله قوای هوایی یا دریایی و یا زمینی عملیاتی را که برای نگهداری یا برقراری صلح و امنیت بین‌المللی لازم بداند انجام دهد.»<sup>۳</sup> و طبق ماده ۴۳، کلیه اعضاء، ملل متحده موظفند بنابر دعوت شورای امنیت، بخشی از نیروهای مسلح خود را در اختیار آن شورا قرار دهند.<sup>۴</sup>

### جنگ از دیدگاه نظریه پردازان غربی

در این بخش، به مفهوم جنگ در آرای صاحبان نظر و اندیشه با مشربهای فکری و دیدگاه‌های ارزشی می‌پردازیم.

#### اُپنهایم<sup>۵</sup>

اُپنهایم جنگ را جدال و درگیری دو دولت از طریق قوای نظامی با هدف غلبه بر دیگری و اعمال شرایط دخواه طرف پیروز می‌داند.<sup>۶</sup> او در این تعریف بر ماهیت نظامی جنگ تأکید کرده و درگیری مسلح‌انه را زمانی دانسته است که واجد شرایط زیر باشد:

۱- همان، ص ۳۴ و ۳۵.

۲- گرچه تاکنون این مجازات‌ها از سوی قدرت‌های استکباری علیه کشورهای مظلوم به کار رفته است.

۳- سازمان ملل متحده و مؤسسات تخصصی بین‌المللی، دکتر غلامعلی صحاصامی، ص ۲۷.

۴- همان.

۵- oppenhiem

۶- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، ص ۴.

اول- جنگ، میان دو دولت صورت گرفته باشد. بدین سان، درگیری هایی که میان گروه های سازمان یافته مسلح انجام می شود، مانند نهضت های آزادی بخش، مشمول این تعریف از جنگ نیست.  
دوم- جنگ باید با هدف تفوّق و غلبه بر دیگری و اعمال شرایط طرف پیروز انجام شود.

### وردوس<sup>۱</sup>

وردوس، جنگ را جدلی می داند که روابط صلح آمیز را معلق می کند. او می نویسد:  
«جنگ، جدلی مسلح این دولت ها است که در آن کلیه روابط صلح آمیز معلق شده باشد.»<sup>۲</sup>  
این تعریف، کامل نیست. چه بسا میان دو کشور جنگ صورت گرفته باشد، ولی روابط از طریق سفیران و کارداران و... برقرار باشد. مانند چند سال اول جنگ ایران و عراق.

### هراکلیتوس<sup>۳</sup> (۵۳۵ - ۴۷۵ ق.م فیلسوف اشراف زاده یونانی)

هراکلیتوس جهان را عالم اضداد می داند و عقیده دارد درگیری و کشکش بین این اضداد، موجب تغییر و تحول در عالم هستی می شود. ولی می گوید:  
جنگ سرچشمه زاینده و فرمانروای وجود است و قانونی همگانی است و بنابر این بیدادگری نیست؛ ضرورتی است که هستی بی آن پایدار نمی ماند.<sup>۴</sup>  
وی حتی مدعی است:

تعارضات در عالم خلقت، موجب تحول و سبب بروز وضع جدید می شوند، به این جهت،  
جنگ عامل شکل گیری عالم و عین عدل است. پس جنگ، پدر همه چیز است.<sup>۵</sup>

### نیچه<sup>۶</sup> (۱۸۴۴ - ۱۹۰۰ م. فیلسوف آلمانی)

نیچه نیز جنگ را عصارة تمدن و مدنتیت می شمارد و می گوید:  
جنگ و شهامت، خالق پدیده های عظیم تری از عشق به همنوع هستند. جنگ، آزمون نیکویی است؛ یعنی تنها کنکور بی طرف و عادلانه و در حقیقت شاید یگانه رقابت پنداز.<sup>۷</sup>

1- Verdoss

۲- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۴.

3- Heraclitus

۴- نخستین فیلسوفان یونان، شرف الدین خراسانی، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.

۵- حکمت اصول سیاسی اسلام، محمد تقی جعفری، ص ۴۹۲.

6- Friedrich Wilhelm Nietzsche.

۷- پالمولوژی، ص ۱۶.

در نظر نیچه، فرد قوی‌تر در جنگ غلبه می‌کند و ضعیف‌تر محو می‌شود و جامعه بشری با جنگ حجامت می‌گردد،<sup>۱</sup> و بدین ترتیب در این رقابت عادلانه، راه برای ظهور «اب مرد» گشوده می‌شود! که بزرگ‌ترین خدمت به همنوع است از نظر این فیلسوف آلمانی هر جنگی مشروع و مجاز است، زیرا موجب تحرک جامعه می‌شود.

#### ولتر<sup>۲</sup> (متولد ۱۶۹۴ م. نویسنده و فیلسوف فرانسوی)

ولتر، جنگ را بزرگ‌ترین جنایت می‌داند و هیچ سودی در آن نمی‌بیند و معتقد است که جنگ افزایان باید مجازات شوند، ولی به این دلیل که مهاجمان و تجاوزگران برای جنگ افزایی خود، دلایل ظاهر فریبی می‌تراشند، این جنایت بزرگ، بدون مجازات باقی می‌ماند.<sup>۳</sup>

#### کانت<sup>۴</sup> (۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. فیلسوف آلمانی)

کانت پارا فراتر از ولتر گذاشته می‌گوید:

«جنگ سرچشمۀ همه شرّهای است، لیکن هیچ درمان کامل و فوری نمی‌توان برای آن یافتن؛ زیرا جنگ ریشه در خود پرستی طبیعی انسان دارد؛ پس، ناچار باید قواعدی برای کنترل و مهار آن وضع کرد.»<sup>۵</sup>

ولی کانت، چون مونتسبکیو،<sup>۶</sup> (۱۶۸۹ - ۱۷۵۵ م. حقوق‌دان فرانسوی) دفاع را حق طبیعی انسان‌ها دانسته می‌گوید:

«دفاع بر همه شهروندان واجب است.»<sup>۷</sup>

#### سنت آگوستین<sup>۸</sup> (۳۵۴ - ۴۳۰ م. اسقف کاتولیک رومی، عصر قرون وسطی)

وی معتقد است که بیشتر جنگ‌های عادلانه عبارتند از جنگ‌هایی که به خونخواهی و تظلم شکل می‌گیرند و وقتی ملتی دست به اعمالی شبیه جنگ می‌زنند؛ عملش یا باید در جهت تنبیه مت加وز

۱- اصول علم سیاست، موریس دورژه، ابوالفضل قاضی، ص ۵۴

2- Marie Arouet de Voltaire

۳- تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ص ۳۳۷

4- Immanuel - Kant

۵- فیلسوفان جنگ و صلح، و.ب. گالی، محسن حکیمی، ص ۳۴

6- Montesquieu.

۷- فیلسوفان جنگ و صلح، ص ۳۴

8- Saint Augustin.

باشد یا برای بازگردانیدن آنچه به ناحق از او سلب شده است. بیگمان، چنین جنگی عادلانه است و خداوند نیز طبق مشیت خویش، آن را مقدار ساخته است.<sup>۱</sup>

این نکته شایسته دقت است که با ظهور و گسترش مسیحیت در اروپا، دیدگاه‌های مختلفی درباره جنگ و صلح مطرح شد. گرچه مسیحیان در ابتدا، هرگونه جنگ را محکوم می‌کردند، اما اندک اندک موضوع «جنگ عادلانه و مقدس» در زبان فیلسوفان و نظریه پردازان مسیحی ظاهر گشت و همان نظریه‌ها سنگ بنای توجیه کننده جنگ‌های صلیبی شد. به عنوان نمونه، ریموند داجیل، اسقف کلیساي قرون وسطا، وحشیانه ترین جنایت جنگی از طرف کلیسا را مشروع می‌داند.

**ماکیاول<sup>۲</sup> - ۱۴۶۹ - ۱۵۲۸ م. سیاستمدار و تاریخ‌نگار ایتالیایی**

وی جنگی را که با اهداف زیر انجام شود، مشروع می‌داند:

۱- کسب قدرت؛

۲- حفظ و افزایش قدرت؛

۳- دفاع از میهن. و معتقد است که دفاع پیشگیرانه، یکی از بهترین انواع دفاع است.<sup>۳</sup>

### قصد و نیت جنگ

آیا قصد و نیت جنگ در تعریف جنگ دخیل است؟

برخی حقوقدانان چون، کوینسی رایت،<sup>۴</sup> در پاسخ این پرسش، نیت جنگ را در تعریف آن دخیل می‌داند و می‌گوید:

جنگ هنگامی آغاز می‌شود که دولتی نیت خود را برای توسل به جنگ، از طریق اعلام

جنگ یا ضرب الاجل، اعلام می‌دارد.<sup>۵</sup>

«دیر کل جامعه ملل در گزارش وضعیت حقوقی ناشی از اعمال فشارهای اقتصادی در ایام صلح، اظهار کرده است که از نظر حقوقی، وجود حالت جنگ میان دو دولت، بستگی به قصد آنها دارد نه طبیعت عملشان». <sup>۶</sup> با این دیدگاه، اتحاذ روش‌های خشونت آمیز، اگر با قصد جنگ همراه نباشد،

۱- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۱۵.

2- Machiavel

۳- ر. ک. تاریخ فلسفه سیاسی، دکتر بهاءالدین پازارگاد، ج ۲، ص ۴۴۶، کلیات و مبانی استراتژی و جنگ، باقری، ص ۳۲.

4- Quincy Wright

۵- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۵.

۶- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۵.

از نظر حقوقی جنگ تلقی نمی‌شود. اما برخی نیز با تفسیر وسیع از معنای جنگ، استعمارگری و سلطه اقتصادی را جنگ سرد تلقی می‌کنند.<sup>۱</sup>

## اعلان جنگ

آیا برای رسمی شدن مخاصمات و رسیدن به بار حقوقی جنگ، اعلان جنگ کافی است؟ گروسویوس<sup>۲</sup> (۱۵۸۳-۱۶۴۵م.) حقوقدان هلندی و از دانشمندان حقوق بین‌الملل کلاسیک، اعلان جنگ را برای رسمی شدن مخاصمات لازم دانسته است. او معتقد است که جنگ باید همراه با اعلان جنگ باشد. به نظر او، اعلان جنگ نه تنها از حملات ناگهانی و بدون اخطار دولتی علیه دولت دیگر جلوگیری می‌کند، بلکه باعث می‌شود که جنگ با تصمیم صریح و اختیار به وجود آید.<sup>۳</sup> این نظریه توسط دیگر دانشمندان مورد تأیید قرار گرفته است. از جمله سنت آگوستین، یکی از متغیرهای جنگ را اعلان رسمی بالاترین مقامات کشور دانسته است و جنگی را که بی‌اخطر یا اعلان رسمی باشد، ناعادلانه می‌داند.<sup>۴</sup>

کنوانسیون<sup>۵</sup> سوم لاهه در سال ۱۹۰۷م. در ماده یک خود تصریح دارد که مخاصمات نباید بدون اخطار صریح و روشن، به صورت اعلان جنگ یا ضرب الاجل، فعلیت یابند.<sup>۶</sup>

## راههای تحقق صلح از دیدگاه نظریه پردازان

### ۱- توازن قوا

طرفداران این نظریه معتقدند که هرگاه میان قدرت‌های بزرگ در جهان و قدرت‌های منطقه‌ای، از نظر قدرت نظامی توازن برقرار شود، صلح در روابط بین‌المللی حاکم خواهد شد. مورگنتاچنین عقیده دارد که از میان روش‌ها و راههای تحقق صلح تنها راهی که ضامن صلح بین‌المللی است، ایجاد و حفظ نوعی توازن قوا در جهان می‌باشد، زیرا تنها، قدرت است که دارای توانایی مقابله با قدرت است.<sup>۷</sup>

۱- همان.

2- Grotius

۳- جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، ص ۶

۴- همان، ص ۷.

۵- این کنوانسیون در تاریخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷م. در لاهه به امضای رسید و در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰م. اعتبار قانونی یافت.

۶- جنگ و صلح از دید حقوق و روابط بین‌الملل، ص ۷.

۷- ر. ک. قدرت‌های بزرگ و صلح بین‌المللی، ص ۱۱۳-۱۱۴.

## ۲- خلع سلاح عمومی

این نظریه بر آن است که باید تمام سلاح‌های موجود در جهان، جمع آوری و منهدم شود. گاندی، از طرفداران این نظریه است.<sup>۱</sup>

## ۳- امنیت دسته جمعی

جامعه ملل متحده با تأثیرپذیری از جنگ جهانی اول، بر آن شد تا برای نظام «توازن قوا» جایگزینی بیابد. از این رو، میثاق جامعه ملل، برقراری نوعی نظام امنیت دسته جمعی را پیشنهاد کرد. توانایی نظام امنیت دسته جمی برای حفظ صلح، بر سه فرض زیر استوار است:

۱- نظام امنیت دسته جمعی باید همواره قدرت نظامی کافی، برای جلوگیری از متجاوز بالقوه، در اختیار داشته باشد.

۲- ملت‌هایی که چنین قدرت مسلطی را اعمال می‌کنند، باید برای دفاع از وضع موجود دارای منافع مشترک باشند.

۳- این ملت‌ها در مرحله اول، باید در برخورد، منافع سیاسی خود را فدای دفاع جمعی کنند.<sup>۲</sup>

## ۴- هماهنگی و تبادل نظر بین المللی

بعد از جنگ جهانی اول برخی چنین پنداشتند که به علت نبودن سیستم تبادل نظر بین المللی، جنگ حادث شده است، به نظر اینان اگر دولتها در مکانی گرد آیند و به تبادل نظر و رفع تباین و تناقضات فکری و سوء تفاهمات پردازند، از احتمال وقوع جنگ کاسته می‌شود. میثاق جامعه ملل نیز در راستای همین باور به وجود آمد تا دولتها به توانند مشکلات خود را در مجمع میثاق مطرح کرده، به حل اختلاف‌های موجود از راه‌های مسالمت پردازند. البته وجود چنین سیستمی که بعد از جنگ جهانی اول به وجود آمد نتوانست از وقوع جنگ جهانی دوم جلوگیری کند. این عدم کارآیی شاید به دلیل ضعف‌های قانونی، ساختاری و سیاسی جامعه ملل متحد بود.<sup>۳</sup>

## ۵- حاکمیت واحد جهانی

طرفداران این نظریه معتقدند که برای رسیدن به صلح جهانی، جهان باید در تسلط یک حاکمیت قرار گیرد. افراد، مکتب‌های سیاسی و ادیان الهی این نظریه را پذیرفته‌اند. مسیحیت چشم به

۱- ر.ک. نظریه‌های متعارف در روابط بین الملل، ج ۱، ص ۳۲۳

۲- ر.ک. جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۲۴.

۳- ر.ک. جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل، ص ۲۴.

آمدن حضرت مسیح<sup>ع</sup> دوخته است و اسلام طبق آیه شریفه وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الَّذِينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>۱</sup> حاکمیت دینی و الهی را تنها راه نجات بشریت می‌داند و پیروانش را به ظهور منجی بشریت و عدالت‌گستر جهان، حضرت مهدی(عج)، بشارت می‌دهد. البته آنچه در این نظر مهم است «ماهیت حاکمیت واحد جهانی» است. چنانچه حاکمیت واحد جهانی دارای ماهیتی خشن، زورگو و ستمگر باشد، صلح و صفا در جهان حاکم نخواهد شد. ولی اگر حاکمیت واحد جهانی «عدالت پیشه» باشد، قادر به برقراری صلح در جهان خواهد بود.

### جنگ و صلح از دیدگاه اسلام

گسترش سریع اسلام در جهان و گرایش ملت‌ها به اسلام، موجب شد تا برخی خاورشناسان مسیحی این موقعيت شگرف را وامدار قدرت شمشیر جنگجویان مسلمان بدانند و آن را با رسالت دعوت به توحید و ارزش‌های الهی ناسازگار بپندازند و آنان سعی نموده‌اند اسلام را دین خون و شمشیر و آئین قهر و غلبه معروفی کنند و تصویر خشنی از آن برای جهانیان بنمایانند و با این شگرد تبلیغاتی از روند رو به گسترش این دین جهانی بکاهند.<sup>۲</sup>

در اینجا می‌کوشیم تا با چند دلیل، بطلان این ادعا را به اثبات برسانیم:

- ۱- اعتقاد و گرایش به یک عقیده و دین، نوعی گرایش قلبی و درونی است و با اکراه و اجبار ناسازگار است، برخلاف اعمال ظاهری و جسمانی که اکراه پذیرند.

استاد مرتضی مطهری می‌نویسد:

یک ملت را می‌توان با زور مطیع کرد، اما نمی‌توان با زور، جهش و جنبش و عشق و ایمان در او به وجود آورد. قلمرو زور و زر محدود است. شاهکارهای بشری تنها و تنها معلول عشق و ایمان است.<sup>۳</sup>

علامه طباطبائی در ذیل آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌نویسد:

جمله «لا اکراه فی الدین»، دین اجباری را نفی می‌کند؛ زیرا دین به عنوان مجموعه‌ای از شناختهای علمی که گرایش‌های عملی را به دنبال دارد، از سخن اعتقاد است و اعتقاد و

۱- انفال (۹)، آیه ۳۹.

۲- ر.ک. بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ المیزان ج ۲، ص ۶۷؛ جهاد، شهید مطهری،

۳- خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۲، ص ۳۸۴.

ایمان از امور قلبی‌اند که اکراه و اجبار در آن نقشی ندارد؛ زیرا اکراه تنها در اعمال ظاهری و افعال بدنی تأثیر می‌گذارد و اماً اعتقاد قلبی دارای علل دیگری از سخن اعتقاد و ادراک است.<sup>۱</sup>

۲- انسان موجودی است مختار و دارای توان انتخاب. خداوند خواسته است که آنان از روی اختیار راه سعادت یا شقاوت را برگزینند و پیامبران الهی تنها وظیفه دارند که دین الهی را به مردم ابلاغ کنند و به گوش آنان برسانند، ولی هیچ‌گاه در پی آن نیستند که با زور افراد را وادار به پذیرش دین الهی کنند؛ چنانکه خداوند می‌فرماید:

و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی [به] اجبار ایمان می‌آورند آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟!<sup>۲</sup>

۳- در بسیاری از کشورها، مانند اندونزی؛ چین و هند حتی یک سرباز مسلمان نیز پانگذاشته است، ولی مردم به اسلام گراییده‌اند.

گوستاو لوبون می‌نویسد:

باری، قرآن به وسیله شمشیر پیشرفت نکرد، بلکه تنها به وسیله دعوت و تبلیغ بود و همین تبلیغ بود که ملت‌های ترک و مغول را پس از ظهور اسلام هنگامی که بر سر اعراب مسلط شدند با این که اعراب [مسلمان] مغلوب آنها بودند، مسلمان کرد. قرآن در هندوستان که فقط عبور عرب بدانجا رسید، چنان پیش رفت که هم اکنون زیاده از پنجاه میلیون مسلمان در این مملکت وجود دارد و... همچنین در مملکت پهناور چین که عرب حتی به یک وجب زمین آنچنانیز حمله نبرد، پیشرفت قرآن کمتر از هندوستان نبوده است.<sup>۳</sup>

۴- دین اسلام، دین منطق و برهان است و چنین دینی نیازی به سلاح و جنگ و تهدید ملت‌ها ندارد. و به دلیل همین منطق نیر و مند است که تمام ادیان را به مذاکره و گفت و گو فراخوانده است.<sup>۴</sup>

۵- در تاریخ، هزاران لشکرکشی و پیروزی نظامی تحقیق یافته است، و بسیاری از ملت‌ها مغلوب شده‌اند، اما هیچ‌گاه این پیروزی‌ها نتوانسته است عقیده و مکتبی را به صورت گسترده در دل‌های مردم جای دهد. علامه محمد تقی جعفری در این باره می‌نویسد:

مگر در تاریخ صدها بلکه هزاران پیروزی با شمشیر و اسلحه کشنده صورت نگرفته است؟!

چرا فقط اسلام بوده که به صورت یک مکتب فraigیر و پاسخگوی همه شؤون مادی و

۱- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۳۴۲. ۲- یونس (۱۰)، آیه ۹۹.

۳- تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۶، ۱۴۷.

۴- ر. ک. بقره (۲)، آیه ۱۱۱؛ انبیاء (۲۱)، آیه ۲۴؛ نمل (۲۷)، آیه ۶۴.

معنوی بشر در دل‌های انبوھی از جمیعت روی زمین درآمده است که در این دوران...  
بیش از یک میلیارد نفوس روی زمین را مسلمانان تشکیل می‌دهند!<sup>۱</sup>

در جنگ با اهل کتاب، اسلام آنان را میان پرداخت جزیه و جنگ مخیّر ساخته است توین  
بی، از مورخان بزرگ قرن معاصر، در پاسخ به این تهمت می‌گوید؛

رد این دعوا [گسترش اسلام با شمشیر] که با مبالغه فراوان در میان ملل مسیحی جهان  
رواج یافته و سخت بزرگ شده است، بسیار آسان است؛ زیرا ملل مسیحی بدون دلیل این دعوا  
را شایع ساختند تا گرایش مردم را به اسلام بدون میل قلبی و به اجبار کنند. در این مورد ویژه،  
اگر اسلام ملل ایران و روم را تنها به گزینش اسلام با شمشیر مخیّر می‌ساخت، می‌شد  
چنین اتهامی را غلم کرد، اما چنان که می‌دانیم اسلام ملل مختلف جهان را بین پذیرش  
اسلام و جزیه آزاد گذارده بود و این روشی است که در خور قدردانی و سپاس است.<sup>۲</sup>

۷- این که اسلام در جهان گسترش یافته است به دلیل ویژگی هایی مانند فطری بودن<sup>۳</sup>، عقلانی  
بودن<sup>۴</sup>، سهل و آسان بودن<sup>۵</sup> و رفتار و اخلاق نیک فاتحان مسلمان جنگ پس از پیروزی ها بوده است.

گوستاولوبون در این باره می‌نویسد:

رسم اعراب [مسلمان] این بود که هر کجا را که فتح می‌کردند، مردم آنجا را در دین خود آزاد  
می‌گذارند. و این که مردم مسیحی از دین خود دست بر می‌داشتند و به دین اسلام می‌گرویدند  
و زبان عرب را به جای زبان مادری خود انتخاب می‌کردند، بدان جهت بود که عدل و دادی که از  
آن عرب‌های فاتح می‌دینند مانندش را از زمامداران پیشین خود ندیده بودند. و برای سادگی و  
سهولتی بود که در دین اسلام مشاهده می‌نمودند و نظیرش را در کیش قبلی سراغ نداشتند.<sup>۶</sup>

رابرت سن می‌گوید:

فقط مسلمانان در تاریخ نسبت به پیروان سایر ادیان پس از پیروزی محبت می‌کردند و  
آن را در انجام شعائر دینی شان آزاد می‌گذاشتند.<sup>۷</sup>

توomas آرنولد:

مهمنترین و قوی‌ترین این عوامل [گسترش اسلام] عبارت است از نفوذ و تأثیر زندگی

۱- حکمت اصول سیاسی اسلام، ص ۴۸۸.

۲- اسلام در زندان اتهام، ص ۱۹۸.

۳- ر.ک. روم (۳۰)، آیه ۴۰.

۴- ر.ک. فصلت (۴۱)، آیه ۴۲.

۵- ر.ک. تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۱۴۵.

۶- ر.ک. بقره (۲)، آیه ۲۸۶.

۷- اسلام در زندان اتهام، ص ۲۶۵.

پیروان اسلام... این حقیقتی است که در زمان‌های اوّلیه بسیاری از مسیحیان که با زندگی و جوامع اسلامی تماس پیدا کرده بودند، کاملاً تحت تأثیر فضایلی که در اسلام وجود داشت، واقع شده بودند و می‌شدند و آن را می‌پذیرفتند.<sup>۱</sup> اسلام دین صلح است و زندگی مسامتم آمیز را خواهان است، جز در مواردی که چاره‌ای جز جنگ نمی‌بیند دست به اسلحه می‌برد.

زیرا اسلام در حالی جهاد را یکی از وظایف دینی دانسته است که برای «حقوق بشر» و «انسانیت» و به ویژه «حق حیات» ارزش بسیار قائل است و حفظ جان و آبروی انسان‌ها را در درجه اول اهمیت قرار داده است.

قرآن کریم پس از نقل ماجراهای کشته شدن هابیل به دست قabil می‌فرماید:

به همین دلیل، بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته است. و کسی که انسانی را از مرگ برهاند، گویی همه مردم را زنده کرده است.<sup>۲</sup>

سنگینی این جرم چنانکه علامه طباطبائی می‌نویسد به دلیل آن است که: کسی که خون یک نفر بی‌گناه و بدون جرم رامی‌ریزد، در حقیقت آمادگی دارد که جنایات بیشتری انجام دهد. او در حقیقت به انسانیت حمله کرده و اورا کشته است و انسانیت یک حقیقت واحده است و فرد و جمع... در آن یکسان است.<sup>۳</sup>

روابط در جوامع انسانی: جوامع انسانی بر سه بخشند و اسلام در تشریع جنگ و صلح و نوع روابط با هر یک از این سه گروه، دستورهایی ویژه دارد این گروه‌ها عبارتند از:

۱- مسلمانان؛ ۲- اهل کتاب؛ ۳- مشرکان و ملحدان.

روابط مسلمانان با یکدیگر: در جوامع و کشورهای اسلامی، روابط، برادرانه است و دین اسلام، یعنی اعتقاد به اصول سه گانهٔ توحید، نبوت و معاد، شیرازه این برادری را تشکیل می‌دهد.

*إِنَّ الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلِحُوهَا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ شُرُّمُونَ*<sup>۴</sup>

مؤمنان برادر یکدیگرند. پس میان دو برادر خود، صلح و آشتی برقرار کنید.

میان کشورهای اسلامی روابط، بر صلح و صفا استوار است و اگر کشوری مسلمان به یک کشور

۱- تاریخ گسترش اسلام، ص ۳۰۹.

۲- مائدہ (۵)، آیه ۳۲.

۳- الجیزان، ج ۵، ص ۳۱۶.

۴- حجرات (۴۹)، آیه ۱۰.

اسلامی تجاوز کند. مسلمانان باید ابتدا بین آنان آشتی و صلح برقرار سازند و چنانچه کشور متجاوز  
تسلیم نشد به دفاع در برابر تجاوز کشور متجاوز برخیزند و کشور اسلامی مظلوم را یاری کنند:  
و هرگاه دوگروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ پردازند، آنان را آشتی دهید؛ و اگر یکی از آن  
دو بر دیگری تجاوز کند، باگروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدابازگردد؛ و هرگاه  
بازگشت [و زمینه صلح فراهم شد] میان آن دو به عدالت، صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه  
کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.<sup>۱</sup>

امام خمینی<sup>۲</sup> نیز در جنگ عراق و ایران، کشور عراق را بنابر این آیه شریفه، «باغی» خواند  
و از مسلمانان جهان خواست که در برابر تجاوز این کشور به پا خیزند.

روابط مسلمانان با اهل کتاب: اهل کتاب، یعنی یهودیان و مسیحیان و زرتشیان که دارای  
کتاب آسمانی‌اند. بنابر قوانین اسلامی، ابتدا باید اینان را به یکتاپرستی و اسلام دعوت کرد تا در  
پرتو توحید به زندگی مسالمت آمیز و صلح ادامه دهند:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلْمَةٍ سَوَاءٍ يَبَّأَنُّا وَيَتَّكُمْ أَلَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا  
وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُكُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَقُولُوا أَشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.<sup>۳</sup>

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند  
یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض دیگر را - غیر از  
خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.»

اگر به این دعوت پاسخ مثبت ندهند، به پرداخت جزیه دعوت می‌شوند و چنانچه به یکی از  
این دو پیشنهاد منطقی و عادلانه تن در ندهند، باید با آنان جنگید:

باکسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش  
تحریم کرده است، حرام می‌شمرند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با  
خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود پردازند!<sup>۴</sup>

روابط مسلمانان با مشرکان و ملحدان: در روابط با جامعه شرک و الحاد، اصل برابر انسان  
در خلقت مطرح است و از حیث نوع موضع گیریشان در برابر مسلمانان، بر دو گونه است: ۱-  
صلح؛ ۲- جنگ

۱- حجرات، (۴۹)، آیه ۶۴

۲- آل عمران (۳)، آیه ۶۴

۳- توبه (۹)، آیه ۲۹

صلح: تا زمانی که مشرکان و کافران علیه مسلماناً توطنه نکنند، جنگ تبلیغاتی و روانی راه نیندازند، در محاصره اقتصادی و نظامی آنان شرکت نجویند، مانع راه خدا و تبلیغ اسلام نگردند و به مرزهای مادی و معنویشان هجوم نبرند و خلاصه با مسلماناً بدرفتاری نکنند. رابطه مسلماناً با آنان در حالتی از صلح و زندگی مسالمت آمیز شکل خواهد گرفت؛ چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

لَا يَهْمَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبْرُوْهُمْ وَقُتِسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ<sup>۱</sup>

خداؤند شما را از نیکی و رعایت عدالت به کسانی که به دلیل دینتان با شما پیکار نکردن و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد. جنگ: اگر مشرکان، از در دشمنی درآیند و با تبلیغات، توطنه نظامی، اقتصادی و سیاسی و... به مبارزه با اسلام و مسلماناً برخیزند، و دیگران را به دشمنی با مسلماناً فراخواندند، دیگر جای صلح و زندگانی مسالمت آمیز و رفتار نرم و مدارا نیست. قرآن می‌فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِّي أَنْهَوْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ إِمَّا يَعْمَلُونَ بِصَيْرٍ<sup>۲</sup>

وبایان پیکار کنید، تافتنه برچیده شود، و دین [او پرستش] همه مخصوص خدا باشد و اگر آنان [از راه شرک و فساد باز گردند و از اعمال نادرست] خودداری کنند، [خداؤند آنان را می‌پذیرد] که بی‌گمان، خداوند به آنچه انجام می‌دهند، بیناست.

قرآن می‌فرماید که سردماران کفر و اولیای شیطان، که طراحان اصلی توطئه‌هایند، باید نابود شوند:

وَإِنْ نَكُثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِنُكُمْ فَقَاتِلُوا إِنْهُمْ أَلْكُفَّرُ إِنْهُمْ لَا يَأْكُلُونَ لَعَنَّهُمْ يَتَّهَوْنَ<sup>۳</sup>.

با پیشوایان کفر بجنگید؛ چراکه آنان پیمانی ندارند شاید [با شدت عمل] دست بردارند! اینان یاران شیطانند که هیچ گاه دست از دشمنی و عداوت برنمی‌دارند: در این باره، آیاتی که مسلماناً را به جنگ فرا می‌خوانند و سستی و اهمال را در برابر مشرکان کینه توز روانی دانند بسیار است.<sup>۴</sup>

صلح شرافتمدانه: صلحی در اسلام پذیرفته است که عزّت و سربلندی اسلام و اقتدار اسلامی در آن باشد. ولی صلح ذلتبار، که حقارت و خواری به ارمغان آورد و تشویق متزاوی و مشروعیت بخشیدن به تجاوز باشد، ممنوع است:

۱- ممتحنه (۶۰)، آیه ۸

۲- انفال (۸)، آیه ۳۹

۳- توبه (۹)، آیه ۱۲

۴- ر.ک. توبه (۵) آیه ۳۶ و ۱۲۳؛ بقره (۲)، آیه ۱۹۰ و ۱۰۹.

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى الْسَّيْمِ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ<sup>۱</sup>

پس، هرگز سست نشود و [دشمنان را] به صلح [ذلتبار] دعوت نکنید، در حالی که شما برترید و خداوند با شماست و چیزی از [ثواب] اعمالتان نمی‌کاهد.

امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید:

وَجَدْتُ الْمُسَالِمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهُنْ فِي الْإِسْلَامِ أَجْبُ منَ الْقِتَالِ<sup>۲</sup>

مسالمت و صلح را آن گاه که موجب سستی در اسلام نگردد، از جنگ سودمندتر یافتم.

استاد مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

تجاور را با سلاح صلح پاسخ گفتن، در واقع تسلیم در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن شرافت انسانی و از همه مهمتر تشویق متاجوز و مشروعیت بخشیدن به تجاوز است، لذا صلح و سازشی که کرامت انسانی مسلمانان را به ننگ خواری و حقارت آلوده سازد و ظلم و تجاوز را بر مستند مشروعیت بنشاند، به هیچ وجه مورد تائید اسلام نیست.<sup>۳</sup>

هنگامی که صلح، به نفع اسلام و مسلمانان باشد، اسلام با روی باز آن را می‌پذیرد.

نمونه روشن صلح خواهی اسلام، «صلح حدیبیه» است که به رغم برخی مخالفت‌ها، رسول خدا ﷺ با مشرکان مکه قرارداد صلح امضا کرد.<sup>۴</sup>

## سیره رهبران الهی

پیامبران و رهبران الهی، در تبلیغ و نشر آیین الهی و رسالت خویش با موانع و مشکلاتی بسیار روبرو بوده‌اند. که گاه ناچار می‌شدند برای از میان برداشتن آن موانع دست به شمشیر ببرند. آنان بندگی خدارا طلب می‌کرده و مردمان را به توحید و یکتاپرستی می‌خوانده و شرافت و کرامت و آزادگی و رهایی از جهل و خرافه و آزادی از بندگی غیر خدارا برای مردم می‌خواسته‌اند. در مقابل آنان، مستکبران و شیطان‌صفتان و دنیا پرستانی قرار داشته‌اند که متعاف خود را با اهداف پیامبران در تعارض می‌دیده‌اند از این رو، به مخالفت و مقابله با آن می‌ایستاده‌اند.

قرآن کریم درباره این شیاطین چنین یاد می‌کند:

۱- محمد (۴۷)، آیه ۳۵

۲- شرح غرر و درر، ج ۶، ص ۲۴۴

۳- ر.ک. جهاد، ص ۱۶

۴- ر.ک. نمونه، ج ۲۳، ص ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۵

وَكَذِلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَيٍّ عَدُواً شَيَاطِينَ الْإِنْسَانِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمُ إِلَى بَعْضٍ زُحْفَ الْقَوْلِ  
غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ قَدَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ.<sup>۱</sup>

اینچنان در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آنان در نهان [و درگوشی] سخنان فریبند و بی اساس [برای اغفال مردم] به یکدیگر می گفتند.

### جهاد با دشمنان

پیامبران، با حکمت، اندرز نیکو و جدال احسن به تبلیغ رسالت الهی می پرداختند تا در پرتو توحید، جامعه انسانی را به وحدت و همدلی فراخوانده به سعادت ابدی هدایت نمایند. ولی این شیوه به تهایی برای پیشبرد اهداف آنان - از جمله یکتاپرستی اجرای عدالت اجتماعی ناکافی بود؛ زیرا دشمنان آنان، که بیشتر از مستکبران و ثروتمندان بودند برای مقابله با رسالت رهبران الهی تنها به سلاح تبلیغ و ایجاد جنگ روانی مسلح نبودند، بلکه با زور و قدری به انواع توطئه‌ها، شکنجه و قتل و غارت دست می زدند تا بدین وسیله، مانع گرایش مردم به حق و اجرای عدالت شوند. آن گاه که گسترش توحید و دفاع از مظلومان و محروم‌مان جامعه و اجرای عدالت در مقابل ستمگران با منطق ممکن نشد، پیامبران به شمشیر متولّ می شدند.

از این رو خداوند در کتاب معجزات و کتاب آسمانی، آهن را به عنوان ابزار جهاد و مبارزه مسلحانه به رهبران الهی هدیه داد تا از آن بهره جویند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمُيزَانَ لِيَقُولَ النَّاسُ بِالْقِنْطِ وَأَنْزَلْنَا  
الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَصْدُرُهُ وَرَسُلُهُ بِالْعَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ  
عَزِيزٌ.<sup>۲</sup>

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنان، کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادله] نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آن که او را ببینند، به راستی که خداوند قوی و شکستناپذیر است.

از آیات قرآنی که پیشینه تاریخی جهاد و مبارزه مسلحانه در سیره انبیا را بیان می کنند، این

آیه شریفه است:

.۲- حدید (۵۷)، آیه ۲۵

.۱- انعام (۶)، آیه ۱۱۲

وَكَيْنَ مِنْ نَيٌّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَيْرُ فَمَا وَهُنَا لِمَا أَصَابُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا أَسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الظَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی بسیاری به همراهشان جنگیدند! آنان هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند]، و خداوند استقامه‌کنندگان را دوست دارد.

از میان پیامبران الهی نام شماری از آنان که در راه گسترش دعوت خویش دست به جهاد و مبارزه نظامی زده‌اند، در قرآن کریم آمده است که در زیر به برخی از آنان اشاره خواهد شد:

#### حضرت ابراهیم(ع) از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است:

نخستین کسی که دست به جهاد در راه خدا زد، ابراهیم خلیل(ع) بود؛ آن‌گاه که سپاه روم، لوط(ع) را به اسارت گرفته بودند و ابراهیم(ع) با جهاد خویش، او را ز دست آنان آزاد ساخت.<sup>۲</sup> از این روایت چنین استنباط می‌شود که پیامبران پیش از حضرت ابراهیم ﷺ برای ایفای رسالت الهی، یا مأمور به جهاد و مبارزه مسلحانه نبوده‌اند و یا شرایط برای آنان آماده و مناسب نبوده است.

#### حضرت موسی(ع)

بني اسرائیل پس از نجات از چنگال فرعون، باید به دستور خداوند با قوم ستمنگر و مشرکین می‌جنگیدند و سرزمین بیت المقدس از سلطه عمالقه آزاد می‌ساختند و خود در آن جاساکن می‌شدند. یاقوْمِ اذْخُلُوا الْأَرْضَ الْمَقْدَسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنَلِّبُوا خَاسِرِينَ.<sup>۳</sup>

ای مردم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است، وارد شوید و به پشت سر خود باز نگردید و [عقب‌گرد نکنید] که زیانکار خواهید بود! ولی بنی اسرائیل، در اجرای فرمان الهی سستی کردن و از جهاد سرباز زدن و با کمال گستاخی به حضرت موسی ﷺ گفتند:

۱-آل عمران (۳)، آیه ۱۴۶.

۲-إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) حِيَثُّ اَسْرَيْتَ الرُّؤْمَ لُوطًا فَقَاتَرَ اِبْرَاهِيمَ (ع) وَاسْتَنْقَدَهُ مِنْ اَئِدِيهِمْ .  
۳-مائده (۵)، آیه ۲۱ (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۶).

قَاتُلُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا  
دَاخِلُونَ.<sup>۱</sup>

ای موسی! در آن سرزمین قومی نیرومند و ستمگرند و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آنان خارج شوند. اگر آنان بیرون رفته‌اند، ما وارد خواهیم شد!

### طالوت

آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ سوره بقره به بخش دیگر از مبارزه‌ها و جنگ‌های بنی اسرائیل پس از حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> اشاره دارد. خداوند به برکت حضرت موسی<sup>علیه السلام</sup> نعمت‌های فراوانی به بنی اسرائیل عطا کرد، ولی آن نعمت‌ها و پیروزی‌ها، اندک باعث غرورشان شد تا آن جاکه در دفاع از مکتب آسمانی سست شدند و با از دست دادن صندوق عهد<sup>۲</sup> و اتحاد ملی، دچار اختلاف و پراکنده‌گی گشتند. دشمن حمله کرد و آنان را از سرزمین فلسطین بیرون راند و فرزندانشان را به اسارت گرفت. این وضع سالیان بسیار ادامه داشت تا آن که خداوند پیامبری به نام «اشموئیل» برای نجات و ارشادشان برانگیخت. بنی اسرائیل، که از ستم دشمنان به تنگ آمده بودند، گرد او جمع شدند و از وی خواستند که فرماندهی برایشان تعیین کند تا تحت فرماندهی اش با دشمن بجنگند.

خداوند به درخواست اشموئیل، طالوت را، که از نظر قوای بدنی، نیرومند و از نظر قوای روحی زیرک و اندیشمند و با تدبیر بود، به فرماندهی آنان برگزید بنی اسرائیل به فرماندهی طالوت بدان دلیل که مردی فقیر و از خانواده‌ای گمنام و روستایی بود، اعتراض کردند و از پیامبر شان نشانه‌ای خواستند. خداوند به عنوان نشان، تابوت (صندوق عهد) را که مدتی مفقود بود، باز گردانید.

طالوت فرماندهی را بر عهده گرفت و بنی اسرائیل را برای جنگ با دشمنان آماده ساخت در مسیر راه، نیروها تشه شدند و طالوت به فرمان خداوند، برای این که آنان را آزمایش کند، گفت: «به زودی به نهر آبی می‌رسید. کسانی که از آن بنو شند تا سیراب شوند، از من نیستند و آنان که جز مقدار کمی نتو شند، از یاران منند». <sup>۳</sup> همین که چشم لشکریان به آب افتاد، جز اندکی خود را از آب سیراب کردند.

۱- همان، آیه ۲۲.

۲- «صندوق عهد»، همان صندوقی بود که مادر موسی (ع) دستور به ساخت آن داد و موسی (ع) را در آن نهاد و به رود نیل انداخت. آن صندوق باقی بود تا این که پس از پیروزی موسی (ع) بر فرعون، به دست وی افتاد، او الواح مقدس و زره خود را در آن گذاشت. این صندوق برای بنی اسرائیل بسیار مقدس بود و در جنگ‌ها آن را همراه خود

می‌بردند که موجب دلگرمی شان می‌شد. تفسیر نمونه، ج ۲ ص ۱۷۳ - ۱۷۴

۳- ر. ک، بقره (۲)، ۲۴۹.

طالوت با سیصد و سیزده نفر به استقبال دشمن به فرماندهی جالوت شتافت. سپاهیان اندک طالوت، از نیرومندی و فزونی سپاه جالوت به وحشت افتادند اما مؤمنان آن جمع گفتند: «از فزونی دشمن نترسید، چه بسا نیروی اندک بر نیروی بسیار با یاری خدا پیروز شود.» در این گروه، حضرت داود<sup>۱</sup> به چشم می‌آمد که نوجوانی بیش نبود و برای کمک به دو برادر خود در جنگ حضور یافته بود. او چند تکه سنگ، با فالخنی که در دست داشت، ماهرانه به سوی فرمانده دشمن پرتاب کرد. سنگ‌ها درست بر پیشانی جالوت نشست و او در پیش چشمان سپاهیانش بر زمین افتاد و کشته شد. با کشته شدن او، رعب و هراس در دل سپاهیانش افتاد و همگی گریختند و سپاه طالوت پیروز شد.<sup>۲</sup>

#### حضرت سلیمان (ع)

حضرت سلیمان<sup>۳</sup> فرزند حضرت داود (ع)، حکومتی بی‌نظیر و ارتقی بی‌مانند داشت و جن و انس و پرنده و چرند در خدمت وی بودند. روزی هدهد، از خورشید پرستی قوم سبا بد خبر داد. وی بی‌درنگ نامه‌ای به بلقیس، ملکه سبا، برای ترک شرک و قبول توحید نوشت. چون پاسخی شایسته بدو ندادند، آنان را به جهاد و مبارزه تهدید کرد و با پیک ملکه سبا پیام برایشان فرستاد:

أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَّا يَتَّهِمُ بِجُنُودٍ لَا قِيلَ لَهُمْ إِلَّا وَلَتَحْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذْلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ.

به سوی آنان بازگرد [واعلام کن[ که مابالشکریانی به سراغ آنان می‌آیم که قدرت مقابله با آن را نداشته باشند و آنان را از آن [سرزمین آباد] به خواری و زبونی بیرون می‌رانیم!

#### حضرت عیسی (ع)

برخی مسیحیان، بر آنند که حضرت مسیح<sup>۴</sup> گفته است: «اگر کسی به گونه راستستان سیلی نواخت، گونه چپتان رانیز برای سیلی اش به پیش آورید!» ولی حضرت مسیح<sup>۵</sup> نیز چون دیگر پیامبران دارای روحیه جهاد و مبارزه علیه مستکبران بود. گرچه فرست آن رانیافت. دلیل این حقیقت آن که خداوند برای تأکید بر اهمیت جهاد مسلمانان حواریون حضرت عیسی<sup>۶</sup> را به عنوان مثال ذکر می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَمْنَا كُوُنُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى أَئِنِّي مَرِيمٌ لِلْحَوَارِيْنَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيْنَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ.

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۵ - ۲- نمل (۲۷)، آیه ۳۷.

۳- صفات (۶۱)، آیه ۱۳.

ای کسانی که ایمان آوردید! یاوران خدا باشید؛ همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران منند» حواریون گفتند: «ما یاوران خداییم.»  
امام خمینی (قدس سرّه) در این باره می‌فرماید:

آنها که خودشان را طرفدار حضرت عیسی جازدند و ادعا می‌کنند که حضرت مسیح فرموده است که اگر چنانچه کسی به شما سیلی زد آن طرف صورتتان را بگیرید تا سیلی بزنند، گرچه این دروغ است، حضرت مسیح، پیغمبر بزرگ خدایک همچو حرف غیر صحیح را نخواهد زد. اگر به مسیح مجال داده بودند، همان طوری که موسی با قوم خودش با فرعونه عمل کرده بود، آن هم عمل می‌کرد، لکن مجال نداشت.<sup>۱</sup>

#### پیامبر اسلام(ص)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای دفاع از اسلام و قرآن، بیش از هشتاد غزوه و سریه را در مدت ده سال هدایت و رهبری کرد و دشمنان اسلام را در اهدافشان ناکام گذاشت. در این باره در فصل دوم به تفصیل سخن خواهیم گفت.

---

۱- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹.

## خلاصه فصل

جهاد به معنای زحمت و تلاش و به کار بردن توان جانی و مالی در راه اعتلای اسلام در مقابله با دشمنان اسلام است. درباره مفهوم جنگ از دیدگاه بین الملل دونظریه مطرح است: یک نظریه به دوران پیش از تأسیس جامعه ملل باز می‌گردد، و بر آن است که توسل به زور و جنگ افروزی، نشان و تجلی حاکمیت است. نظریه دوم، نقطه مقابل آن است که به دوران تأسیس جامعه ملل و پس از آن باز می‌گردد این نظریه به منع توسل به زور و تحریم جنگ معتقد است. گرچه عملاً توسل را برگزیده است.

نظریه پردازان نسبت به جنگ دو دیدگاه متفاوت دارند. دیدگاهی معتقد است، جنگ عصارة تمدن و خیر مطلق است و دیدگاهی که جنگ را بزرگترین جنایت به بشریت می‌داند.

با خرسناسان مسیحی به اسلام تهمت می‌زنند که «اسلام دین خون و شمشیر است» در پاسخ آنان باید گفت: «دین» یک آرمان است و آرمان بالجبار ناسازگار است علاوه بر آن، اسلام دین حکمت و منطق و برهان است و برای هدایت انسان‌هانیازی به زور ندارد. البته اسلام با توجه به اهداف خویش هم جنگ دارد و هم صلح.

با دشمنان متجاوز و مستکبران جهانخوار می‌جنگد و با جامعه انسانی روابط مسالمت‌آمیز دارد. پیامبران در راه دعوت مردم به یکتاپرستی با مشکلات و موانع و کارشکنی دشمنان انسانیت روبه رو بودند. از این رو خداوند در کنار کتاب آسمانی و حکمت، آهن را به عنوان سمبول قدرت به آنان داد و نخستین پیامبری که به جهاد مسلحانه اقدام کرد، ابراهیم خلیل بود.

## پرسش

- ۱- درباره توسل به زور چند نظریه مطرح است؟
- ۲- شرایط دفاع مشروع چیست؟
- ۳- تعریف اینها یم از جنگ چیست؟
- ۴- جامعه‌شناسان چه برداشتی از آیه ۲۴۶ بقره دارند؟
- ۵- چرا هابز روابط انسان‌ها را بر جنگ استوار می‌داند؟
- ۶- دلیل اتهام خاورشناسان مسیحی به اسلام چیست؟
- ۷- چه صلحی مورد قبول اسلام است؟
- ۸- سه پاسخ در رد اتهام خاورشناسان مسیحی بنویسید.
- ۹- دشمنان پیامبران را نام ببرید.
- ۱۰- منظور خداوند از ارسال «حدید» در آیه ۲۵ سوره حدید چیست؟

## فصل دوم

# جهاد در اسلام

### ضرورت جهاد

اسلام طرفدار صلح و همزیستی مسالمت آمیز با تمام ملل دنیاست. در صورتی که طرف مقابل نیز خواهان همزیستی مسالمت آمیز و شرافتمدانه باشد. اما اگر مستکبران عالم بخواهند از ملت‌ها سلب آزادی کنند و شرافت و کرامت انسانی ملت‌ها را پایمال کنند و بر معتقدات و استقلال و آزادی آنان تجاوز نمایند، ایستادگی در برابر آنان نه تنها نکوهیده نیست بلکه واجب و ضروری است. علاوه رفع ظلم و ستم، دفاع از محرومان و مستضعفان دربند، برداشتن موانع تبلیغات اسلام، حفظ امنیت و استقلال، سرکوب فتنه‌جویان و آشوب‌گران و مقابله با متزاوzen و مستکبران از اهداف جهاد در اسلام به شمار می‌روند. از این رو جهاد (ابتدايی و دفاعی) از میان واجبات دینی، نقش کلیدی را ایفا می‌کند.

ضرورت جهاد (ابتدايی و دفاعی) از چند بعد قابل بررسی است:

۱- بعد فطروی: دفاع از موجودیت خویش در میان همه جانداران امری ضروری و فطری است و خداوند حکیم همه جانداران را متناسب با بنیه جسمی و شرایط زیستی آنها به سلاح دفاعی مجهز کرده است.

۲- بعد عقلی: همه انسان‌ها، ملت‌ها و جوامع شری اتفاق نظر دارند که حق مسلم هر فرد و جامعه‌ای است که از حقوق، آزادی، استقلال و عقیده و کرامت خویش دفاع کند و تن به ذلت و ستم ندهد.

۳- بعد مکتبی: همه ادیان آسمانی، مبارزه علیه ظلم و تجاوز و کوتاه کردن دست ستمگران و متزاوzen را در رأس برنامه‌های خود دارند. و برای حفظ و گسترش ارزش‌های انسانی - الهی و عدالت اجتماعی، جهاد با دنیاپرستان ستمگر را واجب و ضروری دانسته‌اند.

خداوند جهاد را عامل برکات و منشأ خوبی‌ها و خیر و رحمت الهی می‌شمارد.  
 کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَكُمْ وَعَسَى أَن تَكُرُّهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوَا شَيْئًا  
 وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.<sup>۱</sup>

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ در حالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شر شما در آن است و خدامی داند. و شمانمی‌دانید.

### پیامدهای ترک جهاد

امام علی<sup>ؑ</sup> ضمن بیان ارزش جهاد، به ثمرات تلغی ترک آن اشاره کرده، می‌فرماید:  
 کسی که از روی سربیچی و اعراض، جهاد را ترک کند، خدا بر او لباس ذلت می‌پوشاند، و  
 گرفتاری‌ها و سختی‌های بر او چیره می‌شود، و به زبونی و بیچارگی دچار می‌گردد، و بر دلش  
 مهربی خردی و سبک‌سری زده می‌شود، و حق از او روی برمی‌گرداند، بدان دلیل که جهاد  
 را ضایع ساخته است و ناگزیر به پستی محکوم و از انصاف و عدالت محروم خواهد شد.<sup>۲</sup>  
 استاد مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

تمالکتی مجاهد است، دیگران او را به حساب می‌آورند و اجباراً رعایت انصاف را درباره‌اش  
 می‌نمایند. اما مالکتی که این خصیصه را از دست داد، دیگران برای او شخصیتی قائل  
 نمی‌شوند و از هرگونه انصافی درباره‌اش مضایقه می‌کنند.<sup>۳</sup>

امام خمینی (قدس سرّه) درباره آیه ۲۴ سوره توبه می‌فرماید:  
 این آیه تنبه داده است که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول  
 است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید از ذلت و اسارت و بر  
 باد رفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل  
 عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد... است.<sup>۴</sup>

### ماهیت و ویژگی‌های جنگ در اسلام جنگ در اصطلاح فقیهان و اسلام‌شناسان، تحت عنوان «جهاد» آمده و به عنوان تکلیف و

۱- بقره (۲)، آیه ۲۱۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۳- قیام و انقلاب مهدی (عج)، ص ۹۲.

۴- صحیفة نور، ج ۲۰، ص ۱۱۰.

وظیفه‌ای الهی برای مسلمانان، در منابع اسلامی جایگاهی بلند احراز کرده است. اهم ویژگی‌های جهاد اسلامی عبارتند از:

۱- در راه خدا بودن (= فی سبیل الله): در قرآن کریم واژه «جهاد» و «قتال» با قید (فی سبیل الله) آمده است. قید «فی سبیل الله» نشانگر آن است که جنگ و جهاد اسلامی در راه خدا و بنابر دستور و رضای او و برای تحقق اهداف الهی است و هر جنگی که از این ویژگی بی‌بهره باشد، از نظر اسلام بی‌ارزش است.

«فی سبیل الله» رمز جهاد است که مجاهدان در راه خدارا از پیکارجویان راه طاغوت جدا می‌کنند:

**الَّذِينَ آمُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ .<sup>۱</sup>**

کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا پیکار می‌کنند و آنان که کافرند، در راه طاغوت.

۲- رعایت عدالت: جنگی که با خوی تجاوزگری عجین باشد، در پیش چشم همگان رشت، و از دیدگاه اسلام منفور و زیانبار است. جنگ عادلانه جنگی است که اولًا برای رفع تجاوز و رفع ظلم و بیدادگری و شرک و بت پرستی باشد؛ و ثانیاً از هر گونه عمل مست McGrane به دور باشد و جهاد اسلامی چنین است. در جهاد اسلامی، زنان، کودکان، بیماران، کهنسالان در امان هستند و با اسیران و زخمیان دشمن به گونه انسانی و همراه با رافت و رحمت اسلامی رفتار می‌شود که در فصل آینده از این موضوع بحث خواهد شد:

**وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ .<sup>۲</sup>**

در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید، که خدا متتجاوزان را دوست نمی‌دارد!

در آیه دیگر به صراحة از رفتار به عدالت سخن می‌گوید و نباید تحت تأثیر عوامل بازدارنده قرار گیرد.

دشمنی با گروهی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است و از [معصیت] خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، باخبر است.<sup>۳</sup>

۳- حفظ ارزش‌های انسانی: طبیعت جنگ کشتار و تخریب است. اما هنر آن است که در این میدان به اصول و ارزش‌های انسانی و الهی احترام گذاشته شود. از این رو جهاد اسلامی راهی را

۱- نساء (۴)، آیه ۷۶. ۲- بقره (۲)، آیه ۱۹۰.

۳- مائدہ (۵) آیه ۸

برگزیده که به حفاظت از ارزش‌های انسانی، الهی منتهی شود. یعنی حفاظت و دفاع از شرافت و کرامت انسانی، عهد و پیمان، محیط زیست و... .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه فرماندهی را به جنگ اعزام می‌فرمود، او و یارانش را در پیش خود می‌نشاند و بدانان توصیه می‌فرمود:

به نام خدا و در راه خدا و دین رسول خدا حرکت کنید. خیانت نورزید، مثله نکنید، پیمان نشکنید، پیران فرتوت و کودکان و زنان را از دم تیغ نگذرانید تاناقچار نشده‌اید، درختان را قطع نکنید و املاع را به آتش نکشید[ و هر کس از مسلمانان اگر چه فردی عادی باشد، به یکی از کفار امان داد تا کلام خدا را بشنود، امان او را محترم بشمارید. پس، اگر اسلام را پذیرفت، برادر دینی شماست و گرنه او را به محل خوبیش بازگردانید و از خداوند یاری بجویید.

### جایگاه جهاد در اسلام

جهاد نه تنها در اسلام بلکه در تمامی ادیان الهی از جایگاهی والا برخوردار است. جهاد منحصر به دین اسلام نیست، بلکه جهاد و مبارزه با استمگران و طاغوتیان و دنیا پرستان در رأس برنامه همه پیامران بوده است.<sup>۱</sup> بانگاهی گذرا به قرآن و حدیث می‌توان دریافت که آیات و روایات بیشماری پیرامون جهاد آمده است. در کتاب‌های فقه و حدیث، «باب الحرب والقتل» [فصل جنگ و کشتار] موجود نیست، بلکه عنوان بحث، «جهاد فی سبیل الله» است. و این نشان از تقدس جهاد دارد.

### جهاد در منظر قرآن

در قرآن آیاتی بسیار درباره عظمت و جایگاه رفیع جهاد در میان عبادات به چشم می‌خورد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### جهاد برتر از خدمتگزاری به حجاج و کلیدداری مسجدالحرام

روزی شیبیه و عباس، از افتخارات خویش سخن می‌گفتند. علیؑ از کنار آنان گذشت و پرسید: «به چه افتخار می‌کنید؟ عباس گفت: «فضیلتی دارم که احدی ندارد و آن آبرسانی به حجاج خانه خداست. شیبیه گفت: «من تعمیرکننده مسجدالحرام [کلیددار] هستم. علیؑ فرمود: با این که از شما حیا می‌کنم. باید بگوییم با این سنّ کم، افتخاری دارم که شما ندارید.» پرسیدند: «کدام افتخار؟!» فرمود: «من با شمشیر جهاد کردم تاشما به خدا و پیامبر ﷺ ایمان آورید.» عباس خشنناک برخاست

۱- فصل اول، سیره رهبران الهی، آل عمران (۳)، آیه ۱۴۶.

و دامن کشان به سراغ پیامبر(ص) رفت و گفت: «آیا می بینی علی چگونه با من سخن می گوید؟!» پیامبر ﷺ علی را خواند و به او فرمود: چه چیزی موجب شد با عمومیت این گونه برخورد کنی؟! علی ﷺ گفت: «ای رسول خدا! من حقیقتی را باز گفتم. در برابر حق هر کس می خواهد ناراحت شود و هر کس می خواهد خشنود!» آن گاه جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد:

أَجَعْلُمُ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَأَلْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ لَا يَسْتَوْنَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.<sup>۱</sup>

آیا سیراب کردن حجاج و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند [عمل] کسی می دانید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و در راه او جهاد کرده است؟! [این دو] نزد خدا مساوی نیستند!

#### جهاد؛ تجارتی بی نظیر

در فضیلت جهاد همین بس که خداوند، خود، با مجاهدان وارد تجارت شده و جان و مالشان را می خرد و در برابر، بهشت جاودان را با درجات بالا به آنان ارزانی می دارد: قرآن می فرماید:

خداؤند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را می خرد که [در براپرش] بهشت برای آنان باشد. [به این گونه که] در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند. این، وعده حقی است بر او که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده است و چه کسی از خدا به عهدهش وفادارتر است؟! اکنون بشارت بادر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!<sup>۲</sup>

#### مجاهدان محبوبان خدایند

خداؤند بزرگ در قرآن کریم، مجاهدان را محبوب خویش می شمارد و می فرماید:  
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَّاكَاهُمْ بُتْيَانُ مَرْصُوصٌ<sup>۴</sup>  
خداؤند کسانی را دوست می دارد که در راه او پیکار می کنند، گویی بنیانی آهنین اند خداوند چنان مجاهدان را دوست می دارد که به نفس زدن اسب هایشان و جرقه های ستم ستوران و غبار برخاسته از حرکت برق آسای آنان، سوگند یاد کرده است.<sup>۵</sup>

۱- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۲۱.

۲- توبه (۹)، آیه ۱۹.

۳- توبه (۹)، آیه ۱۱۱.

۴- صاف (۶۱)، آیه ۴.

۵- عادیات (۱۰۰)، آیات ۱-۴.

### جهاد در منظر روایات

روایاتی بسیار در عظمت و اهمیت جهاد در راه خدا نقل شده است که به عنوان نمونه به چند روایت بسنده می‌کنیم:

۱- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

**الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَتَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ.**<sup>۱</sup>

همه خوبی‌ها در شمشیر و زیر سایه آن است.

۲- ابوذر غفاری از پیامبر اکرم ﷺ پرسید: «کدام یک از اعمال نزد خداوند دوست داشتنی تر است؟» آن حضرت فرمود: «ایمان به خدا و جهاد در راه او.»

پرسیدند: «کدامین جهاد از همه جهادها بهتر است؟»

فرمود: «جهاد کسی که اسبش پی شود و خونش در راه خدا بر زمین ریزد.»

۳- پیامبر اکرم ﷺ گروهی مجاهد را به مأموریت اعزام فرمود. نیروهای اسلام، سحرگاهان به سوی محل مأموریت حرکت کردند. یکی از صحابه، به نام ابن رواحه، ماند تا نماز صبح را با پیامبر ﷺ بخواند. پس از نماز، رسول خدا ﷺ او را دید و فرمود: «مگر در سپاه نبودی؟!» عرض کرد: «آری بودم، ولی دوست داشتم نماز جماعت را با شما بخوانم و سپس به سپاه ملحق شوم.»

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

**وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ يَيْدِهِ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَدْرَكْتَ فَصُلْطَانًا غُدُوَّتِهِمْ.**<sup>۲</sup>

به خدایی که جان محمد (ص) دست اوست سوگند، اگر آنچه را در زمین است اتفاق کنی، فضیلت حرکت بامدادی آنان را درک نخواهی کرد.

۴- امیر مؤمنان ؑ درباره جهاد می‌فرماید:

**إِنَّ الْجَهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجِنَّةِ فَتَحَمَّلُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أُولَيَاءِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْمَحْسِنَةِ وِجْنَتُهُ الْوَثِيقَةِ.**<sup>۳</sup>

جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند تنها به روی اولیاء خاص خویش گشوده است و آن لباس تقوا و زره نفوذناپذیر و سپر اطمینان بخش الهی بر پیکر مجاهدان است.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹؛ از امام باقر (ع) نیز نقل شده است؛ فروع کافی، ج ۵ ص ۸

۲- سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۰، دار الاتحاد العربي.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۳۷.

## ۵- همچنین می فرماید:

خداآوند عزوجل جهاد را واجب کرده، و آن را بزرگ شمرده و یاری و یاورش قرار داده است.

به خدا سوگند که دنیا و دین جز با جهاد اصلاح نمی شود.<sup>۱</sup>

۶- امام باقر علیه السلام می فرماید:

اماً أَصْلُهُ الصَّلَاةُ، وَفَرْعُونُهُ فَالْزَّكَاةُ، وَرَوْتُهُ وَسَامُهُ الْجِهَادُ.<sup>۲</sup>

اصل و عمود [خیمه] اسلام، نماز و فرع آن زکات و فله و اوج عظمتش جهاد است.

### اهداف جهاد

جهاد اسلامی، دارای اهدافی بس مقدس و والاست که همین ویژگی موجب برتری اش از دیگر جنگ‌ها می شود. برخی از این هدف‌ها عبارتند از:

#### ۱- براندازی شرک و برداشتن موانع تحقق ارزش‌های بعثت

هدف از جهاد، کشتار نیست بلکه برداشتن موانع تحقق ارزش‌های وحی، است که شرک، بت پرستی، کفر و باطل‌گرایی از جلوه‌های بارز آن است.

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الَّذِينُ لِلَّهِ فِإِنْ أَنْتَهُوا فَلَا عُدُونَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.<sup>۳</sup>

و با آنها پیکار کنید؛ تا فتنه (وبت پرستی، و سلب آزادی از مردم)، باقی نماند؛ و دین مخصوص خداگردد.

بنابرگفته علامه طباطبائی، مراد از «فتنه» در آیه، شرک و بت پرستی است. مانند: مشرکان مکه. شرک به خدای سبحان، موجب هلاک انسانیت و میراندن فطرت آدمی است. و جهاد برای آن است که با از میان برداشتن شرک و بت پرستی، دین توحید و یکتاپرستی را در جامعه گسترش دهد و بدین وسیله از حیات و فطرت الهی آدمی دفاع نماید.<sup>۴</sup>

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید:

فَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُدِيرِينَ عَنْهُ وَالْعَادِلِينَ بِهِ.<sup>۵</sup>

پس (پیامبر(ص)) در راه خدا با کسانی که از خدا اعراض و دوری گزیده و مثل و مانند برایش قرار می داند، جهاد کرد.

۱- بحار الانوار، ج ۶۹ ص ۳۹۲ ح ۷۰

۲- فروغ کافی، ج ۸ ص ۱۱

۳- بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

۴- ر.ک. المیزان، ج ۲، ص ۶۲ و ۶۴

۵- همان، ص ۱۹۱۵، خطبه ۱۳۲.

هنگامی که پیامبر ﷺ امیر مؤمنان را به جبهه یمن اعزام فرمود به وی سفارش کرد: ای علی! به خدا سوگند! اگر خداوند به دست تو مردمی را هدایت کند، برایت از هر آنچه خورشید بر آن می‌تابد و غروب می‌کند و تو حاکم آن باشی، بهتر است.<sup>۱</sup>

#### ۲- مبارزه با تبهکاران و گمراهگران

برای مجازات تبهکاران و گمراهگران که در فساد خود و جامعه پای می‌فرشنند، و ستمگرانی که با پیروی از شیطان و هوای نفس، غرق در ظلم و ستیزه‌جویی با عدالت و تأویل حقایق و ترویج باطلند جهاد بسیار کارساز و ستم برانداز است.

امیر مؤمنان ﷺ دربارهٔ خوارج که با تأویل حقایق در اندیشهٔ فتنه‌جویی بودند، می‌فرماید:

نُقَاتِلُ أَخْوَانَنَا فِي الْإِسْلَامِ عَلَىٰ مَا دَخَلَ فِيهِ مِنَ الرَّبِيعِ وَالْأَعْوَاجِ وَالشُّهْبَةِ وَالثَّاوِيلِ.<sup>۲</sup>

باکسانی که در اسلام باما برادرند، به دلیل لغزش و انحراف و کجی و اشتباه و تأویل حقایق، ناگزیر از جنگ شده‌ایم.

#### ۳- پاسداری از نظام و ارزش‌های الهی

حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های الهی یک تکلیف است که در سایهٔ جهاد تحقق می‌پذیرد. امیر مؤمنان ﷺ در مورد جهاد باکسانی که نظام و ارزش‌های الهی را مورد هجوم قرار دادند می‌فرماید: به هوش باشید که اینک شیطان حزب خویش را برانگیخته است و هوادارانش را فراهم خوانده است، تا دیگر بار جور را به پایگاه‌های دیرینش باز گرداند و باطل را بر اریکه‌ی قدرت بنشاند... به جان خویشم سوگند، که در پیکار و سرکوبی آنها که با حق ستیز کنند و درماندن در گمراهی همچنان پای بفسارند، کمترین نرمش و سازشی نخواهم داشت.<sup>۳</sup>

#### ۴- دفاع از مرزها

دفع تجاوز دشمن به مرزهای کشور و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی جزء حقوق هر ملتی است. متتجاوزی که با نادیده گرفتن قوانین و ارزش‌ها و حقوق ملت‌ها، به خود اجازه تجاوز به کشوری را داده، جز پاسخ دندان شکن او را برس عقل نمی‌آورد.

امیر مؤمنان ﷺ به مردم عراق که مرزهایشان مورد تجاوز و تاخت و تاز شایان قرار گرفته بود

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۰.

۲- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۱۴۳، خطبه ۵۴.

۳- فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۱۹۱۵-۱۹۱۶؛ نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۲۲، ص ۶۳.

فرمود: «وَبَادِرُواْ جِهَادَ عَدُوّمٌ»<sup>۱</sup> و در جهاد با دشمن پیشستی کنید. و در مورد این که متجاوز جز پاسخ دندان‌شکن نمی‌فهمد فرمود:

رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ، فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ.<sup>۲</sup>

پارهی سنگ را به مبدأش بازگردانید، که شر را تنها شر دفع می‌کند.

### اهداف نامشروع جنگ دنیاطلبان

دنیاطلبان و طاغوتیان، معمولاً در جنگ‌های خویش هدف‌هایی را می‌جویند که به هیچ روی در جهاد اسلامی جای ندارند. مهمترین آن‌ها عبارتند از:

#### ۱- سلطه‌طلبی و کسب قدرت

نبردی که هدف از آن، تسلط یافتن بر دیگران و بهره کشی و برداشتی مردم و فساد و تباہی باشد، مورد تنفس و نکوهش اسلام است:

تِلْكَ الَّذِي أَنْهَى الْأَمْرَ مُجْعَلًا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.<sup>۳</sup>

[آری] این، سرای آخرت را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است.

#### ۲- کشورگشایی

در اسلام هیچ جنگی برای کشورگشایی انجام نگرفته است، گرچه ممکن است آن سرزمین برای تحقق اهداف الهی و انسانی فتح شود؛ اهدافی مانند برداشتن موانع تبلیغ و از میان بردن ستمگران که آزادی را از مردم سلب کرده‌اند. مانند فتح مکه در زمان رسول خدا(ص)، بر عکس دنیاطلبان که یکی از اهداف آنان در جنگ، کشورگشایی و ضمیمه کردن کشور مغلوب به سرزمین خودشان می‌باشد.

#### ۳- کسب منافع مادی

اسلام برای دست‌یابی به غنیمت و غارت اموال کشورها به جنگ نمی‌پردازد و سربازان را به شدت از این کار باز می‌دارد. جنگی که به قصد طمع مادی و کسب غنائم و منافع دنیوی صورت پذیرد، مردود است. قرآن می‌فرماید:

۱- فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۱۹۱۷. ۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۰۶.

۳- قصص (۲۸)، آیه ۸۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که در راه خداگام می‌نهید [و به سفری برای جهاد می‌روید]، تحقیق کنید و به دلیل این که سرمایه ناپایدار دنیا [غنیمت] را به دست آوردید، به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند نگویید: «مسلمان نیست!» زیرا غنیمت‌های فراوانی [برای شما] نزد خداست. شما پیشتر چنین بودید، و خداوند بر شما منت نهاد و هدایت شدید. پس، به شکرانه این نعمت بزرگ تحقیق کنید! خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.<sup>۱</sup>

#### ۴- تحمیل عقیده

هیچ‌گاه اسلام نخواسته است که عقیده‌ای را بر مردم مغلوب تحمیل کند. مسلمانان، همواره پس از نبرد، مردمان را در عقایدشان آزاد گذاشته و هیچ‌گاه پیامبر ﷺ کسی را به اجبار و ادار به گرویدن به اسلام نکرده است. توضیح بیشتر در این باره در فصل سوم خواهد آمد:

البته اسلام هیچ‌گاه شرک را به عنوان عقیده نمی‌پذیرد، بلکه آن راستمی بزرگ می‌شمارد<sup>۲</sup> و با شدت با آن مبارزه می‌کند. بلی اهل کتاب که دارای کتاب آسمانی‌اند، آزاد هستند، یا اسلام بیاورند و یا جزیه بپردازند.

#### تشريع جهاد

در آیین آسمانی اسلام، برخی احکام الهی به صورت تدریجی بیان شده است؛ مانند شراب. چون گاهی زمینه پذیرش حکم در جامعه فراهم نیست. از این رو، باید به تدریج و مرحله به مرحله، زمینه را برای پذیرش حکم نهایی در جامعه فراهم آورد؛ مانند تحریم ربا که در چهار مرحله بیان شده است.<sup>۳</sup>

ولی گاهی شرایط کافی و لازم برای بیان حکمی موجود نیست و باید صبر کرد تا آن شرایط پدید آید؛ مانند حکم جهاد.

#### ۱- جهاد در دوران مکّی

پیامبر اکرم ﷺ در دوران رسالت مکّی جهاد داشته است اما نه جهاد مسلحانه چون بنابر روایتی از رسول خدا ﷺ جنگ اسلام و کفر از بعثت آن حضرت تا حکومت حضرت مهدی (عج) همواره برقرار است:

۱-نساء (۴)، آیة ۹۴.

۲-إِنَّ الْشُّرُكَ لِظُلْمٌ عَظِيمٌ (للمان آیة ۱۳).

۳-تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۸۷-۸۸.

جهاد همچنان ادامه دارد؛ از آن روز که خدامرا مبعوث کرد، تازمانی که نسل واپسین امت من با دجال پیکار کند.<sup>۱</sup>

از این سیزده سال در مقابل موانع و آزار و شکنجه‌های مشرکان، مأمور به جهاد گفتاری و غیر مسلحانه بود. وظایف پیامبر در این دوران عبارت بودند از:

**الف - صبر و تحمل سختی‌ها: قرآن به پیامبر می‌فرماید:**  
وَآصِرْ عَلَىٰ مَا يَّكُونُونَ.<sup>۲</sup>

بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش.

مسلمانان در این دوران با اختناق، جنگ تبلیغاتی و روانی، محاصره اقتصادی تحریم‌های اجتماعی رو به رو بودند و مورد ضرب و شتم و شکنجه مشرکان قرار می‌گرفتند. آنان، بارها با سر و دست شکسته و کشته خورده، به عنوان شکایت، حضور پیامبر می‌رسیدند و تقاضای اذن جهاد مسلحانه و مقابله با مشرکان می‌کردند.<sup>۳</sup>

ولی رسول خدا آنان را به شکیبایی فرامی‌خواند؛ زیرا هنوز فرمان جهاد نازل نشده بود.

**ب - مدارا و مماشات:** رسول خدا در این دوران می‌کوشید تا در مقابل توطئه‌ها و توهین‌های دشمنان با مدارا رفتار کند. سوره کافرون گواهی بر این مطلب است. وقتی مشرکان به پیامبر گفتند: «یک سال خدایان ما را عبادت کن و سال دیگر ما خدای تو را عبادت می‌کنیم.» سوره کافرون نازل شد و خداوند بزرگ به رسولش فرمود: «به آنان بگو: نه من معبودان شما را می‌پرسم و نه شما خدای مرا می‌پرسید. شما بر دین خودتان و من نیز بر دین خودم.» البته این پاسخ به معنای تأیید بت پرستی نبود، بلکه گونه‌ای طعن به بت پرستان بود.<sup>۴</sup>

**ج - موعظه و جدال احسن:** قرآن کریم برای رویارویی با مشرکان، بت پرستان، یهودیان و مخالفان اسلام در دوران مگنی دستور می‌دهد:

أَدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمُؤْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِأَنَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ  
إِنَّمَّا ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.<sup>۵</sup>

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنان به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۰۱ به نقل از مجمع الیان، ج ۹، ص ۹۸.

۲- مزمل (۷۳) آیه ۱۰.

۳- ر.ک. نساء (۴)، آیه ۷۷.

۴- نحل (۱۶)، آیه ۱۲۵.

۵- تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۸۴-۳۸۵.

**د - تزکیه و تعلیم:** دوران سیزده سال مکّه، دوران سازندگی معنوی بود. پیامبر ﷺ می‌کوشید تا با تعلیمات پی در پی از همان عناصر عصر جاهلیت، انسان‌هایی خداجو و آگاه بسازد که در برابر بزرگ‌ترین حوادث روزگار، از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نورزنند. اگر دوران مکّه نبود، هیچ‌گاه آن پیروزی‌های بزرگ دوران مدینه نصیب مسلمانان نمی‌شد. دوران مکّه دوران دانش‌اندوزی و ورزیدگی و آمادگی و تقویت ایمان مسلمانان بود. به همین دلیل، حدود ۹۹ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن در مکه نازل شده‌اند که بیشتر جنبه عقیدتی و ایمانی دارند.<sup>۱</sup>

## ۲- تشریع جهاد در دوران مدنی

نخستین آیه جهاد مسلحانه در مدینه بر پیامبر ﷺ نازل شد و مسلمانان با پشت سرگذاشتین دوران سخت تحمل شکنجه‌ها و صبر و سکوت، اجازه یافتنده مسلحانه در برابر مشرکان و دشمنان خود به جهاد و دفاع برخیزند و با آنان بجنگند.

أُذْنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَا أَيُّهُمْ ظَلِيلُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِعَيْرٍ  
حَقٌّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُۤ.

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اذن جهاد داده شد زیرا بر آنان ستم رفته است، و خدا بر یاریشان تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه و شهر خود اخراج شدند جز آن که می‌گفتند: پروردگار ما خداوند است.

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

پیامبر ﷺ مأدون به جهاد نبود، تا این که آیه مذکور نازل شد و جبرئیل، خود شمشیر بر کمر آن حضرت بست.<sup>۳</sup>

علامه طباطبائی در تفسیر آیه می‌گوید:

اعتبار عقلانی اقتضاء می‌کند که آیه سوره حج اوّلین<sup>۴</sup> آیه در مورد جهاد باشد. برای اینکه به صراحت، کلمه اجازه در آن آمده است. به علاوه زمینه‌چینی شده و مردم را بر جهاد تهییج و دل‌هار تقویت و با وعده نصرت به طور اشاره و تصریح، آنان را ثابت‌قدم نموده و

۱- همان، ج ۱۱، ص ۴۵۵-۴۵۷. ۲- حج (۲۲)، آیه ۳۹.

۳- تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۳-۵.

۴- البته برخی نخستین آیه جهاد را آیه ۱۹۰ سوره بقره «قاتلوا فى سبيل الله الذين يقاتلونكم» و برخی آیه ۱۱۱ سوره توبه «ان الله اشتري من المؤمنين...» دانسته‌اند، که این دو احتمال بخاطر وجود کلمة «أذن» در آیه ۳۹ حج ضعیف است. ر، ک: تفسیر نمونه ج ۱۴، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

رفتاری را که خدا با اقوام ستمگر گذشته نموده، یادآور شده است و همه اینها از لوازم تشریع احکام مهم و بیان و ابلاغ برای اولین بار آن است.<sup>۱</sup>

### چرا جهاد در مدینه تشریع شد؟

به چند دلیل جهاد در مدینه بر مسلمانان واجب شد:

۱- تعداد مسلمانان در مدینه زیاد بود و بر تعداد آنان نیز افزوده می شد.

۲- پیامبر ﷺ در مدینه حکومتی تشکیل داد و وسائل و ابزار مبارزه و پیکار با دشمنان را فراهم ساخت. و چون مدینه از مکه فاصله زیادی داشت، سازماندهی نیروها، و جمع آوری عده و عده با فراغت خاطر صورت می گرفت.<sup>۲</sup>

۳- با هجرت مسلمانان به مدینه و اذیت و آزارهایی که از مشرکان متتحمل شده بودند، انگیزه جهاد و مبارزه و دفاع در آنان تقویت شده بود.

### جهاد در دوران پیامبر(ص)

پس از هجرت رسول ﷺ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، توطئه و فتنه دشمنان اسلام شدیدتر شد، به خصوص مشرکان و یهودیان که از همه کینه تووزتر و خشنتر<sup>۳</sup> بودند. آنان، که نمی توانستند پیشرفت و قدرت روزافزون اسلام و گرایش مردم به این آیین الهی را تاب آورند و از طرفی دیگر تبلیغات منفی، ترور، محاصره اقتصادی و... را بی شمر یافتند، به توطئه نظامی روی آوردند و جنگ هایی بسیار علیه پیامبر ﷺ و مسلمانان تدارک دیدند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ همزمان در چند جبهه می جنگید: در برابر قریش (= مشرکان مکه)، یهودیان، دیگر قبیله های مشرک، رومیان و منافقان.

رسول خدا ﷺ در عرصه جهاد و دفاع از اسلام در مقابل این دشمنان، بیش از هشتاد<sup>۴</sup> نبرد بزرگ و کوچک را رهبری و فرماندهی کرد که در تاریخ اسلام به نام «غزوه» و «سریه»<sup>۵</sup> معروفند.

۱- المیزان (مترجم)، ج ۱۴، ص ۵۴۱. ۲- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷.

۳- قرآن کریم دو طائفه «مشرکان» و «یهودیان» را سرسریت ترین دشمنان اسلام معرفی می کند که از هیچ تلاشی علیه اسلام دریغ نورزیدند و تا آخرین لحظات در جنگ با مسلمانان بودند، لکن طائفه مسیحی ها را نرم تر و نزدیکتر به مسلمانان معرفی می نماید: (مائده، آیه ۸۲).

۴- سریه و ۲۷ غزوه نوشته اند. «مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۷؛ تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ص ۲۲۱».

۵- غزوه به جنگ هایی گفته می شود که رسول خدا (ص) در آن حضور داشته و فرماندهی جنگ را عهده دار بوده است و لی سریه اعزام گروههایی بوده که خود حضرت شخصاً در آن حضور نداشته است.

### الف - اهداف جنگ‌ها و عملیات‌های پیامبر (ص)

پیامبر اکرم ﷺ در نبردهایش بخصوص با قریش اهداف ذیل را پی می‌جست:

۱- دفاع از اسلام و مسلمانان در برابر یورش نظامی دشمن

۲- برداشتن موانع تبلیغ اسلام و نشر دین الهی

۳- ریشه کن ساختن شرک و بت پرستی به عنوان یک عقیده باطل و خرافی

۴- نمایش قدرت در برابر تبلیغات و تهدیدات مشرکان

۵- کسب اطلاع از تحرکات دشمن

۶- نا امن کردن راههای تجاری قریش

### ب - تاکتیک‌های پیامبر(ص) در جنگ‌ها

رسول خدا ﷺ تاسال پنجم در غزوات از تاکتیک دفاعی بهره می‌برد و از قلمرو حکومت اسلامی،

یعنی مدینه، دفاع می‌کرد. ولی پس از شکست احزاب در نبرد خندق در سال پنجم هجری، تاکتیک‌های

پیامبر ﷺ به صورت تهاجمی درآمد. پیامبر(ص) پس از پیروزی در غزوه احزاب فرمود:

آلَّا تَعْزُّزُهُمْ وَ لَا يَعْزُزُنَا.<sup>۱</sup>

از این پس ما بدانان هجوم می‌بریم، نه آنان به ما.

ابوسفیان در نامه‌ای تهدیدآمیز به پیامبر ﷺ نوشت «ما باز می‌گردیم و تا بساط شمارا

برنچینیم باز نمی‌ایستیم». پیامبر ﷺ در پاسخ نوشت: «از دیرباز مغورو بودی، تو دیگر نخواهی

توانست به این سرزمین لشکر بکشی، بلکه این ماییم که در داخل خانه تان با شما می‌جنگیم. دو

بت لات و عزی شکسته می‌شوند و روزی می‌آید که تو باید از خود دفاع کنی».<sup>۲</sup>

ولی رسول خدا ﷺ در جنگ‌ها، همیشه تسلیم دشمن را برابر نابودی اش ترجیح می‌داد».<sup>۳</sup>

جبهه‌هایی که پیامبر ﷺ با آن روبه رو بودند عبارت است از :

#### اول: جبهه قریش

قریش بیست و سه سال با پیامبر درستیز بودند. در دوران سیزده سال نخست بعثت پیامبر خدا(ص)،

به انواع تبلیغات زهرآگین، شکنجه و آزار مسلمانان، محاصره اقتصادی، طرح توطئه قتل پیامبر ﷺ

و... دست زدند و سرانجام موجب هجرت رسول خدا ﷺ و مسلمانان از سرزمین وحی گشتد.<sup>۴</sup>

۱- بخار، ج ۲۰، ص ۲۵۸ و ج ۳۹ ص ۴؛ المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۰.

۲- مغازی واقدی، ج ۲، ص ۴۹۳، ۹۲، تلحیص.

۳- رسول اکرم ○ در میدان جنگ، محمد حمید الله، ص ۱۳۱.

۴- ممتحنه (۶۰)، آیه ۹.

و اموال و دارایی مسلمانان را مصادره کردند. در دوران مدینه نیز تبلیغات منفی، ترفندها و توطئه‌ها را شدت بخشدیدند و جنگ‌های خونین علیه مسلمانان به راه انداختند با این هدف که حکومت اسلامی را سرنگون سازند و کفر و بت پرستی را حیاتی دوباره بخشنند.<sup>۱</sup>

رسول گرامی اسلام<sup>۲</sup> در مکه مأمور به صبر بود، ولی در مدینه مأمور به جهاد مسلحانه و دفاع از نظام اسلامی و قرآن در برابر دشمنان اسلام شد و از آن‌جا که هیچ راهی جز شمشیر برای مقابله با کفار باقی نمانده بود، به جنگ با دشمنان اسلام برخاست.

قرآن کریم می‌فرماید:

فَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرَضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللهُ أَن يَكُفَّ بِأَسَدَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللهُ أَشَدُ بُأْسًا وَأَشَدُ تَنْكِيلًا.<sup>۳</sup>

در راه خدا پیکار کن! تنها مسؤول وظيفة خودی، و مؤمنان را [بر این کار] تشویق نما! امید است خداوند از قدرت کافران جلوگیری کند [حتی اگر تنها خود به میدان روی]! و خداوند قادرتش بیشتر، و مجازاتش دردناکتر است.

از جنگ‌هایی که قریش علیه اسلام، راه انداختند جنگ بدر، احد و احزاب بود که در این جا به اختصار به آن‌ها می‌پردازیم.

جنگ بدر:<sup>۴</sup> در سال دوم هجری کاروان تجاری مهمنی به سرپرستی ابوسفیان از مکه عازم شام شد. هنگام بازگشت، پیامبر<sup>۵</sup> همراه با سیصد و سیزده نفر از مسلمانان به تعقیب کاروان پرداخت. ابوسفیان که انتظار حمله مسلمانان را داشت با دریافت خبر حرکت مسلمانان پیکی به مکه روانه ساخت و خود با سرعت کاروان را از ساحل دریای سرخ از دسترس مسلمانان خارج کرد.<sup>۶</sup> سران قریش مردم را برای مقابله با پیامبر<sup>۷</sup> تجهیز کردند و لشکری به استعداد هزار نفر به فرماندهی ابوجهل به منطقه بدر فرستادند. تمام سران و بزرگان قریش در این جنگ شرکت داشتند جز ابو لهب، که او نیز عاصم بن هشام را در ازای بدھکاریش به جای خود فرستاد.<sup>۸</sup> گروهی از کنیزکان آوازه‌خوان نیز برای تحریک لشکریان، با آنان همراه شدند.

به رغم نجات کاروان تجاری قریش، ابوجهل به عنوان فرمانده لشکر قریش بر جنگ با پیامبر<sup>۹</sup> پای می‌نشرد و می‌پنداشت که با یک حمله می‌تواند مسلمانان را از پای درآورد و آنگاه با کسب پیروزی بر سران مشرك فخر فروشد.

۱- ودوا لو تکفرون... (ممتحنه، آیه ۲). ۲- نساء، (۴)، آیه ۸۴.

۳- بدر منطقه‌ای در ۱۵۵ کیلومتری جنوب مدینه، ۳۱۰ کیلومتری مکه و ۴۵ کیلومتری ساحل دریای سرخ قرار دارد.

۴- الصحيح من سيرة النبي (ص)، ج ۳، ص ۱۶۸. ۵- همان، ص ۳۱، ۳۳.

سرانجام، لشکر اسلام به استعداد سیصد و سیزده نفر در برابر سپاه کفر، به استعداد هزار نفر قرار گرفت.<sup>۱</sup> رسول خدا<sup>۲</sup> به مسلمانان خبر داده بود که خداوند وعده پیروزی داده است<sup>۳</sup> و او در وعده اش تخلف نمی‌کند. آنگاه فرمود: «به خدا سوگند، گویا هم اکنون قتلگاه ابو جهل، عتبه، شیبیه و... را می‌بینم.»<sup>۴</sup>

به رغم شمار بسیار نیروی نظامی قریش و غرور فرماندهانشان، خداوند به استغاثه مسلمانان پاسخ داد و با نزول امدادهای غیبی، معادلات و محاسبات جبهه قریش را برهم ریخت و با مرعوب ساختنشان پیروزی جبهه اسلام را فراهم ساخت.<sup>۵</sup>

در این جنگ فداکاری و قهرمانی امیر مؤمنان علی (ع)، چنان دشمن را دچار ترس و وحشت کرده بود که او را «مرگ سرخ»<sup>۶</sup> نامیدند. آن حضرت، ولید و سی و پنج تن از سران و پرچمداران مشرک را به هلاکت رساند و در کشتن دیگر مشرکان نیز شریک بود؛ چنان که سال‌ها بعد در نامه‌ای به معاویه، می‌فرماید:

شمیشیری که در یک روز بر جدت [عتبه] و دایی‌ات [ولید] و برادرت [حنظله] و عمومیت [شیبیه] فرود آوردم، اینک در نزد من است.<sup>۷</sup>  
و سرانجام، مشرکان با هفتاد کشته و هفتاد اسیر<sup>۸</sup> شماری مجروح، با شکستی سخت پا به فرار گذاشتند.

نبرد احد:<sup>۹</sup> دومین نبرد مسلمانان و قریش در سال سوم هجری، جنگ احد بود که به دلیل تجاوز قریش به قلمرو حکومت اسلامی در دامنه کوه احد<sup>۱۰</sup> و در نزدیکی شهر مدینه رخ داد. انگیزه‌های قریش برای سامان دادن این جنگ را می‌توان چنین بر شمرد:

- ۱- شکست خفت بار مشرکان در جنگ بدر و کشته شدن سران قریش و تلفات سنگین آنان.
- ۲- به خطر افتادن راه تجاری قریش به خاطر پیمان‌هایی که طوائف عرب با پیامبر (ص) می‌بستند.

۱- مسلمانان دارای ۲ اسب، ۷۰ شتر، ۸ شمشیر و ۶ زره بودند و سپاه مشرکین ۲۰۰ اسب، ۷۰۰ شتر، ۱۰۰۰ شمشیر و ۶۰۰ زره داشتند (الصحیح، ج ۳، ص ۱۸۱).

۲- و اذ يعدكم الله احدى الطائفتين انها لكم... (انفال، آية ۷۵).

۳- الصحیح، ج ۳، ص ۱۷۵.

۴- ر.ک. انفال (۸)، آیه ۹-۱۲.

۵- الصحیح من سیره النبی (ص)، ج ۳، ص ۲۰۲.

۶- همان، ص ۱۹۲.

۷- همان، ص ۲۰۱.

۸- «احد» نام کوهی در شمال مدینه است و فاصله آن تا مسجدالنبوی (ص) دوازده کیلومتر است.

۹- الصحیح من سیرة النبی (ص)، ج ۴، ص ۱۲.

<sup>۳</sup>- تحریک مشرکان مگه توسط سران یهودی که کینه اسلام در دل داشتند. و از جانب مسلمانان، بر مراکز سیاسی، و اقتصادی، و فرهنگی در منطقه احساس خطر می‌کردند.<sup>۱</sup> مشرکان به استعداد سه هزار نفر جنگجو، به فرماندهی ابوسفیان، به حریم مدینه تجاوز کردند. شماری از زنان آوازه‌خوان نیز برای تحریک نیروها زیر نظر هند، همسر ابوسفیان، آنان را همراهی می‌کردند.<sup>۲</sup>

پیامبر ﷺ پس از آگاهی از حرکت قریش، مردم را برای دفاع در برابر لشکر متجاوز قریش بسیج کرد و پس از نماز جمعه بالشکری بالغ بر هزار نفر، مدینه را به سوی کوه احمد ترک گفت.<sup>۳</sup> در این میان عبدال... بن ابی، سرdestه منافقان، همراه با سیصد نفر از هوادارانش، از نیمه راه سپاه اسلام را ترک گفته به سوی مدینه بازگشتند. بازگشت منافقان به طور محسوسی روحیه لشکر اسلام را پایین آورد و اگر لطف خدا نبود، دوگروه از انصار نیز از لشکر جدا می‌شدند و به مدینه باز می‌گشتد رسول گرامی اسلام (ص)، در دامنه کوه احمد، سپاهیانش را آرایش داد و کوه احمد را به عنوان تأمین، در عقبه قرار داد، و پنجاه تیرانداز به فرماندهی عبدالله بن جبیر در تنگه احمد، که از حساستی بسیار برخوردار بود، گمارد و بدanan سفارش فرمود که هرگز آن جارا ترک نکنند. در همان ساعات نخستین حمله، لشکر اسلام پیروز شد و مشرکان پا به فرار گذاشتند. که این پیروزی و امداد جانبازی امیر مؤمنان نیز بود.<sup>۴</sup> ولی بیشتر افراد مستقر در تنگه، با دیدن فرار دشمن موضع بسیار مهم خود را رها کردند به جمع آوری غنائم پرداختند. خالد بن ولید با دویست سوار که در پی چنین فرستی بود، بر دوازده نفر باقیمانده حمله بردا و با شهادت آنان از پشت به مسلمانان حمله کرد. ابوسفیان بار دیگر افرادش را گرد آورد و به مسلمانان حمله بردا. در این نبرد هفتاد تن از مسلمانان به شهادت رسیدند و دیگر مسلمانان پا به فرار گذاشتند.

هنگامی که صفوف مسلمانان به هم ریخته و پیامبر خدا(ص) تنها در میدان مانده بود، کسی که چون پروانه برگرد شمع وجود رسول خدا ﷺ می‌چرخید و از وی دفاع می‌کرد و گروهها و دسته‌های دشمن را از آن حضرت دور می‌کرد، امیر مؤمنان بود. این فداکاری و ایشارگری چنان ارزشمند بود که جبرئیل امین آن را به پیامبر ﷺ تبریک گفت. و منادی غیبی در میان زمین و آسمان فریاد برآورد:

۱- همان، ص ۱۶۱.

۲- همان، ص ۲۱۴.

۳- همان، ص ۲۱۳.

۴- همان، ص ۱۶۳.

لَا سَيِّفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ لَا فَقَى إِلَّا عَلَىٰ.

شمیشیری جز ذوالفقار و جوانمردی جز علی (ع) نیست.

**مهمترین عوامل شکست:** مهمترین عوامل شکست پس از پیروزی لشکریان اسلام، از زبان قرآن کریم عبارتند از:

۱- سرپیچی از دستورهای پیامبر اکرم (ص):

۲- سستی در جنگ؛

۳- دنیاطبلی؛

۴- اختلاف و دودستگی؛ عوامل یاد شده از آیه ۱۵۲، آل عمران استفاده می‌شود.

۵- شایعه کشته شدن رسول خدا<sup>علیه السلام</sup>.

**نبرد احزاب<sup>۱</sup>** (= خندق): غزوه احزاب، که در سال پنجم هجری رخ داد، بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین توطئه نظامی دشمنان علیه اسلام بود.

مهمترین انگیزه‌های جنگ احزاب را می‌توان موارد زیر دانست:

۱- خشم و کینه توzi قریش و یهودیان نسبت به رشد و گسترش اسلام در جزیره العرب و گرایش مردم به اسلام.

۲- انتقام قریش از کشته‌های خود در جنگ بدر.

۳- انتقام یهودیان بنی نضیر، که از مدینه اخراج شده و از اسلام ضربه خورده بودند.

۴- اندیشه براندازی نظام اسلامی از سوی مخالفان اسلام.

سران یهود بنی نضیر با گروهی روانه مکه شدند و سران قریش را از رشد و گسترش اسلام ترسانیدند و آنان را به جنگ با پیامبر<sup>علیه السلام</sup> تحریک و تشویق کردند و به آنان وعده همکاری و تجهیز سپاه و پرداخت هزینه جنگ دادند و در کنار کعبه سوگند یاد کردند که یکدیگر را بی دفاع نگذارند.<sup>۲</sup> در ضمن، قرار شد که هفتصد جنگجوی یهود بنی قریظه در مدینه به آنان ملحق شوند. قریش از یهودیان پرسیدند: شما صاحب تورات و علم دین هستید بگویید که آیا دین ما، بت پرستی، بهتر است یا دین محمد؟ سران دغل باز یهود پاسخ دادند: البته، دین شما بهتر است! که قرآن در آیه ۵۱ سوره نساء این سازشکاری را بیان می‌نماید.

با قبول پیشنهاد یهودیان، سپاهی متشكل از احزاب مخالف، بالغ بر ده هزار نفر جنگجو تشکیل و به فرماندهی ابوسفیان به قصد نابودی مسلمانان و براندازی حکومت اسلامی عازم مدینه شد.

۱- سوره ۲۳ قرآن به همین نام است.

۲- تفسیر نمونه، ج ۳ ص ۴۱۶.

رسول گرامی اسلام ﷺ با دریافت خبر حرکت سپاه احزاب، با فرماندهان و اصحاب به شور نشست و با پیشنهاد سلمان فارسی، در نقاط آسیب‌پذیر مدینه، خندقی حفر گردید.<sup>۱</sup> در مدینه همگی جز منافقان به سختی کار می‌کردند و از همه بیشتر سلمان بود که چون ده نفر کار می‌کرد. پس از حفر خندق که شش روز<sup>۲</sup> طول کشید، سه هزار جنگجوی مسلمان در پشت آن موضع گرفتند. زمین‌گیر شدن احزاب: لشکر احزاب به مدینه رسید، ولی برای ورود به شهر، با خندق رو به رو شد. ابوسفیان ناباورانه با دیدن خندق گفت: «به خدا سوگند این حیله عرب نیست!» و به ناچار پشت خندق اردو زدند.

در این هنگام شرایطی سخت بر جبهه مسلمانان حاکم بود و آنان خود را از هر سو در محاصره دشمن می‌دیدند. از یک سو خود را با سپاه ده هزار نفری قریش روبرو می‌دیدند، از سویی دیگر شنیدند که یهودیان بنی قريظه به دشمن پیوسته‌اند و از دیگر سوی، طعن و تمسخر و شایعات منافقان آزارشان می‌داد.

قرآن کریم آن شرایط بحرانی را چنین ترسیم می‌کند:

هنگامی که دشمن از بالا و پایین شما را احاطه کرد و چشم‌ها [از ترس] خیره شد و جان‌ها به لب رسید و به خداوند گمان‌های بد بر دید، در چنین گاهی، مؤمنان آزموده شدند و سخت تکان خوردند.<sup>۳</sup>

تاختک‌های جنگی رسول خدا(ص): پیامبر خدا ﷺ با وضعیتی دشوار رو به رو بود، هم می‌باشد دست ستون پنجم را می‌برید، هم مسلمانان وحشت‌زده رانیرو می‌بخشید و هم زنان و کوکان مدینه را آرام می‌کرد و جبهه مسلمانان را برای رویارویی با جبهه کفر آماده نگاه می‌داشت و بر دل‌های ترسان و لرزانشان نور امید و پیروزی می‌دمید و برای از هم پاشیدن صفات دشمن چاره‌ای می‌اندیشید. آن حضرت، با تاکتیک مانور نظامی<sup>۴</sup> ایجاد اختلاف بین صفوف دشمن<sup>۵</sup>، بالا بردن روحیه مسلمانان<sup>۶</sup> و... توانست بر مشلکلات پیروز شود.

عوامل شکست احزاب و عقب نشینی آنان را می‌توان به اختصار چنین به بیان آورد:

- ۱- رهبری و فرماندهی بی‌نظیر پیامبر اکرم (ص).
- ۲- فداکاری امیر مؤمنان ﷺ و کشته شدن عمر و بن عبدود به دست آن حضرت.
- ۳- بروز اختلاف در جبهه احزاب.

۱- تاریخ پیامبر اسلام، آیتی، ص ۳۵۳

۲- مغازی واقعی، ج ۲، ص ۴۵۴

۳- احزاب (۳۳)، آیه ۱۰ و ۱۱.

۴- مغازی واقعی، ج ۲، ص ۴۶۰

۵- سیرة ابن هشام، ج ۳، ص ۲۲۳

۶- همان، ص ۴۸۰

۴- امدادهای غیبی مانند طوفان شدید که چادرهای مشرکان را از جا کنند، اجاق و دیگهای غذای آنان را واژگون ساخت و رعب و وحشتی شکفت در دلهاشان فرو افکند.<sup>۱</sup>

**پیامدهای جنگ احزاب:** جنگ احزاب، به رغم مشکلات فراوان، پیامدها و برکاتی بسیار برای اسلام و مسلمانان به ارمغان آورد در بعد سیاسی جبهه کفر، شکستی جبران ناپذیر متحمّل شد. سران قریش تا آن روز توانسته بودند در سایه وحدت سیاسی نیروی بسیار علیه اسلام بسیج کنند و اقوام عرب و غیر عرب را متوجه قدرت خویش سازند، ولی پس از این شکست، آن موقعیت را از دست دادند. ولی جبهه اسلام موقعیت سیاسی مستحکمی به دست آورد. اعرابی که در گرویدن به اسلام شک و تردید داشتند و منتظر حصول نتیجه جنگ احزاب بودند، تردیدشان از میان رفت و به اسلام گرویدند. و آوازه اسلام در همه جا پیچید و شمار گرویدگان به اسلام به دو برابر رسید.<sup>۲</sup> جبهه کفر، در بُعد نظامی نیز به سختی شکست خورد، عمر و بن عبدود کشته شد و روحیه فرماندهان و سربازان به شدت ضعیف گشت، اتحاد جبهه کفر از هم پاشید و قریش دیگر نتوانست در پرتو اتحاد سیاسی سپاهی عظیم فراهم سازد. تا آن روز، جبهه کفر در موضع تهاجمی بود، ولی پس از شکست در جنگ احزاب، در موضع تدافعی قرار گرفت.

فتح مکه و آزادسازی پایگاه توحید: قبله مسلمانان در مکه در اشغال مشرکان بود و آنان، بتان خویش را در داخل کعبه و مسجد الحرام جای داده و آن مرکز توحید و یکتاپرستی را به مرکز بت پرستی تبدیل کرده بودند مکه، پایگاه مشرکان قریش بود که از آن جا علیه اسلام نقشه می کشیدند و تجاوزهای نظامی، تحریم های اقتصادی، تبلیغات و... را تدارک می دیدند و به حریم حکومت اسلامی و مقدسات مسلمانان حمله می برdenد.

صلح حدیبیه، که پیروزی عظیم و فتحی بزرگ<sup>۳</sup> برای مسلمانان بود، از همین پایگاه توسط قریش نقض شد.

طايفة خزاعه، هم پیمان رسول خدا (ص)، مورد تجاوز قبیله بنوبکر هم پیمان قریش با همکاری برخی از قریش قرار گرفتند و بیست نفر از آنان کشته شد.<sup>۴</sup>

پیامبر خدا<sup>علیه السلام</sup> به این نتیجه رسید که قریش به هیچ قانون و پیمانی پایبند نیست. اینکه فرستی پیش آمده بود تا فتنه جویان و آتش افروزان، توان تجاوزهای خود را بپردازند و دست

۱- ر.ک. احزاب (۳۳)، آیه ۹.

۲- طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۳۰۷

۳- تاریخ اسلام، کد ۱۱۲، فروع ابدیت ۰۰۰/۲؛ سیره ابن هشام ۳۲۱/۳-۳۳۷-۶۲۴/۳-۶۳۱، مغازی (۳۵/۲۰)، بحار،

۴- سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۳۲

ستمگرانه و مستکبرانه سران کفر و شرک از سر مظلومان و مستضعفان برای همیشه کوتاه گردد و مکه، پایگاه یکتاپرستی، از چنگال مشرکان رها گردد. پیامبر اکرم (ص)، فرصت را غتنم شمرد و در دهم ماه مبارک رمضان سال هشتم هجری با ده هزار رزمنده به سوی مکه حرکت کرد. برای آن که خبر حرکت لشکر اسلام به گوش قریش نرسد، رسول خدا<sup>۱</sup> با توجه به اصل غافلگیری تدابیر امنیتی و حفاظتی شدیدی به کار گرفت که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱- مسیر و مقصد سپاه نامعلوم بود؛

۲- زمان حرکت سپاه، تا الحظه حرکت، نامعلوم بود؛

۳- تمام راه‌های ورودی و خروجی مدینه، تحت نظارت شدید پست‌های بازرگانی درآمد؛ وجود این تدابیر موجب شد که لشکر ده هزار نفری اسلام با پیمودن مسیری طولانی خود را به نزدیکی مکه برساند بدون آن که کوچکترین خبری به قریش برسد.

پیامبر اسلام<sup>۲</sup> برای ورود به مکه، سپاه اسلام را به چهار گروه تقسیم کرد و از چهار سوی مکه، راه‌های ورود را بدانان نشان داد و تأکید فرمود: «جز باکسی که با شما بجنگد، نجنگید.» لشکریان از مسیرهای تعیین شده وارد مکه شدند و جز یک درگیری مختصر در یکی از مسیرها، بی‌جنگ و درگیری، مکه را فتح کردند.<sup>۳</sup>

مکیان و به ویژه سران قریش، وحشت‌زده در انتظار پایان کار بودند و با توجه به پرونده سیاه خود و جنایاتی که در مدت بیست سال مرتكب شده بودند، مرگ رادر پیش چشم خود می‌دیدند. پیامبر<sup>۴</sup> با کمک علی<sup>۵</sup> مشغول پاکسازی کعبه و مسجد الحرام از وجود بتان شد. آن‌گاه کنار کعبه ایستاد و خطاب به مردم مکه فرمود: «چه می‌گویید و چه گمان دارید؟»

همه فریاد زدند: خیر و نیکی! و گمانی جز نیکی نداریم...»

پیامبر<sup>۶</sup> فرمود: «...إِذْهَبُوا وَ آتُمُ الظُّلْقَاء» بروید که همه آزادید.<sup>۷</sup>

عفو عمومی و گذشت بزرگ رسول خدا<sup>۸</sup> باعث شد مردم مکه گروه گروه نزد آن حضرت آیند و مسلمان شوند.<sup>۹</sup> این بخشش بزرگوارانه، به ویژه برای سران قریش غیرمنتظره بود.

رسول خدا<sup>۱۰</sup> در پاسخ برخی مسلمانان که فریاد می‌زدند: «الیوم یوم الملجمة» (=امروز روز انتقام است)، فرمود: «الیوم یوم المرحمة» (امروز، روز رحمت است).<sup>۱۱</sup>

سرانجام، بافتح مکه، جبهه قریش تسليم شد و توطئه‌هایشان پایان یافت.

۱- مغازی، ج ۲، ص ۸۲۵

۲- مغازی، ج ۲، ص ۸۲۱

۳- ر.ک. سوره نصر.

## دوم: جبهه یهود

يهودیان ساکن مدینه نقش به سزایی در شناساندن پیامبر ﷺ به اعراب مدینه داشتند اما چون رسول خدا ﷺ اسلام را بر آنان عرضه داشت، به خاطر نژادپرستی و به بهانه‌های واهمی از پذیرش اسلام سرباز زدند<sup>۱</sup>. یهودیان نه تنها اسلام را پذیرفتند، بلکه به دشمنانی کینه توز تبدیل شدند که از هیچ توطئه و خیانت و جنایتی علیه پیامبر ﷺ و مسلمانان دریغ نمی‌ورزیدند. با این که رسول خدا ﷺ با امضا قراردادی، آنان را در عقاید شان آزادگذاشت و زمینه بهره‌مندی از حقوق و زندگی مسالمت‌آمیز در کار مسلمانان را برابر ایشان فراهم ساخت و به مسلمانان نیز سفارش کرد که در پیمان خود با یهودیان وفادار بمانند،<sup>۲</sup> آنان پیمان را شکستند و برای از میان بردن پیامبر خدا ﷺ و اسلام نقشه‌ها کشیدند.

خیانت و کارشکنی‌های یهود: مهم‌ترین توطئه‌ها و کارشکنی‌هایشان عبارت بود از:

۱- جاسوسی: یهودیان مقیم مدینه، اخبار مسلمانان را برای هم‌پیمانان خود در خارج مدینه می‌فرستادند.<sup>۳</sup>

۲- القای شک و تردید: یهودیان، دین اسلام را به مسخره و بازیچه می‌گرفتند. بدین سان که با یکدیگر قرار می‌گذاشتند در آغاز روز به اسلام ایمان آورند و پایان روز از آن برگردند و چنین القا کنند که اسلام دین حقیقی و آسمانی نیست.<sup>۴</sup>

۳- اختلاف انگیزی: از توطئه‌های دیگر یهودیان، ایجاد اختلاف و احیای کینه‌های فراموش شده دوران جاهلیت بین مسلمانان بود.<sup>۵</sup>

۴- تبلیغات زهرآگین علیه اسلام و کتمان حق.<sup>۶</sup>

۵- پایبند نبودن به قراردادها و پیمان‌ها.

۶- توطئه نظامی: یهودیان، افزون بر نقشه قتل رسول خدا (ص)، که منجر به غزوه بنی نصیر شد، در آتش افروزی جنگ احد و احباب نیز دست داشتند و آن همه خسارت مادی و معنوی را به مسلمانان وارد ساختند.

بروز این خیانت‌ها و توطئه‌ها از قومی لجوچ، کینه توز و نژادپرست در قلمرو حکومت اسلامی، برای پیامبر ﷺ سنگین بود و باید این عناصر فاسد، از جامعه مدینه پاکسازی می‌شدند و

۱- ر.ک. نساء (۴)، آیه ۱۵۳؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۸۳. ۲- ر.ک. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۷ - ۱۵۰.

۳- ر.ک. مائدہ (۵)، آیه ۴۱. ۴- آل عمران (۳)، آیه ۷۲.

۵- همان، آیه ۹۹. ۶- همان، آیه ۷۸.

کانون‌های فتنه برچیده می‌گشت. از این رو، جنگ با یهودیان، به معنای ضدیت اسلام با یهود نبود - چنان‌که برخی دشمنان اسلام تبلیغ کرده‌اند - بلکه جنگ با عوامل فساد و جنایت و خیانتکار بود که آرامش و آسایش جامعه را برهم زده و برای هیچ‌کس و هیچ قانون و آیینی، ارزش و احترامی قائل نبودند.

#### غزوه بنی قینقاع:

این طایفه نخستین گروهی از یهود بود که پیمان خویش را با مسلمانان نقض کرد<sup>۱</sup> و با ریختن حرمت زنی مسلمان و کشن مردی مسلمان،<sup>۲</sup> دشمنی خود با اسلام را آشکار ساخت. پیامبر ﷺ برای اتمام حجت میان آنان رفت و به اسلام دعوتشان کرد و از سرنوشت قریش در جنگ بدر بر حذر شان داشت، اما آنان گستاخانه در مقابل پیامبر ﷺ پاسخ دادند: «ما دارای دانش نظامی هستیم و چون اعراب نیستیم که در جنگ شکستشان دادی.» سرانجام، پیامبر اسلام ﷺ دژ‌هایشان را محاصره کرد و بر ایشان پیروز شد که با اصرار عبدال... بن ابی رهبر منافقان، از کشتنشان درگذشت و آنان را به شام تبعید کرد و اموال آنان را پس از تخمیس، میان مسلمانان تقسیم فرمود.<sup>۳</sup>

#### غزوه بنی نضیر:

پس از جنگ احده، یهود بنی نضیر در خیانت به پیامبر ﷺ درنگ نکرد، پیمان خود را با مسلمانان شکست و نقشه قتل رسول خدا ﷺ را تدارک دید.

این نشان داد که دشمنان خطرناکی در کنار حکومت اسلامی لانه کرده‌اند. رسول خدا (ص) دژ آنان را محاصره کرد و برای تسلیم کردنشان دستور داد که برخی نخل‌های آنان را ببرند.<sup>۴</sup> سرانجام، پس از مدتی محاصره تسلیم شدند و پیامبر ﷺ آنان را مجبور به ترک مدینه کرد که بخشی به شام و بخشی به خیر رفته‌ند. رسول خدا ﷺ به آنان اجازه داد که غیز از سلاح، هر اندازه از اموال منقول خود را که می‌توانند با خود ببرند.<sup>۵</sup>

#### غزوه بنی قریظه:

پس از جنگ خندق، پیامبر ﷺ مأموریت یافت به سوی طایفه بنی قریظه بستابد. بنی قریظه، به رغم رفق و محبت رسول خدا (ص)، پیمان عدم همکاری با دشمنان پیامبر ﷺ را شکستند و در جنگ

۱- سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۵۱  
۲- فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۳۶

۳- ر.ک. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۵۰، مغازی واقدی، ج ۱، ص ۱۷۶

۴- ر.ک. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۷۲

۵- ر.ک. حشر (۵۹)، آیه ۵.

خندق برای احزاب وارد جنگ شدند. از این رو، پیامبر ﷺ دژ آنان را محاصره کرد و پس از مدتی رضایت داد که سعد بن معاذ، هم‌بیمان سابق آنان، در باره‌شان قضاوت کند. او نیز رأی داد که مردانشان کشته، اموالشان مصادره و زنان و فرزندانشان اسیر شوند. پیامبر ﷺ فرمود: «سعد، به حکم خدا قضاوت کرد.» و پیامبر ﷺ اینچنین مدینه را از وجود آخرین طایفه یهود پاک نمود.<sup>۱</sup>

### جنگ خیر<sup>۲</sup>

گرچه به برکت صلح حدیبیه، پیامبر ﷺ از ناحیه مشرکان خاطری آسوده یافته بود، کانون فتنه یهودیان همچنان در قلب جزیره العرب پابرجا بود. با کینه‌ای که یهودیان از پیامبر (ص) و اسلام در دل داشتند و به جهت شکست‌هایی که خورده بودند، خطری بزرگ برای حکومت اسلامی و مانعی سخت در پیش راه گسترش اسلام به حساب می‌آمدند. با گرد آمدن یهودیان در خیر و برخورداری از دژهای استوار و آماده داشتن ده هزار<sup>۳</sup> (و به قولی بیست هزار<sup>۴</sup>) جنگجو با تجهیزات نظامی، این خطر جلوه می‌نمود که به سوی مدینه حرکت و به حریم حکومت اسلامی تجاوز کنند. از سویی دیگر، یهودیان با دولت‌های بزرگ آن روز، روابطی محکم داشتند و هر لحظه ممکن بود به تحریک آنان، علیه اسلام برخیزند.<sup>۵</sup>

همچنین صلح حدیبیه این توهم را در یهودیان پدید آورد که این پیمان از روی ضعف مسلمانان بوده و همین می‌تواند زمینه‌ای باشد برای حمله به آنان.

### محاصره خیر:

رسول گرامی ﷺ با سپاهی به استعداد هزار و شصصد نفر، در سال هفتم هجری، شبانه یهودیان خیر را غافلگیر ساخت و راههای امدادی آنان را بست و مانع پیوستن طایفه غطفان (هم‌بیمانان خیریان) به آنان شد. آن‌گاه با تاکتیک‌های ویژه، به فتح دژها پرداخت.

آخرین دژ باقیمانده یهودیان به فرماندهی مَرْحُب، سرسرخانه در آن مقاومت می‌کردند. سه فرمانده مسلمان، در سه روز متوالی، با ضد حمله یهودیان عقب‌نشینی کردند و کاری از پیش نبردند. روز بعد، پیامبر ﷺ پرچم را به علیؑ سپرد.<sup>۶</sup> او عده‌ای را به خاک افکند و مرحب رانیز کشت. پس از فتح خیر، پیامبر ﷺ گروهی را به فرماندهی علیؑ به سوی فدک اعزام کرد تا سرنوشت یهودیان آن جا را مشخص کند، یا اسلام آورند، یا جزیه بپردازند و یا آماده جنگ شوند.

۱- ر.ک. مغازی، ج ۲، ص ۵۱۰-۵۱۲. سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۲۴۹-۲۵۲.

۲- خیر در ۳۲ فرنگی شمال مدینه قرار دارد. «فروع ابدیت» ج ۳، ص ۶۳۷-۶۳۸.

۳- مغازی، ج ۲، ص ۶۳۷.

۴- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۶.

۵- فروع ابدیت، ج ۲، ص ۶۳۸-۶۳۹.

۶- عبخار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۸.

آنان با دریافت خبر شکست یهودیان خیر، تن به مصالحه و پرداخت جزیه دادند و پیامبر ﷺ پذیرفت.<sup>۱</sup> چون فدک بی‌درگیری به دست رسول خدا (ص) فتح شد، به او وحی رسید «وَ آتِ ذِي الْقُرْبَى حَقَّهُ»<sup>۲</sup> حق ذی القربی را پرداز، آنگاه پیامبر ﷺ به امر خداوند، فدک را به حضرت زهرا(س) بخشید.<sup>۳</sup>

همچنین، یهودیان وادی القرى<sup>۴</sup> و تیما<sup>۵</sup> تسليم شدند و مانند خیریان تن به پرداخت جزیه دادند و بدین وسیله تمام سنگرهای یهودیان در سرزمین حجاز فتح شد.

### سوم: جبهه قبایل عرب

قبایل عرب که با مسلمانان دشمنی می‌کردند، و با گردآوری نیرو، قصد تهاجم به مدینه را داشتند و در گوش و کنار جزیره العرب نیز دست به تحرکاتی می‌زدند و به کسانی که مردم را به اسلام دعوت می‌کردند، یورش می‌بردند و آنان را به قتل می‌رسانندند. از میان جنگ‌های مسلمانان با این قبایل به غزوات زیر اشاره می‌کیم:

۱ / ۳- نبرد ذات السلاسل: در سال هشتم هبہ پیامبر ﷺ خبر رسید که گروهی از قبائل «بلی و قضاعه» گرد آمده‌اند و در اندیشه حمله به مدینه هستند. رسول خدا ﷺ سپاهی آماده ساخت و سه تن از صحابه (ابوبکر، عمر و عمرو عاص) را به فرماندهی آن برگزید و آنان رادر سه نوبت مأمور سرکوب دشمن کرد، ولی نتوانستند به پیروزی دست یابند. آن‌گاه پیامبر ﷺ علیؑ را به فرماندهی سپاه برگزید و تا مسجد احزاب، سپاه را بدرقه فرمود.

امیر مؤمنان ؓ با به کارگیری تاکتیک‌های ویژه، سحرگاهان بر دشمن غافلگیر شده، یورش برد و با شکست آنان، سرافراز، همراه با غنیمت‌ها و اسیران فراوان بازگشت، سوره والعادیات در وصف این واقعه نازل شده است.<sup>۶</sup>

۲ / ۳- غزوه حنین: با فتح مکه آوازه اسلام در سراسر جزیره العرب پیچید و مسلمانان از لحاظ سیاسی و نظامی موقعیت و ثبات لازم را به دست آورده و همین موجب شد که قبایل عرب به اسلام بگرایند. تنها دو قبیله «هوازن» و «تفیف»، که از جنگجویان برتر و تجهیزات فزون‌تری برخوردار بودند، به رغم هراسی که از پیروزی‌های اسلام در دل داشتند، هنوز تسليم نشده بودند.

۱- بخار، ج ۲۱، ص ۲۳. ۲- اسراء، (۱۷)، آیه ۲۶.

۳- تفسیر برهان، ج ۲، آیه ۴۱۴، ذیل آیه «ذی القربی حقه...» ج رحلی.

۴- کافی فی التاریخ، ج ۲، ص ۲۰۲. ۵- التنبیه والاشراف، ص ۲۲۴.

۶- ر. ک ارشاد شیخ مفید، ص ۹۰-۸۶، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۸؛ بخار، ج ۲۱، ص ۷۶؛ مغازی واقدی، ج ۲، ص ۷۷.

پیامبر ﷺ پس از تثبیت موقعیت مکّه، با دوازده هزار نفر عازم حنین شد و سرانجام بر دشمن پیروز شد. در این نبرد، شش هزار نفر از اعراب به اسارت درآمدند و بیست و چهار هزار نفر شتر، چهل هزار رأس گوسفند و... به غنیمت مسلمانان درآمد.<sup>۱</sup>

**۳/۳ - غزوه طائف:** بازمانده نیروهای دشمن به دز طائف گریختند. رسول خدا ﷺ دز را محاصره کرد. محاصره، بیست روز طول کشید و هیچ راهی برای گشودن دژ کارساز نبود و اندوخته‌های غذایی و تجهیزات نظامی، به دشمن، توان مقاومت می‌داد. از این رو، رسول خدا ﷺ از ادامه محاصره چشم پوشید و فتح طائف را به زمانی دیگر با تاکتیکی دیگر محول کرد و به «جعرانه»، محل نگهداری غنائم، بازگشت. پس از تقسیم غنائم، به مالک بن عوف، فرمانده اعراب هوازن، پیام فرستاد که چنانچه مالک مسلمان شود، خانواده و شوتش را به او بازپس خواهد داد و صد شتر نیز به وی خواهد بخشید. رحمت و جوانمردی پیامبر ﷺ در آزاد کردن اسیران هوازن، روح سرکش مالک را رام ساخت. او شبانه از دز طائف گریخت و به حضور پیامبر رسید و مسلمان شد.<sup>۲</sup> به این ترتیب، جبهه اعراب مشرک پایان یافت و رسول خدا ﷺ از این جبهه نیز آسوده خاطر شد.

#### چهارم: جبهه روم

شبیه جزیره عربستان، چون نگینی در محاصره دو امپراتوری «ایران» و «روم» بود. هر دو امپراتوری، منافع و مستعمراتی در این سرزمین داشتند.

روم، به دلیل پیروزی‌هایی که بر امپراتوری ایران داشت،<sup>۳</sup> سخت احساس غرور می‌کرد و می‌کوشید که این غرور را حفظ کند و بر قلمرو و نفوذ مسیحیت در آن سوی مرزها بیفزاید. افزون بر این، پیروزی‌های اسلام در جزیره العرب، موجب هراس دولت روم شده بود و از این رو، می‌خواست با حمله به مواضع مسلمانان، خطر احتمالی را از خود دور کند.

مسلمانان در این جبهه سه نبرد داشتند که سرانجام به پیروزی آنان انجامید، این نبردها عبارتند از:

**غزوه مؤته:** نخستین بروخورد مسلحانه مسلمانان با سپاه روم، در سال هشتم هـ. رخ داد. در پی کشته شدن سفیر پیامبر ﷺ به دست حاکم مؤته (در مرز شام)<sup>۴</sup> و شهادت شانزده مبلغ اسلام به دست مردم آن سرزمین، پیامبر ﷺ تصمیم گرفت در پاسخ به این جنایات و رفتار جاھلانه

۱- ر.ک. تاریخ پیامبر، آیتی، ص ۵۵۲؛ سیره این هشام، ج ۴، ص ۸۷-۸۸؛ ارشاد ص ۷۴.

۲- همان.

۳- ر.ک. روم (۳۰)، آیه ۱.

۴- المغازی، ج ۲، ص ۷۵۵.

امپراتوری روم و نمایش قدرت لشکر اسلام و آزمایش و توان نظامی دشمن، لشکری به این ناحیه اعزام کند. از این رو، سه هزار نفر به فرماندهی جعفر بن ابی طالب، بدان منطقه، اعزام کرد. لشکر اسلام، با لشکر صد هزار نفری روم روبرو شد. گرچه لشکر اسلام پس از شهادت سه فرمانده و جمعی از سپاهیان، ناچار به عقب نشینی شد، اما شکوه ابرقدرتی چون روم را از میان برداشتند و ثانیاً به ابرقدرتها فهماندند که با ظهور اسلام، قدرت سومی در جهان در حال پدید آمدن است.<sup>۱</sup>

**جنگ تبوک:**<sup>۲</sup> رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> خبر یافت که هر قل، امپراتور روم، به قصد تعزض و تجاوز به قلمرو حکومت اسلامی، سپاهی بزرگ فراهم آورده و مرزنشینان رانیز با خود همراه کرده است.<sup>۳</sup> از این رو پیامبر اکرم، به رغم مشکلاتی چون گرمای سوزان تابستان، تنگدستی مردم، دوری جبهه، انبوی سپاه روم و خاطره تلغی شکست مؤته اعلام بسیج عمومی کرد و همراه با سی هزار نفر عازم جبهه نبرد با رومیان شد و برای دفع خطر منافقان علی<sup>علیه السلام</sup> را به عنوان جانشین خود در مدینه نصب فرمود.<sup>۴</sup>

لشکر اسلام به منطقه تبوک رسید، ولی از رومیان خبری نبود. آنان با شنیدن خبر حرکت سپاه اسلام و استعداد این سپاه و دلاوری های آنان، به سوی شمال عقب نشینی کرده بودند.<sup>۵</sup> پیامبر<sup>علیه السلام</sup> پانزده تا بیست روز در تبوک ماند و سرانجام، با اعزام گروه هایی به نقاط مرزنشین و بستن پیمان عدم تعزض و گرفتن قرارداد جزیه، پیروزمندانه، به مدینه بازگشت.<sup>۶</sup>

**جنگ اسامه بن زید:** فشار بر رومیان ادامه یافت و پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> برای پایان دادن به تحریکات امپراتوری روم، لشکری به فرماندهی اسامه بن زید به منطقه مرزی اعزام کرد.<sup>۷</sup> گرچه به دلیل رحلت رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> و تخلف برخی مسلمانان از لشکر اسامه، وقفه ای در نبرد پیش آمد، ولی مسلمانان در زمان خلافت ابوبکر، به جبهه رومیان حمله برداشت و بر آنان پیروز شدند و این نخستین پیروزی مسلمانان و خونین، پس از جنگ تبوک بود که راهها را برای فتوحات بعدی باز کرد.<sup>۸</sup>

۱- ر.ک. تاریخ اسلام، (کد ۱۱۲)، ص ۱۳۹، ۱۳۲.

۲- تبوک به فاصله ۷۷۸ کیلومتری در شمال شرقی مدینه قرار دارد.

۳- مغازی، ج ۳، ص ۹۹۰.

۴- ر.ک. مغازی ج ۳، ص ۹۹۶.

۵- پیامبر و آیین نبرد، ص ۴۸۳.

۶- سییره حلی، ج ۳، ص ۲۰۷؛ مغازی واقدی، ج ۳، ص ۱۱۷.

۷- مغازی، ج ۳، ص ۱۰۹۱؛ ر.ک. مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر (ص)، ص ۲۲۷-۲۲۹.

### پنجم: جبهه منافقان

جبهه دیگری که پیامبر ﷺ از همان آغاز حکومت اسلامی با آن درگیر بود و بیش از هر جبهه‌ای نیروی مسلمانان را به خود مشغول می‌کرد، جبهه منافقان، بود. کارشکنی، شایعه پراکنی، جاسوسی، خرابکاری، سرپیچی از فرمان پیامبر (ص)، تخلف از جنگ، همکاری با دشمنان اسلام و طرح ترور رسول خدا ﷺ از اعمال بارز این انسان‌های دو چهره بود.

منافقان به امید تضعیف لشکر اسلام، در جنگ احمد، از میان راه به مدینه بازگشتند و در جنگ خندق با شایعات، به تضعیف روحیه مسلمانان پرداختند و جبهه احزاب را تعقیب کردند. بیشترین خیانت منافقان در جنگ تبوک رخ نمود، که تصمیم بر قتل پیامبر (ص) گرفته بودند.

خداؤند به پیامبر ش دستور می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدُ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَعْلُظُ عَنْهُمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمُصِيرُ<sup>۱</sup>

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر، و جایگاهشان دوزخ است و چه بد سرنوشتی دارند!

### جهاد در دوران امامان معصوم(ع)

جهاد در دوران امامان معصوم ﷺ با دشمنان داخلی بود، و جهاد مسلحانه به دوران حکومت امیر مؤمنان (ع)، امام حسن عسکر محدود است. تنها امام زمان (ع) برای استقرار حکومت جهانی با دشمنان داخلی و خارجی خواهد جنگید، دیگر امامان ﷺ که با شرایط دشواری رو به رو بودند به جهاد فرهنگی روی آوردند، و به حفاظت و حراست از اسلام پرداختند.

### دوران امیر مؤمنان(ع)

پس از رحلت جانسور پیامبر خدا ﷺ شورای سقیفه با زیر پا گذاشتن سفارش پیامبر ﷺ در باره علی علیه السلام به عنوان امام مسلمانان، ابویکر را به عنوان خلیفة پیامبر برگزیدند و پس از او عمر و سپس عثمان، جمعاً به مدت بیست و پنج سال زمام خلافت را به دست گرفتند. دوران بیست و پنج ساله خانه نشینی برای امیر مؤمنان (ع)، که پا به پای رسول خدا (ص) برای حفظ اسلام سختی‌ها کشیده بود و اینک می‌دید که اسلام به دست نااھلان افتاده است، بسیار ناگوار بود.<sup>۲</sup>

۱- توبه (۹)، آیه ۷۳

۲- خطبه سوم نهج البلاغه، مشهور به خطبه شقشقیه، به گوشی از رخدادهای آن دوران اشاره دارد.

با روی کار آمدن امیر مؤمنان پس از قتل عثمان، سران قریش بسیار نگران شدند؛ زیرا می‌دانستند که سیاست امام علی هرگز با غارت و چپاول بیت المال سازش ندارد. آنان به دلیل کشته شدن سران شرک به دست امام (ع)، در جنگ‌های بدر، احد، حنین و... کینه حضرتش رادر دل داشتند و آن را به فرزندانشان نیز منتقل می‌کردند؛ چنان‌که ابن ابی الحدید در این باره می‌نویسد: با این‌که مدتی بسیار از رحلت پیامبر (ص) می‌گذشت، بعض و کینه قریش به علی(ع) نه تنها کاهش نیافته بود، بلکه این دشمنی دیرینه را به کودکانشان نیز تلقین کرده بودند.<sup>۱</sup>

#### جنگ‌های امام علی(ع)

در دوران حدود پنج سال حکومت امام علی سه نبرد خونین رخ داد: جنگ جمل (ناکشین)، جنگ صفين (قاسطین) و جنگ خوارج نهروان (مارقین) که هر سه را پیامبر خدا پیشگویی کرده بود:

يا عَلِيُّ سَتْقَاتُلُ بَعْدِي النَّاكِثِينَ وَ الْفَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ<sup>۲</sup>

ای علی پس از من، بناکشین [=پیمان شکنان] و قاسطین [=ستمگران] و مارقین [=از حق خارج شدگان] خواهی جنگید.

#### جنگ جمل (ناکشین):

ناکشین، نخستین جنگ را علیه امام به راه انداختند. علل جنگ جمل عبارت بودند از:

- ۱- زبیر و طلحه، دو صحابی رسول خدا (ص)، در اندیشه رسیدن به مقام و دنیا بودند. از این رو، پیمان خویش شکستند و برای قیام مسلحانه به مکه رفتند.<sup>۳</sup>
- ۲- عدالت امیر مؤمنان برای بسیاری از مردم، قریش تحمل ناپذیر بود.<sup>۴</sup>
- ۳- چون عایشه شنید که مردم با علی بیعت کرده‌اند، از میان راه مدینه به مکه بازگشت و به بهانه خونخواهی عثمان، پرچم مخالفت برافراشت.<sup>۵</sup>

مخالفان حکومت امیر مؤمنان چون شنیدند که عایشه همراه با طلحه و زبیر، راه مخالفت در پیش گرفته، به سوی مکه رسپار شدند و با تشکیل سپاهی به سوی بصره حرکت کردند و با کشتن مردم و غارت بیت‌المال، آن شهر را به اشغال خود درآوردند. تا از آن طریق به حکومت اسلامی یورش برنند.<sup>۶</sup>

۱- شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۱۴.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۱.

۳- ر.ک. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۹ - ۱۸۰.

۴- ر.ک. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۴۰ - ۴۲.

۵- ر.ک. الامامة والسياسة، ج ۱، ص ۵۱؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۴۵۸ - ۴۵۹.

۶- ر.ک. نقش عایشه در تاریخ اسلام؛ کامل ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۰۸.

امام علی<sup>ع</sup> با شنیدن قیام مسلحانه و جنایات ناکثین در بصره، حکم جهاد صادر کرد و با سپاه اسلام به سوی بصره حرکت نمود و به مردم فرمود:

عايشه به سوی بصره رفته است و طلحه و زبیر نیز همراه اويند... به خدا سوگند صاحب شتر سرخ راهی جز معصیت و خشم خدا نمی‌پیماید... به خدا سوگند سرانجام، يك سوم آنان کشته می‌شوندو يك سوم دیگر می‌گریزند و يك سوم توبه می‌کنند، عايشه همان زنی است که سگ‌های «حواب» بر او پارس می‌کنند و طلحه و زبیر نیز می‌دانند که به خطا می‌روند... مرا با فریش چکار؟! به خدا سوگند در حال کفرشان آنان را کشتم، اکنون نیز، که فریب هوای نفس و شیطان را خورده‌اند، آنان را می‌کشم.<sup>۱</sup>

هر چند امام متقین<sup>ع</sup> کوشید تا غائله بدون خونریزی پایان یابد و فتنه گران تسلیم حق شوند، اصحاب جمل همچنان بر جنگ اصرار ورزیدند. نه دعوت به قرآن و سخنان امام<sup>ع</sup> بر دل سنگ آنان تأثیر گذاشت و نه سخنان عمار یاسر، مالک اشتر و... جمعیتی بالغ بر سی هزار پیرامون نفر شتر عايشه گرد آمدند و فریاد جنگ سردادند. سرانجام باکشته شدن طلحه و يك سوم آنان و فرار زبیر غائله جمل پایین یافت.<sup>۲</sup>

#### جنگ صفين (قاسطین):

دومین نبردی که برای حضرت علی<sup>ع</sup> پیش آمد، «نبرد صفين» بود. معاویه، نزدیک به نوزده سال با خیالی آسوده بر سرزمین شام حکومت می‌کرد و اندیشه سلطنت را در سر می‌پرورانید. او، اینک با روی کار آمدن امیر مؤمنان<sup>ع</sup> احساس خطر می‌کرد. از این رو با فکر پلید عمر و عاص، جنگ صفين را طراحی کرد و با نیرنگ شعار «خونخواهی عثمان»، هشتاد و پنج هزار نفر را آماده جنگ با امام علی<sup>ع</sup> کرد. او به خوبی می‌دانست که امیر مؤمنان<sup>ع</sup> وجود او را بر مستند حکومت شام تحمل نخواهد کرد. علاوه بر این، اندیشه سلطنت‌خواهی و ریاست طلبی و غارتگری و ریخت و پاش بیت المال مسلمانان، با سیره امام<sup>ع</sup> سازگار نبود، و آن حضرت به شدت با آن مخالف بود. البته، معاویه تنها در پی حفظ حکومت و موقعیت خویش در شام نبود، بلکه او می‌خواست حکومت امام<sup>ع</sup> را متزلزل سازد و با براندازی آن خود بر عراق حکومت کند. با توجه به طغیان و نافرمانی و کوشش معاویه برای اجرای نیات پلید خویش، وقتی امام<sup>ع</sup> تمام راههای به حق باز آمدن دشمن را بسته دید، مردم را به جهاد مسلحانه فراخواند.

۱- ر.ک. ارشاد شیخ مفید، ص ۱۳۱؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲- ر.ک. جمل شیخ مفید، ص ۱۸۳.

آن حضرت در سخنان خویش ماهیت قاسطین و احزاب مخالف را چنین فاش ساخت:

سِپُّرُوا إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ سِپُّرُوا إِلَى أَعْدَاءِ السُّنَّةِ وَ الْقُرْآنِ سِپُّرُوا إِلَى بَقِيَّةِ الْأَحْزَابِ، قَاتَلُهُ  
الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ...<sup>۱</sup>

حرکت کنید به سوی دشمنان خدا، بروید به جنگ با دشمنان سنت پیامبر (ص) و قرآن،  
حرکت کنید برای جنگ با یازماندگان احزاب باطل. قاتلان مهاجران و انصار.  
امام علیهم السلام می‌کوشید بی خونریزی کار به پایان رسد و نافرمانان تسلیم شوند ولی معاویه بر جنگ  
پای می‌فشد و در پاسخ امام علیهم السلام که آنان را به حق می‌خواند، می‌گفت:  
من دست از جنگ برنمی‌دارم، تنها شمشیر میان من و او حاکم است.<sup>۲</sup>

دو سپاه جنگ را آغاز کردند. فداکاری مالک اشتر، عمار یاسر و... پیروزی هایی چشمگیر  
برای سپاه امام علیهم السلام به ارمغان آورد و چشم انداز فتح نهایی نمودار شد. ولی نیرنگ عمر و عاص در  
بالا بردن قرآنها روی نیزه‌ها و وجود افراد منافق و سست ایمانی چون اشعث بن قیس در سپاه  
امام علیهم السلام، موجب اختلاف شد. بیشتر سپاهیان امام علیهم السلام دست از نبرد کشیدند و با تهدید آن حضرت،  
جنگ را متوقف ساختند. معاویه و عمر و عاص نجات یافتند و سرانجام، ماجراهی حکمت و  
ثمرات تلخ آن به وجود آمد.

#### جنگ با خوارج (مارقین):

در پی حکمت، (که به نفع معاویه تمام شد)، فته‌ای دیگر به نام خوارج (مارقین) پدید آمد. این  
گروه کج اندیش و مقدس نما، که با نافرمانی از امیر مؤمنان علیهم السلام زمینه ساز شکست نبرد صفين بودند،  
حال آن لغزش را به امام علیهم السلام نسبت می‌دادند و با شعار «لَا حُكْمَ لِلَّهِ» (= حکم تنها از آن خداست)  
حکمت را باطل می‌دانستند و علیه امام علیهم السلام قیام کردند.

امیر مؤمنان علیهم السلام با مدارا و محبت می‌کوشید آنان را آگاه کند و به دامن حق بازگرداند.

ولی خوارج که دارای جمود فکری بودند، همان مردم باطل خود را پی می‌جستند و خود را  
برای جنگ با امام علیهم السلام آمده می‌ساختند. سرانجام، به تحریک شیطان صفتانی چون عبدالله بن  
وهب به نهر وان رفتند و مخالفت خویش را نخست با راهزنی و غارتگری و نامن ساختن راهها  
آغاز کردند. روزی، فردی مسلمان را به شهادت رسانیدند ولی همسفر مسیحی اش را رها کردند.<sup>۳</sup>

۱- وقعة صفين، ص ۹۴

۲- وقعة صفين، ص ۱۹۷

۳- ر.ک. شرح نهج البلاغه، خوبی، ج ۴، ص ۱۲۷ - ۱۲۸

در عملیاتی دیگر، عبدالله بن خباب، کارگزار امیر مؤمنان<sup>۱</sup> را همراه با همسرش، به گونه‌ای فجیع به شهادت رسانیدند.<sup>۲</sup>

امام علی<sup>۳</sup> که برای جنگ با معاویه آماده شده بود، با آگاه شدن از جنایات خوارج به ویژه، قتل این خباب به سوی نهر و ان حرکت کرد.

امام<sup>۴</sup> چندین بار با خوارج اتمام حجت کرد و راه‌های مسالمت را پیمود تا شاید خونی ریخته نشود. ولی آنان همچنان بر عقیده باطل خود و جنگ با امام<sup>۴</sup> پای فشردند.

سرانجام، جنگ از سوی خوارج آغاز شد. ولی همچنان که امام<sup>۴</sup> پیشگویی کرده بود، جز نه نفر<sup>۵</sup> (به شمار شهدای سپاه اسلام)، دیگر خوارج کشته یا زخمی شدند. بدین‌سان، امیر مؤمنان<sup>۴</sup> با حقانیت و قاطعیت خویش چشم فتنه مارقین را کور کرد.

#### دوران امام حسن(ع)

معاویه می‌دانست که امام حسن<sup>۶</sup> میان مردم، دارای منزلت و محبوبیت است و در نبرد با سرکشان و باغیان چون جدش، رسول خدا<sup>۷</sup> و پدرش پای خواهد فشد. از این رو گروه‌های مسلحی را برای راهزنی و فتنه‌انگیزی و قتل و غارت به قلمرو حکومت امام<sup>۶</sup> می‌فرستاد.

امام حسن<sup>۶</sup> نیز چون پدر بزرگوارش، ابتدا معاویه را به حق بازخواند و به وی نوشت:  
از خدابترس و طغیان و سرکشی رافروگذار و خون مسلمانان رانریزا<sup>۸</sup>

پاسخ معاویه به امام<sup>۶</sup> این بود:

میان ما و شما جز شمشیر نیست.<sup>۹</sup>

امام حسن<sup>۶</sup>، پس از نامیدی از به راه راست آمدن معاویه و دریافت خبر تجاوز شامیان به قلمرو حکومت اسلامی اعلام جهاد کرد و مردم را برای جنگ با معاویه فراخواند.

سرانجام، دو سپاه حق و باطل در برابر یکدیگر قرار گرفتند. معاویه، که در نبرد صفين ضرب شصت سپاه عراق را چشیده بود، از مقابله با آنان وحشت داشت. از این رو، در پی تکرار ماجراهای صفين در نیرنگ بازی برآمد، ولی در قالب و شیوه‌ای دیگر. مهمترین نیرنگ‌های او عبارت بودند از:

- ۱- تطمیع و فریفتن فرماندهان لشکر امام حسن (ع).
- ۲- دروغ پردازی و شایعه پراکنی مبنی بر صلح‌جویی امام حسن (ع).

<sup>۱</sup>- همان. ۲- ر.ک. نهج البلاغه، خطبه ۵۹.

<sup>۳</sup>- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحادید، ج ۱۶، ص ۳۴. ۴- همان. ص ۳۶.

نیرنگ‌ها کارگر افتاد. عبیدالله بن عباس به سوی معاویه گردید. شیرازه لشکر امام حسن ع از هم پاشید، بقایای خوارج دست به اختشاش و شورش زدند و با جسارت به خیمه امام حمله بردن. سجاده آن بزرگوار را از زیر پایش ربوتدند و حضرت را مجروح ساختند. چون امام ع اختلاف و تمرد و سستی مردمان را دید، ناچار تن به امضای صلح‌نامه‌ای مشروط داد و پس از چندی کوفه را به قصد مدینه ترک گفت.<sup>۱</sup>

#### دوران امام حسین (ع)

شیوه امام حسین ع در برخورد با دشمنان اسلام و سرکشان، چون جدش رسول خدا ع و پدرش امیر مؤمنان ع، جهاد مسلح‌انه بود. بنی امیه به سرکردگی یزید بن معاویه، علیه مقدسات اسلام و امام معصوم ع قیام کرده و ارزش‌های الهی - انسانی را زیر پای گذاشته بودند تا آن جا که امام حسین ع را به بیعت با یزید فاسد دعوت می‌کردند.

امام حسین ع می‌دید که برای مقابله با حزب شیطان و اصلاح امت پیامبر ص و احیای دین اسلام راهی جز شمشیر نیست. آن حضرت در وصیت به برادرش، محمد حتفیه، هدف خود از جهاد مسلح‌انه را چنین اعلام فرموده است:

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَ لَا بَطَرًا وَ لَا مَفْسَدًا وَ لَا ظَلَمًا وَ إِنَّا حَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ  
جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ آمِرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَهْمِي عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلَىٰ بْنُ  
أَبِي طَالِبٍ ...<sup>۲</sup>.

من برای راحت‌طلبی و خوشگذرانی و ستم و فساد، قیام نکردند، بلکه هدفم اصلاح امت جدم است. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر سیره جدم، رسول خدا (ص) و پدرم علی بن ابی طالب حرکت کنم.

#### دوران امام سجاد (ع) تا امام مهدی (ع)

پس از واقعه عاشورا، جو حاکم بر جامعه، اختناق بود و ستم. شیعیان آل علی ع در تعقیب و زیر شکنجه و در تبعید بودند و امامان معصوم ع تحت نظر یا در زندان و تبعید.

امام سجاد ع در قالب نیایش، جهاد سلحشوران خطه توحید را می‌ستاید و برای مرزبانان دعا می‌کند. امام باقر و امام صادق ع برای احیای سنت رسول خدا (ص)، با استفاده از فترت میان

۱- ر.ک. صلح امام حسن (ع) ترجمه آیه... خامنه‌ای. ۲- لمعات الحسین، ص ۱۲.

انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس بر کرسی تدریس می‌نشینند. امام کاظم ع در تعقیب و زندان هارون قرار می‌گیرد و فرزندش امام رضا ع باز هر کین مأمون به شهادت می‌رسد. امام جواد ع در بیست و پنج سالگی به شهادت می‌رسد و امام هادی و عسکری ع تحت نظر مأموران حکومتی قرار می‌گیرند، ولی دست از مبارزه نمی‌شویند.

آن بزرگواران، با توجه به موقعیت اجتماعی خویش، به جهاد فرهنگی و سیاسی روی آوردن. با فرهنگ فاسد حاکمان ستم پیشه در سیز بودند و با گفتار و رفتار خویش اسلام ناب محمدی ع را احیا می‌کردند و نقاب از چهره دشمنان اسلام و حاکمان بنی امیه و بنی عباس می‌گرفتند تا مردم را از حرکت ستمگرانه و باطل جویانه آنان آگاه سازند. اگر آن پا کنهادان، یاورانی می‌داشتند که مردانه در برابر دشمن بایستند بی‌گمان، قیام می‌کردند و دست به جهاد مسلحانه می‌زدند.

روایت ذیل بیانگر این حقیقت است. امام صادق ع می‌فرماید:

عبد بصری با امام سجاد (ع) در راه مکه ملاقات کرد. عرض کرد: «علی بن حسین! جهاد و سختی آن را ترک کرده‌ای و به حج و راحتی اش روی آورده‌ای (!?) در حالی که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَشَرَّى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالُهُمْ يَأْنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». <sup>۱</sup> امام سجاد (ع) فرمود: «تمام آیه را بخوان!» عبد بصری ادامه داد: «الثَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ...» امام زین العابدین (ع) فرمود: «چون کسانی با این ویژگی‌ها بیابیم، جهاد همراه آنان از حج برتر است.» <sup>۲</sup>

### دوران امام مهدی (ع)

امامی که با دشمنان داخلی (=شورشگران و مفسدان) و دشمنان خارجی (=کافران و مشرکان) می‌جنگد، حضرت مهدی (ع)، امام دوازدهم است. آن حضرت، با جهاد مسلحانه خویش، سرکشان و یاغیان و کافران را تسلیم خواهد ساخت و با تشکیل حکومت اسلامی در سراسر گیتی، عدالت را جایگزین ظلم و بیدادگری خواهد کرد. حضرتش به دفاع از اسلام ناب محمدی ع برمی‌خیزد و با جهاد ابتدایی، شرک و بت پرستی را در عالم ریشه کن می‌فرماید و اهل کتاب را تسلیم خویش می‌سازد. پیامبر اکرم ص در این باره فرموده است:

<sup>۱</sup>- توبه (۹)، آیه ۱۱۲.

<sup>۲</sup>- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲-۳۳.

**هُوَ [الْمَهْدِي] رَجُلٌ مِنْ عِتْقٍ يُقَاتِلُ عَلَى سُنْتِ كَمَا فَاتَّأْتُ أَنَا عَلَى الْوَحْيِ.**<sup>۱</sup>

او، مردی از خاندان من است، بر سنت من می‌جنگد؛ همچنان که من بر اساس وحی جنگیدم.

یعنی برای تحکیم و جاری ساختن سنت پیامبر ﷺ می‌جنگد؛ همچنان که رسول خدا ﷺ برای جاری ساختن احکام قرآن می‌جنگید.<sup>۲</sup>

دروان غیبت کبرا

در عصر غیبت کبرا، که دست امت اسلامی از دامان پاک امام معصوم ع کوتاه است، اگر کیان اسلام و مسلمانان در خطر دشمن قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است به دفاع برخیزند و دفاع مشروط به اجازه امام معصوم ع یا نائب خاص آن حضرت نیست، محمد بن جمال الدین مکی (شهید اول) از فقیهان بر جسته شیعه در این باره می‌نویسد:

جهاد به امر حاکم جائز نیست، مگر این که خطر نابودی اسلام یا نابودی جمعی از مسلمانان بروده در این صورت، دفاع از کیان اسلام و مسلمانان واجب است.<sup>۳</sup>

محمد حسن نجفی فقیه نام آور در این باره می‌نویسد:

اگر مشرکان به قصد نابودی اسلام [به کشورهای اسلامی] حمله کنند... که بر مسلمانان واجب است با آنان نبرد کنند هر چند در زیر سایه حکومت جور باشند<sup>۴</sup>

آشکار است که اگر حکومت اسلامی، زیر نظر ولايت فقیه جامع الشرائط، مشروعیت یابد دفاع از اصل نظام اسلامی از اولویت بیشتری برخوردار است. ولی این که آیا در عصر غیبت کبرا جهاد ابتدایی نیز واجب است یا خیر، میان فقیهان اختلاف نظر است. در بحث جهاد ابتدایی به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱- معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۲۴. ۲- المفردات، راغب اصفهانی.

۳- جامع الشتات، محقق قمی، ج ۱، ص ۳۵۳. ۴- جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۴۷.

## خلاصه درس

جهاد، در میان احکام الهی، نقشی کلیدی دارد؛ زیرا موجب برپایی واجبات، استواری دین و اقامه عدالت و امنیت جامعه می‌گردد و ترکش، انحطاط جامعه، ذلت خواری را در پی دارد.

ویزگی جهاد اسلامی از دیگر جنگها آن است که «در راه خدا» انجام می‌گیرد و عدالت، قوانین الهی و ارزش‌های انسانی در آن رعایت می‌شوند. در الایی جایگاه جهاد همین بس که خاص اولیای خداست و هر کس را شایستگی آن نیست و برتر از خدمتگزاری به حجاج خانه خداست.

جهاد در اسلام اهدافی مقدس را پی می‌جوید؛ اهدافی مانند: مجازات تبهکاران و گمراهن ریشه، کن ساختن شرک و موانع تحقق ارزش‌های الهی، پاسداری از ارزش‌ها، دفاع از آزادی و انسانیت و هدایت انسان‌ها به سوی حق. اهداف نامشروعی، چون سلطه‌گری، قدرت‌طلبی، انتقامگویی، کشورگشایی و غارتگری، در جهاد اسلامی راهی ندارند.

جهاد، نخست در مکه، از گذر تحمل سختی‌ها، تبلیغ و... تجلی یافت و در مدینه پس از تشکیل حکومت اسلامی و به وجود آمدن شرایط مبارزه، به صورت جهاد مسلحه بر مسلمانان واجب شد. جبرئیل، خود، شمشیر بر کمر پیامبر (ص) بست.

پیامبر اکرم (ص) در دوران ده ساله حکومت اسلامی، همه‌نگام در چند جبهه (قريش، یهودیان، اعراب و رومیان) می‌جنگید و بیش از هشتاد نبرد را رهبری و فرماندهی کرد.

جهاد در دوران امامان معصوم (ع) به صورت‌های مختلف برقرار بود. امیر مؤمنان (ع) در دوران حکومت اندک خویش در سه جبهه داخلی جمل، نهروان و صفین درگیر بود. آن حضرت درباره جهاد سخنان فراوانی دارد که در بخش عمده آن در نهج البلاغه آمده است.

امام حسن (ع) به پیروی از پدر بزرگوارش، علیه ستمگران به جهاد مسلحه روی آورد که با کارشکنی و خیانت فرماندهانش، ناچار به امضای صلح با معاویه گشت.

امام حسین (ع)، که شرایط جهان اسلام را بسیار بحرانی و نامطلوب می‌دید و اصلاح امّت و پاسداری از اسلام ناب را جز با جهاد مسلحه و شهادت خویش و یارانش ممکن نمی‌دید، تصمیم بر جهاد مسلحه گرفت و واقعه عاشورا را آفرید. دیگر امامان (ع) با توجه به شرایط سخت دوران خویش به ناچار به جهاد فرهنگی، علمی و سیاسی رو می‌آوردند. تنها امام زمان (عج) با دشمنان داخلی و خارجی خواهد جنگید.

جهاد دفاعی در عصر غیبت بر مسلمانان واجب است، ولی درباره جهاد ابتدایی میان فقیهان اختلاف نظر است.

پرسش

۱- سه ویژگی از ویژگی‌های جهاد اسلامی را بنویسید.

۲- اهداف جهاد را نام ببرید.

۳- چرا جهاد در مدینه تشریع شد؟

۴- پیامبر (ص)، همه‌نگام، در چند جبهه درگیر بود؟ نام ببرید.

۵- پس از جنگ احزاب، پیامبر (ص) از چه تاکتیکی بهره جست؟

۶- شرایط جبهه مسلمانان در جنگ احزاب را بنویسید.

۷- جهاد را از دیدگاه امام علی (ع) شرح دهید.

۸- امام علی (ع) با چه کسانی جنگید؟

۹- چرا امام صادق (ع) دست به قیام مسلحانه نزد؟

۱۰- جهاد در عصر غیبت به چه صورت است؟

## فصل سوم

# جهاد ابتدایی

### تعریف:

جهاد ابتدایی، به معنای آغاز کردن نبرد علیه کفار است و به عبارت دیگر این که مسلمانان به جنگ با کفار و مشرکان در دارالکفر اقدام کنند و بر آنان یورش برند<sup>۱</sup> بدون آنکه به ظاهر، جنگی از طرف دشمنان اسلام آغاز شده باشد. این جنگ، برای گسترش نفوذ اسلام یا برچیدن موانع دعوت اسلامی و یا نجات محرومان و مستضعفان از زیر سلطه ستمگران انجام می‌گیرد. در اسلام، خود جنگ به عنوان «ارزش» تلقی نمی‌شود، بلکه چون مایه و بیرانی و اتلاف جان و مال است، گونه‌ای ضد ارزش نیز هست و در آیه ۶۵ انعام در ردیف عذاب‌های الهی قرار گرفته است. ولی آن جاکه وسیله‌ای برای نیل به هدفی مقدس باشد، و عنوان جهاد فی سبیل الله بر خود گیرد، ارزش می‌یابد.

### فلسفه جهاد ابتدایی

#### ۱- از بین بردن شرک و بتپرستی

اسلام، دین توحید و یکتاپرستی است. پیامبران مبعوث شده‌اند تا انسان‌ها را به یکتاپرستی دعوت کنند و از پرستش غیر خدا و شرک بازدارند؛<sup>۲</sup> چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:  
أَمْرُتُ أَنْ أُفَاتِلَ النَّاسَ حَتَّىٰ يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَدْ عَصَمَ مِنْ مَأْلِهِ وَ  
نَفْسِهِ.<sup>۳</sup>

۲- اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.

۱- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۴.

۳- صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۸.

مأمور شده‌ام که با مردم [مشرک] بجنگم تا «الله الا الله» بگویند. پس، هر کس این کلمه توحید را بگوید، مال و جانش در امان است.

شرك و بت پرستی، ظلمی بزرگ و گمراهی ای آشکار است، و فرد و جامعه‌ای که به شرك آلوده شود سر انجامی شوم در پی خواهد داشت.<sup>۱</sup>

این ظلم بزرگ و خانمانسوز، که تباہی و نادانی و خرافه را دامن می‌زند، باید از جامعه بشری ریشه کن شود؛ چنان‌که خداوند بزرگ می‌فرماید:

وَ قاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ اتَّهْمُوا فَلَا عُذْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ.<sup>۲</sup>

و با آنان پیکار کنید تا فتنه باقی نماند، و دین، مخصوص خداگردد. پس، اگر [از روش نادرست خود] دست برداشتند، (و به دین خدا درآمدند، مزاحم آنان نشوید؛ زیرا) تعددی جز بر ستمکاران روانیست.

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

مراد از فتنه در این قبیل آیات، شرك است، به وسیله انتخاب و پرستش بت‌ها؛ آن‌گونه که مشرکان مگه به آن مجبور بوده و انجام می‌داده‌اند. دلیل این حقیقت، دنباله آیه است که می‌فرماید:

«وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»<sup>۳</sup> و قتال تا برچیده شدن بت‌پرستی ادامه می‌باید تا سرانجام به دین خدا درآیند.<sup>۴</sup>

برخی غروات پیامبر اکرم ﷺ چون فتح مگه، حنین و طائف چنین هدفی را پی می‌جست. البته، پیامبر ﷺ نمی‌خواست مشرکان را نابود کند، بلکه می‌خواست شرك را ریشه کن و عقاید خرافی را از جامعه انسانی پاکسازی کند؛ همچنان‌که حضرت موسیؑ بت طلایی (=گوواله) سامری را سوزانید و خاکستر ش را به دریا ریخت، ولی سامری را نکشت.<sup>۵</sup> جنگ ابتدایی، برای از میان بردن شرك و عرضه توحید به معنای تحمیل اسلام و سلب آزادی عقیده نیست؛ چنان‌که استاد مطهری می‌گوید:

از نظر اسلام، برپایی جنگ برای از بین بردن شرك و بت‌پرستی که بزرگترین انحراف و انحطاط بشر در وادی جهل و خرافه است، مشروع است. اما این هرگز به معنای تحمیل

۱- ر.ک، نساء (۴)، آیه ۴۸ و ۱۱۶؛ و اعراف (۷)، آیه ۱۹۱.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۹۳.

۳- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۲

۴- همان.

۵- ر.ک. سوره طه (۲۰)، آیه ۹۷.

اسلام نیست، بلکه مقصود این است که بشر با آزاد شدن از بند اوهام و خرافات، بتواند با کمک نیروهای عقل، به سهولت راه هدایت را برگزیند و دین فطری را انتخاب کند به سخنی دیگر ریشه کن کردن شرک با جنگ، مطلبی است و تحمیل اسلام مطلبی دیگر.<sup>۱</sup>

#### ۲ - برداشتن موانع دعوت

هدف دیگر جهاد ابتدایی، برداشتن موانع و مزاحمت‌ها از سر راه تبلیغ دین خداست. اسلام، دین جهانی است و هدایت تمام انسان‌ها را بر عهده دارد. پیامبر اکرم ﷺ، خاتم پیامبران است و برای هدایت همه انسان‌ها مبعوث شده است نه برای قومی خاص:

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لِكُنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.<sup>۲</sup>

و ما تو راجز برای همه مردم نفرستادیم تا [آنان را به پاداش‌های خداوند] بشارت دهی و [از عذابش] بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

از این رو، یکی از مأموریت‌های پیامبر خدا ﷺ و جانشینانش، ابلاغ دین اسلام و دعوت همه مردم کره زمین به قرآن و آیین الهی است.<sup>۳</sup>

امام خمینی ره در این باره می‌فرماید:

انبیا، که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند. مقصد اصلی این بود که توحید را در عالم منشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند، آنها مانع بودند. اینها می‌دیدند که این مانع را باید برداشت و به مقصد رسید. رسول اکرم ﷺ مقصدشان این نبود که مشرکین مگه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند. مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد، حکومت اسلام باشد آنها چون مانع بودند از این (که) حکومت اسلامی، تحقق پیدا کنند، منتهی به جنگ می‌شد و معارضه، آنها معارضه می‌کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می‌کردند.<sup>۴</sup>

#### ۳ - مبارزه برای نجات مستضعفان

در طول تاریخ بشر، همواره ستمنگرانی چون «فرعون»‌ها و «نمرود»‌ها بوده‌اند که برای رفع

۱ - جهاد، ص ۵۴، ۵۵. ۲ - سپا (۳۴)، آیه ۲۸.

۳ - ر. ک. نور (۲۴)، آیه ۵۴؛ عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۸؛ احزاب (۳۳)، آیه ۳۹.

۴ - صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۴-۴۵.

عطش قدرت طلبی و افزون خواهی، هزاران انسان بی‌گناه را تحت ستم خویش درآورده و با در بند کردن مظلومان و سلب آزادی از آنان کاخ‌های ستم خویش را بنا نهاده‌اند.

سیره عملی پیام آوران الهی، به‌ویژه پیامبر اکرم ﷺ، این بوده است که همواره در کنار ستمدیدگان و پابرهنگان جای داشته و در برابر ستمگران و زمامداران دنیا پرست در راه برچیدن ظلم و نجات مظلومان می‌ایستاده‌اند. رسول خدا ﷺ، پاسخ استغاثه مظلوم را -چه مسلمان و چه غیر مسلمان- شرط مسلمانی می‌داند و می‌فرماید:

مَنْ سَعَى رَجُلًا يُنَادِي يَا لَكُلُّ مُسْلِمٍ فَلَمْ يُجِبْهُ فَإِيَّسْ مُسْلِمٌ.<sup>۱</sup>

کسی که فریاد «یا للملئین» مردی را بشنود و به یاری اش نرود، مسلمان نیست.

قرآن کریم باشدت از جهاد آزادی‌بخش یعنی دفاع از مظلومان و مستضعفان طرفداری می‌کند و سستی کنندگان در این زمینه را مورد عتاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

وَ مَا لَكُمْ لَا تُفْلِنَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَالْمُسْتَصْفَقِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْأُوْلَانِ الَّذِينَ يَتُولُونَ رَبِّنَا أَحَرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمُ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.<sup>۲</sup>

چرا در راه خدا و برای مردان و زنان و کودکانی که [به‌دست ستمگران] ناتوان شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همانان که می‌گویند: «پروردگار! ما را از این شهر که اهلش ستمگرند، بیرون برو از سوی خود، برایمان سرپرستی برگزین و از سوی خود یار و یاوری برایمان تعیین فرما.

### شرایط و مقدمات جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی دارای مقدمات و شرایطی است که با وجود همه آن‌ها، این جهاد واجب می‌شود. شرایط مورد نظر عبارتند از:

#### ۱- اجازه امام عادل مبسوط‌الید

از شرایط وجوب جهاد ابتدایی، اجازه امام عادل مبسوط‌الید است؛ امامی که از توان و نفوذ معنوی و مادی در جامعه اسلامی بهره‌مند است و حاکمیت سرزمین‌های اسلامی به او سپرده شده است. فقیهان شیعی مشروعیت جهاد را منوط به اذن و حکم امام عادل می‌دانند، برخلاف نظر برخی

۲- نساء (۴)، آیه ۷۵

۱- الکافی، جلد ۲، ص ۱۶۴.

عالمان اهل تسنن، که اجازه امام را شرط نمی‌دانند و بر این عقیده‌اند که اگر مصلحتی ایجاب کند، جهاد بدون اذن امام جایز است. برخی چون احمد بن حنبل با استناد به روایت ابوهریره<sup>۱</sup> بر این عقیده‌اند که اجازه امام شرط است، اما عدالت‌ش شرط نیست و حاکم فاسد نیز می‌تواند حکم جهاد بدهد.<sup>۲</sup> البته، روایات ابوهریره نزد فقهیان شیعی اعتباری ندارد، و بر فرض صحّت روایت او، حکم‌ش ناظر به جهاد دفاعی است، نه جهاد ابتدایی.<sup>۳</sup>

مشهور بین فقهیان شیعی مراد از امام عادل که در روایات آمده، امام معصوم<sup>ؑ</sup> می‌باشد. از این رو در جهاد ابتدایی بتا بر فتوای مشهور فقهاء، اجازه امام معصوم<sup>ؑ</sup> یا نائب خاص وی لازم است. ولی این که آیا فقیه جامع الشرایط می‌تواند حکم جهاد ابتدایی را صادر کند؟ فقهیان شیعی در این مسأله اختلاف نظر دارند. که بحث خواهیم کرد.

در ضمن شرط مذکور (اجازه امام عادل) شرط دیگری وجود دارد. و آن «مبسوط الید» بودن امام است. یعنی برخورداری وی از قدرت و تمکن است؛ به این معنا که امام عادل، باید دارای حکومت، قدرت، ارتش، تجهیزات، سلاح و مهمات، بودجه و امکانات، شرایط مناسب سیاسی و... باشد. در میان فقهیان، کسانی که نظریه جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبیت را پذیرفته‌اند، فقهیان معاصرند که در این جا به سخنان دو نفر از آنان در این باره اشاره می‌کنیم:

آیة... جوادی آملی می‌گوید:

چرا [فقیه] نتواند برای احیاء دین، این کار [جهاد] را بکند؟! البته، اگر شرایط را داشته باشد.<sup>۴</sup>

آیة... خوبی<sup>ؑ</sup> می‌نویسد:

«ظاهر این است که وجوب جهاد در عصر غیبیت، از عهدۀ مسلمانان برداشته نشده، بلکه در

همۀ زمان‌ها با وجود شرایط بر عهدۀ مسلمانان است»<sup>۵</sup>

## ۲ - دعوت کفار به اسلام

در جهاد ابتدایی، باید کفار به اسلام خوانده شوند و ویژگی‌های اسلام برای آنان تشریح و تبیین گردد. تا شاید هدایت شوند و راه حق و حقیقت را در پرتو این آیین الهی دریابند و اگر اسلام را نپذیرند،

۱- ابوهریره از پیامبر<ص> ﷺ نقل می‌کند: «جهاد بر شما واجب است با هر امامی، صالح باشد یا فاجر و فاسد». (المغنی، ابن قدّامه، ج ۱۰، ص ۳۷۱؛ کنز‌العمال، ج ۴، ص ۱۶۶) ۲- همان، ص ۳۸۹ و ۳۹۰.

۴- تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۶.

۳- تشرییه فیضیه، ش ۱۱۲، ص ۳.

۵- منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۶۵ و ۳۶۶.

حجّت خداوندی بر آنان تمام شود، همچنان‌که حضرت سلیمان<sup>ع</sup> پیش از لشکرکشی به سوی قوم سپا، آنان را به دین خدا فراخواند و بلقیس دعوت سلیمان را پذیرفت. و به دین الهی درآمد.<sup>۱</sup> از این رو اقامه برهان و دلیل برای رفع عذر کافران، از سنت‌های الهی است؛ و کیفر و مجازات آنان قبل از ابلاغ دین خدا، مشروع و مجاز نیست. چنان‌که خداوند می‌فرماید:

وَ لَوْ أَنَا أَهْلُكُنَاهُمْ بِعِذَابٍ مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبُّنَا لَوْلَا أَوْسَطْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَتَبَيَّنَ آيَاتِكَ.<sup>۲</sup>

اگر ما آنان را پیش از آن [=نزول قرآن]، با عذابی هلاک می‌کردیم، می‌گفتند: «پروردگار! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تاز آیات پیروی کنیم؟!»

از امام باقر<sup>ع</sup> روایت است:

... وَ أَوَّلُ ذِلِكَ الدُّعَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ مِنْ طَاعَةِ الْعِبَادِ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ وَ إِلَى  
وِلَايَةِ اللَّهِ مِنْ وِلَايَةِ الْعِبَادِ.<sup>۳</sup>

... نخستین قانونی که خداوند در جهاد بر مسلمانان واحب کرده است، فراخواندن دشمن به اطاعت از خداوند متعال به جای اطاعت از بندگان خدا، و پرستش خداوند به جای پرستش بندگان خدا، و به سرپرستی خداوند درآمدن به جای سرپرستی بندگان خداست.

### ۳ - خلوص نیت

جهاد ابتدایی باید با «خلوص نیت» و «فی سبیل الله» همراه باشد. رزم‌منده‌ای که در جهاد ابتدایی شرکت می‌کند در صورتی عمل او ارزشمند و مورد قبول خداوند است که رضای خدا، تحقق اهداف الهی و دفاع از اسلام را مدنظر داشته باشد. در غیر این صورت پاداشی نزد خداوند ندارد. مرحوم کاشف الغطاء فقیه مجاهد، شرط حضور در جهاد ابتدایی رأیت خالص و تقرّب به خداوند می‌شمارد، برخلاف جهاد دفاعی که «خلوص نیت» و «فی سبیل الله» بودن برای افزایش پاداش است نه بطلان عمل.<sup>۴</sup>

### ۴ - محدودیت زمانی و مکانی

جهاد ابتدایی از لحاظ زمان و مکان محدود است. از لحاظ زمانی، جنگ در چهار ماه حرام (ذی القعده، ذی الحجه، محرّم و رجب) ممنوع است مشروط بر این‌که کفار نیز برای این ماه‌ها حرمت قائل شوند و نخواهند در این ماه‌ها بر مسلمانان هجوم برند.\* قرآن می‌فرماید:

۱- نمل (۲۷)، آیه ۳۰ و ۴۴.

۲- طه (۲۰)، آیه ۱۳۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۷.

۴- ر. ک. کشف الغطاء، ص ۲۹۵.

\*- ر. ک. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۲.

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةُ حُرُومٌ.<sup>۱</sup>

شمار ماههای خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است که از آن‌ها، چهار ماه، حرام [و جنگ در آن‌ها ممنوع] است.

با این حال، اگر کفار به حرمت ماههای حرام پایبند نباشند، بر مسلمانان نیز رعایت حرمت آن‌ها واجب نیست. به دلیل آیه مبارکه‌ای که خداوند در آن می‌فرماید: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ»<sup>۲</sup> ماه حرام در برابر ماه حرام!

از لحاظ مکانی نیز جنگ ابتدایی محدود به مکان‌هایی است که اسلام برای آن تقدیسی قائل نشده باشد. مثلاً مسجد الحرام و محدوده آن مقدس شمرده شده و نبرد در آن حرام است، مگر آن‌که دشمن حرمت آن را بشکند و مسلمانان را به جنگ در آن مکان مقدس وادارد. وَ لَا تُقْاتِلُوهُمْ عِنْدَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقْاتِلُوكُمْ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.<sup>۳</sup>

و با آنان، در نزد مسجد الحرام [در منطقه حرم] جنگ نکنید، مگر این‌که در آن جا با شما بجنگند. پس، اگر [در آن جا] با شما پیکار کردند، آنان را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران.

### ویژگی‌های رزمندگان در جهاد ابتدایی

#### ۱ و ۲ - بلوغ و عقل

به اتفاق همه فقیهان، از ویژگی‌های بایسته کسی که می‌خواهد در جهاد حضور پیداکند، «بالغ» و «عقل» بودن اوست. بنابراین، جهاد بر کودک و نوجوان نابالغ و نیز بر دیوانه واجب نیست. پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> می‌فرماید:

رُفِعَ الْقَلْمُ عَنِ ثَلَاثَةِ، عَنِ الصَّبِّيِّ حَتَّىٰ يَحْتَلِمَ، وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّىٰ يَفْقِيَ وَ عَنِ التَّائِمِ حَتَّىٰ يَسْتَيْقِظَ.<sup>۴</sup>

۱- توبه (۹)، آیه ۳۶. نیز می‌فرماید: يَسْأَلُونَكُمْ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ بقره (۲)، آیه ۲۱۷.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۹۴.

۳- برخی چون محقق حلی (ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن) محدوده حرم را چهار فرسخ از اطراف مسجد الحرام دانسته‌اند. (مشروع الإسلام، ج ۱، ص ۲۲۲)

۴- بقره (۲)، آیه ۱۹۱. ۵- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۲.

تکلیف [نماز، جهاد و...]. از سه نفر برداشته شده است: از کودک تا به سن بلوغ برسد، و از دیوانه تا عاقل شود و از شخص خوابیده، تا بیدار شود.

برخی فقیهان اهل سنت، با استناد به آیه «لَيْسَ عَلَى الْضُّعْفِاءِ... حَرَجٌ»<sup>۱</sup> [=بر ضعیفان با کی نیست] کوکان و دیوانگان را از جهاد معاف دانسته‌اند، به این دلیل که آنان دارای ضعف جسمانی و عقلانی‌اند و در زمرة ضعیفان قرار دارند.<sup>۲</sup>

### ۳ - حریت

بیشتر فقیهان<sup>۳</sup> اهل سنت، کسی که در جهاد شرکت می‌کند، باید آزادباشد نه برد. تنها از ابن جنید شرط نبودن آزادی نقل شده است.<sup>۴</sup> بنابراین، جهاد بر برگان واجب نیست<sup>۵</sup>; زیرا پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> تنها با افراد آزاد بر اسلام و جهاد بیعت کرد و از برگان تنها بر اسلام<sup>۶</sup> بیعت گرفت.

برخی نیز به آیه «لَيْسَ عَلَى الْضُّعْفِاءِ... وَ لَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَحِدُونَ مَا يُنفِقُونَ حَرَجٌ»<sup>۷</sup> استدلال کرده‌اند به این گونه که برد، مالک چیزی نیست، نه از خود اختیاری دارد و نه مال و ثروتی. از این رو، بدون اجازه مولا خود قادر و مجاز به انجام کاری نیست و در زمرة ضعیفان محسوب می‌شود و تکلیف جهاد بر عهده او نیست.<sup>۸</sup>

### ۴ - مرد بودن

جهاد ابتدایی تنها بر مردان واجب است و بر زنان تکلیفی نیست. امیر مؤمنان<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> می‌فرماید: خداوند جهاد را بر مردان و زنان واجب فرمود. اما جهاد مرد به بذل جان و مال است تا آن‌گاه که در راه خدا کشته شود، و جهاد زن، آن است که بر آزار و غیرتی که از شوهر خود می‌بیند، صبر کند.<sup>۹</sup>

شاید واجب نبودن جهاد بر زنان، به دلیل ضعف جسمانی آنان نسبت به مردان باشد که دارای توان لازم برای حضور در جبهه جنگ نیستند.<sup>۱۰</sup> نبرد، سختی و مشکلاتی بسیار دارد و قدرت جسمانی و نیروی بدنی می‌طلبد و از آن جا که زنان به دلیل ساختار بدنی و غیره قادر قدرت جسمانی برای

۱- توبه (۹)، آیه .۹۱

۲- کفاية الاخيار، ص ۲۰۶ و ۲۰۷

۳- مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۹۴

۴- ر.ک. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۶

۵- همان، ص ۵؛ مغنی ابن قدامه، ج ۱۰، ص ۳۶۶

۶- بر ضعیفان... و آنان که وسیله‌ای برای انفاق [در راه جهاد] ندارند، ابرادی نیست. [توبه (۹)، آیه ۹۱]

۷- ر.ک. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۶

۸- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵

۹- مغنی ابن قدامه، ج ۱۰، ص ۳۶۶

جنگیدند، شارع مقدس آنان را از جهاد ابتدایی معاف کرده است. و شاید علت واجب نبودن، حرمت ناموسی و عنایت خداوند به زنان مؤمن باشد که نمی خواهد آنان در معرض تهدید مشرکان قرار گیرند.

#### ۵ - سلامت جسمانی

تکلیف جهاد بر کسانی که به هر دلیلی دارای ویژگی های بایسته جسمانی نیستند، برداشته شده است؛ زیرا جبهه جنگ و مصاف با دشمن، مردانی نیرومند، سالم و ورزیده می طلبد. قرآن کریم در دو آیه، معنودران از جهاد را، که فاقد سلامت جسمانی اند، بیان می کند:

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَ لَا عَلَى الْمُرِيضِ حَرَجٌ.<sup>۱</sup>

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست [که در میدان جهاد شرکت نکنند].

لَيْسَ عَلَى الصُّعَدَاءِ وَ لَا عَلَى الْمُرْضِيِ حَرَجٌ.<sup>۲</sup>

بر ضعیفان و بیماران ایرادی نیست [که در میدان جنگ شرکت نجوبند].

پیامبر خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> در پاسخ به پای فشاری عمرو بن جموح لنگ برای شرکت در جنگ احاد، فرمود:

أَمَّا أَنْتَ فَقَدْ عَذَّرَكَ اللَّهُ وَ لَا جِهَادَ عَلَيْكَ.<sup>۳</sup>

ای عمرو! خداوند تو را از شرکت در جهاد معاف داشته است و جهاد بر تو واجب نیست.

#### ۶ - توانایی مالی

از دیگر ویژگی های بایسته ای که فقیهان بر آن اتفاق نظر دارند، توانایی و قدرت مالی است؛ به این معنا که روزمنده باشی تو ان پرداخت و تأمین نفقة خانواده خود را در مدت حضور در جنگ و نیز توانایی تهیئة سلاح و تجهیزات و امکانات مورد نیاز جنگیدن را داشته باشد. در بخشی از آیه ۹۱ سوره توبه می خوانیم:

... وَ لَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَحْدُونَ مَا يُنِفِقُونَ حَرَجٌ.

بر آنان که وسیله ای برای اتفاق [و تجهیز] در راه جهاد ندارد، ایرادی نیست که در میدان جنگ شرکت نجوبند.

مراد این آیه، افرادی اند که توان شرکت در جهاد را به دلیل فقر مالی ندارند.<sup>۴</sup> ولی اگر کسی روزمنده ای فقیر را تجهیز کند و امکانات مالی، سلاح و مرکب در اختیار او بگذارد، در صورتی که

۱- فتح (۴۸)، آیه (۹)، آیه ۹۱.

۲- توبه (۹)، آیه (۹)، آیه ۹۱.

۳- سفينة البحار، ج ۶، ص ۴۶۰.

۴- المیزان، ج ۹، ص ۳۶۲.

به عنوان اجرت نباشد و اجیر گرفتن فرد تلقی نشود و بلکه صرفاً کمک به او باشد، پذیرفتن آن مال و تجهیزات واجب است<sup>۱</sup> و در این صورت، شخص رزمنده از حالت عسر و حرج و فقر مالی خارج می‌شود و ادله قرآنی و روایی مبنی بر داشتن قدرت مالی بر او صدق می‌کند.<sup>۲</sup>

بنابراین، چنانچه حکومت اسلامی هزینه و نفقة رزمندگان و خانواده آنان را پردازد و سلاح و تجهیزات در اختیار آنان بگذارد، شرط «توانایی مالی» -حاصل می‌گردد و شرکت این افراد در جهاد واجب می‌شود، به ویژه آن که امروزه به دلیل پیچیده بودن سلاح‌ها و هزینه بسیار بالای تهیه و ساخت و نگهداری آن‌ها چاره‌ای نیست جز آن که فرد، در سازمان نظامی قرار گیرد و از آن طریق تجهیز شود.

#### ۷- مانع نشدن پدر و مادر

از دیگر ویژگی‌های بایسته، ممانعت نکردن پدر و مادر مسلمان، عاقل و حرّ از رفتن فرزند به جبهه است.<sup>۳</sup> جز در مواردی که جهاد بر آنان واجب عینی شده است که در این صورت، حتی با مخالفت آنان نیز شرکت در جهاد واجب است.<sup>۴</sup>

#### کفایی بودن جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی کفایی است، یعنی بر همه مسلمانانی که توان و ویژگی‌های حضور در جبهه جنگ را دارند، به عنوان یک تکلیف الهی واجب است. هر کس بدون عذر از شرکت در جهاد سرباز زند، متخلّف از جنگ محسوب می‌شود، جز معدوران که تکلیف از آنان ساقط است.

بلی ممکن است با اقدام گروهی از مسلمانان، حضور در جبهه از دیگران ساقط شود. لذا با ترک آن، همه مسلمانان گناهکارند و مستحق مجازات و کیفر.<sup>۵</sup> اما امداد رسانی بر وجوه خود باقی است.

امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید:

جهاد بر همه مسلمانان واجب است، به دلیل آیه «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ». <sup>۶</sup> (بر شما جنگیدن

تکلیف شده است) اگر گروهی از مسلمانان به جهاد روند فرصتی برای دیگر مسلمانان

۱- شرایع، ج ۱، ص ۳۰۸.

۲- جواهرالكلام، ج ۲۱، ص ۲۷.

۳- همان، ص ۲۲.

۴- همان، ص ۲۵.

۵- جواهرالكلام، ج ۲۱، ص ۹؛ تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۰۵.

۶- بر شما جنگیدن تکلیف شده است. [یقہ (۲)، آیة ۲۱۶]

هست که تکلیف از آنان ساقط شود، به شرط آن که کسانی که مشغول جنگ با دشمنند، به یاری‌شان نیازمند نباشند. اگر آنان نیازمند به یاری شوند، بر همه واجب است که به قدر کفایت، آنان را یاری دهند؛ خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَةً»<sup>۱</sup> اگر شرایطی پیش آید که حضور همه مسلمانان را می‌خواهد، باید همه در جنگ شرکت جویند؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «أَنْفِرُوا خِفَافًاً وَثِقَالًاً وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ»<sup>۲</sup>.

## جihad ابتدایی در آیات و روایات

### ۱- آیات

جihad ابتدایی در آیات قرآن، به عنوان تکلیف و وظیفه‌ای دینی برای حاکمیت دین الهی، در روی زمین، واجب شده است. خداوند می‌خواهد همه بندگان به طاعت و بندگی او گردند نهند و توحید را زینت‌بخش حیات خود سازند. و شرک و بت پرستی را، که موجب فساد و تباہی دین و دنیاست، کنار بگذارند و حاکمیت زمین از آن بندگان صالح خدا شود.<sup>۳</sup>

از این رو، آیاتی بسیار در قرآن، درباره jihad ابتدایی نازل شده است که به چند دسته تقسیم می‌شوند:<sup>۴</sup>

- ۱- آیاتی که مربوط به جنگ با مشرکان مکه‌اند؛ مانند آیه ۳۹ سوره انفال، آیه ۱۹۰ تا ۱۹۵ سوره بقره، و آیه ۷۵ سوره نساء که پیش از این در عنوان اهداف jihad ذکر شان گذشت.
- ۲- آیاتی که مربوط به اهل کتابند؛ چون آیه ۲۹ سوره توبه که در آینده نزدیک می‌آید.
- ۳- آیاتی که در رابطه با کل مشرکانند و خداوند در آن‌ها، مؤمنان را مأمور به جنگ می‌فرماید؛ مانند آیه ۵ و ۳۶ سوره توبه.
- ۴- آیاتی که در آن‌ها، خداوند متعال، دستور به جنگ با کفار را به صورت عام صادر می‌فرماید؛ مانند آیه ۱۲۳ سوره توبه.

۱- شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند. [توبه (۹)، آیه ۱۲۲]

۲- [همگی به سوی میدان جهاد] حرکت کنید، سیکبار باشید، یا سنگین بار، و با اموال و جان‌های خود، در راه خدا jihad کنید. [توبه (۹)، آیه ۴۱]

۳- جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۰، به نقل از مستدرک الوسائل و دعائیم الاسلام.

۴- ر. ک. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵. ۵- ر. ک. تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۶۵

۵- آیاتی که به جهاد ابتدایی پیامبرانی چون حضرت موسی ع و حضرت سلیمان ع و پیامبر اکرم ص اشاره دارند؛ مانند آیه ۲۱ سوره مائدہ و آیه ۳۷ سوره نمل.

اینک، از آن میان، تنها چند آیه را ذکر می‌کنیم:

وَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۖ۱ وَ أَقْتَلُوهُمْ  
حَيْثُ شَفِقْتُمُوهُمْ وَ أَخْرُجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرُجُوكُمْ وَالْجِئْنَهُ أَشَدُ مِنَ الْقَتْلِ وَ لَا تُقْتَلُوهُمْ عِنْدَ  
الْمُسْجِدِ الْحَرامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ فَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ فَإِنَّ أَنْتُمْ فَإِنَّ  
اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَهُ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ... ۲

و در راه خدا، باکسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد.

و آنها را [= بتپرستانی] که از هیچ‌گونه جنایتی ابا ندارند [هر کجا یافتید، به قتل برسانید؛ و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید. و فتنه (و بتپرستانی) از کشتار هم بدتر است. و با آنها، در نزد مسجدالحرام (در منطقه حرم) جنگ نکنید، مگر این که در آنجا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید. چنین است جزای کافران! و اگر خودداری کردند، خداوند آمرزند و مهربان است و با آنها پیکار کنید تا فتنه (و بتپرستانی)، و سلب آزادی از مردم) باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد... .

علامه طباطبائی در تفسیر این آیات می‌فرماید:

این آیات، اجازه جهاد ابتدایی را با مشرکان مکه بی هیچ قید و شرطی صادر می‌کند. همچنین، بیان اصل حکم جهاد، تعیین حد و مرز جهاد، شدت بر کفار و مشرکان، تعیین محدودیت‌های مکانی و زمانی جهاد، بیان چگونگی مقابله و پشتیبانی مالی و تجهیزات جنگی نیز از این چند آیه دریافته می‌شود.<sup>۳</sup>

## ۲ روایات

در روایات نیز درباره جهاد ابتدایی مطالبی فراوان آمده است که بخش عمدahای از آنها بیانگر فضیلت، جایگاه، شرایط و احکام و نیز قوانین و مقررات جنگ می‌باشد. هر یک از این مباحث در ذیل هر فصلی ویژه، مطرح خواهد شد و از این رو در این جا تنها به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم.

۱- بقره (۲)، آیه ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵-۱۹۶ همان.

۲- همان.

۳- تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۱-۶۰

### جihad ابتدایی در فقه اسلامی

فقیهان اسلام جنگ با کافران را واجب می‌دانند و کافران را نیز بر دو گروه اهل کتاب (= یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان) و غیر اهل کتاب (= مشرکان) تقسیم می‌کنند. محقق قمی می‌نویسد: و جنگ با کفار بر دو قسم است: جنگ با اهل کتاب و جنگ با غیر اهل کتاب که همان مشرکانند.<sup>۱</sup>

و علامه حلی می‌نویسد:

کسانی که جنگ با آنان واجب است، عبارتند از: یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان (= اهل کتاب)، و دیگر کفار که اهل کتاب نیستند.<sup>۲</sup>

صاحب جواهر پس از نقل و نقد و تحلیل گفتار فقیهان، به عنوان نظریه نهایی درباره حکم jihad با کافران می‌نویسد:

به هر حال، اشکالی در اصل حکم [وجوب jihad با کفار] نیست، با توجه به این که آیات قرآن و سخنان معصومین ﷺ بر این حکم تأکید دارند.<sup>۳</sup>

### با چه کسانی باید جنگید؟

دشمنان اسلام به دو گروه تقسیم می‌شوند: دشمنانی که خارج از قلمرو دارالاسلام‌اند و در دارالکفر به سر می‌برند و عبارتند از مشرکان و اهل کتاب؛ و دشمنانی که در قلمرو دارالاسلام‌اند و عبارتند از باغیان و محاربان.

جihad با هر یک از این گروه‌ها حکمی خاص دارد که در زیر به بیان می‌آید:

### جihad ابتدایی با مشرکان

«مشرک» به کسی می‌گویند که برای خدا شریک قائل شود و به خدایان متعدد، معتقد باشد.<sup>۴</sup> در اصطلاح فقه، مشرک، در برابر اهل کتاب قرار دارد و دارای کتاب آسمانی نیست.<sup>۵</sup> در قرآن کریم نیز مشرکان در برابر اهل کتاب آمده‌اند.<sup>۶</sup> jihad با مشرکانی که نسبت به اسلام و مسلمانان، کینه در

۱- جامع الشتات، ج ۱، ص ۲۵۶. ۲- تبصرة المتعلمين، ص ۸۰.

۳- جواهر، ج ۲۱، ص ۱۷. ۴- لسان العرب، ج ۱، ص ۴۴۹.

۵- تبصرة المتعلمين، ص ۸۰. ۶- ميسوط، ج ۲، ص ۹.

۶- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمُجْوَسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... [حج ۲۲)، آیه ۱۷]

دل دارند و علیه آنان دست به توطئه‌های تبلیغاتی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... می‌زنند و از رسانیدن هرگونه زیان و ضرر به مسلمانان دریغ نمی‌ورزند<sup>۱</sup> و مانع رسیدن پیام دین آسمانی اسلام به‌گوش مردم می‌شوند<sup>۲</sup> و موجب نابودی حرث و نسل<sup>۳</sup> می‌گردند، و به هیچ پیمان و قراردادی پایبند نیستند واجب است.<sup>۴</sup>

### حرمت گریختن از مقابله دشمن

استواری و پایداری در برابر دشمنان و مشرکان واجب است و گریختن از مقابله آنان از گناهان کبیره محسوب می‌شود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا رَحْمًا فَلَا تُؤْلُهُمُ الْأَدْبَارَ وَ مَنْ يُوْلِهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرُهُ  
إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ.<sup>۵</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبیوه کافران در میدان نبرد رو به رو شوید، بدانان پشت نکنید [و نگریزید]! و هر کس در آن هنگام بدانان پشت کند، مگر آن که هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله دوباره، یا پیوستن به گروهی [از رزم‌مندان] باشد، به خشم الهی گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است، و چه بد جایگاهی است!

فرار، موجب ننگ و عار و خشم الهی است و کسی که از دشمن می‌گریزد، باید بداند که این گریختن، موجب گریختن از مرگ نمی‌شود و عمرش افزون نمی‌گردد؛ چنان که امیر مؤمنان<sup>۶</sup> می‌فرماید: آن که رو به هزیمت نهاده بداند که پروردگارش را به خشم آورده و خویشتن را به هلاکت افکنده است، فرار خشم الهی را در پی دارد و خواری و ننگ جاوید را براستی که فرار کننده بر عمر خویش نمی‌افزاید و میان خود و مرگش فاصله نمی‌اندازد (و با فرار از جبهه) خدایش را خشنود نمی‌سازد. فرا رسیدن مرگ مردی که بر حق است، پیش از تن سپردن به این خصلتها، بهتر است از آن که به چنین صفاتی آلوده گردد و بدانها تن سپرد.<sup>۷</sup>

۱- ر. ک. ممتحنه (۶۰)، آیه ۲.

۲- اعراف (۷)، آیه ۴۵.

۳- ر. ک. بقره (۲)، آیه ۲۰۵.

۴- ر. ک. توبه (۹)، آیه ۷ و ۸.

۵- انفال (۸)، آیه ۱۵-۱۶.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۶۵ حدیث ۱.

## خلاصه فصل

جهاد ابتدایی، به معنای آغاز کردن جنگ و تهاجم علیه کفار است. برای یاری حق و هدایت انسان‌ها و براندازی باطل. از این رو، ماهیّت جهاد ابتدایی به جهاد دفاعی بازمی‌گردد. اسلام، برای حفظ سلامت جامعه و پاسداری از ارزش‌های انسانی و اسلامی، دست به جرّاحی پیکر جامعه می‌زندو اعضای فاسد و تبهکار را از پیکر جامعه جدا می‌کند. هدف از جهاد ابتدایی، از میان بردن شرک و بتپرستی، رفع موانع دعوت آیین اسلام و مبارزه با ستمگران و نجات مستضعفان زیر ستم است.

جهاد ابتدایی، دارای شرایطی است: با اجازه امام عادل باشد؛ امام توانایی و امکانات در اختیار داشته باشد؛ پیش از نبرد، کفار به اسلام خوانده شوند؛ و جهاد در ماههای حرام و منطقه حرم نباشد. حضور کسانی در جنگ واجب است که مسلمان، عاقل، بالغ، مرد، آزاد و دارای سلامت روحی و جسمی باشند. جهاد بر کودکان، زنان، پیران فرتوت، ناتوانان، بیماران، نابینایان واجب نیست.

جهاد ابتدایی، واجب کفایی است. مگر بر کسانی که دارای تخصص مورد نیاز جهادند.

در اسلام، مرزهای خاکی ملاک تقسیم کشورهایی است، بلکه عقیده و ایمان ملاک است و کشورهای را به «دارالاسلام» و «دارالکفر» (یا «دارالحرب») تقسیم می‌کنند. آیات و روایاتی بسیار، مسلمانان را به جهاد ابتدایی فرامی‌خواند و ارزش و فضیلت آن را باز می‌گوید. فقیهان، تحت عنوان «كتاب الجهاد» درباره جهاد ابتدایی به تفصیل بحث کرده و مشروعیت آن را در زمان حضور معصوم علیه السلام پذیرفته‌اند. از آن میان، گروهی در زمان غیبت کبرا نیز، جهاد ابتدایی را توسط ولی فقیه جامع الشرائط جایز دانسته‌اند.

## پرسش

۱- جهاد ابتدایی را تعریف کنید.

۲- چرا ماهیّت جهاد ابتدایی به جهاد دفاعی بازمی‌گردد؟

۳- هدف از جهاد ابتدایی چیست؟

۴- شرایط جهاد ابتدایی را نام ببرید.

۵- امام عادل کیست؟

۶- حضور چه کسانی در جنگ ابتدایی واجب است؟

۷- یک آیه درباره جهاد ابتدایی بنویسید.

۸- آیا جهاد ابتدایی در زمان غیبت کبرا جایز است؟

## فصل چهارم جهاد ابتدایی

### ضرورت و اهمیت دفاع

در بین احکام الهی، جهاد در راه خدا از جایگاهی والا برخوردار است؛ زیرا حافظ اصول، احکام و ارزش‌های اسلامی و انسانی است و در صورت ترک آن، آبین اسلام دستخوش تحریف و تضییع می‌شود و ذلت و اسارت و انحطاط، نصیب مسلمانان می‌گردد.  
امام خمینی<sup>ره</sup>، اهمیت و جایگاه بلند جهاد و دفاع را با توجه به آیه ۲۴ سوره توبه چنین ترسیم می‌کند:

بعد از حُبّ خدای تعالیٰ و رسول اکرم<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبیه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و برباد رفتن ارزش‌های اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم.<sup>۱</sup>

### اهداف جهاد دفاعی

#### ۱ - حفظ کیان و موجودیت اسلام

حفظ دین و آیین الهی، به عنوان بهترین و شریف‌ترین هدیه الهی به بشر، از مهمترین وظایيف پیامبران بر شمرده شده است. توصیه خداوند به پیامبران پیشین<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> و خاتم پیامبران<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup>، حفظ دین بوده است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید:

۱ - صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۰

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود و آنچه بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم، این بود که: دین را بر پا دارید [و حفظ کنید] و در آن تفرقه ایجاد نکنید...<sup>۱</sup>

امام علی<sup>ؑ</sup> با تبیین اهداف جنگ‌های خویش، یکی از آن‌ها را، پاسداری از دین می‌داند: هدف ما این بود که نشانه‌ها و آثار و آیات بیتات دینت را به جایگاه اصلی اش بازگردانیم و باری دیگر چراغ هدایت را فرا راه بندگانیت روشن کنیم...<sup>۲</sup>

## ۲ - دفع تجاوز

چون دشمن به سرزمین و قلمرو حکومت اسلامی تجاوز می‌کند، مسلمانان دو راه بیش ندارند؛ یا تن به خواری دهنند و تسلیم دشمن شوند و زندگی اسارت بار را بپذیرند و یا جوانمردانه در برابر ش باشند و از تجاوز ش پشیمان کنند.

امام علی<sup>ؑ</sup> می‌فرماید:

**قَدِ اشْتَطْعَمُوكُمُ الْقِتَالَ فَاقْرُوا عَلَىٰ مَذَلَّةٍ وَ تَأْخِيرٍ حَمَلَّةٍ أَوْ رَوُوا السُّبُوفَ مِنَ الدَّمَاءِ.<sup>۳</sup>**

دشمن به شما تجاوز کرده و به کارزاران فراخوانده است. دو راه بیش نداید: یا تن به خواری و انحطاط دهید و یا شمشیرهایتان را باخون متتجاوزان سیراب سازید.

در جایی دیگر در باره لزوم پاسخ‌گفتن به متتجاوز می‌فرماید: کسی را به مبارزه مخوان [و جنگ طلب مباش]، اما اگر [با تجاوز] تو را به جنگ خوانند، بپذیر [و پاسخ متتجاوز را بد]؛ زیرا جنگ طلب، ستمگر است و ستمگر و باغی، ناکام و شکست خورده.<sup>۴</sup>

## ۳ - فراهم ساختن امنیت

امنیت و آرامش از نعمت‌های بزرگ الهی است که همه خواهان آند؛ زیرا در سایه امنیت است که استعدادها شکوفا می‌شوند و اقتصاد رونق می‌گیرد و قسط و عدل تحقق می‌یابد. از این رو، یکی از اهداف جهاد دفاعی، سرکوب متتجاوزان و حفظ امنیت جامعه است: امنیت راه‌ها، شهرها و ستمدیدگان در برابر متتجاوزان، مفسدان و مستکبران: «فَيَأْمَنَ الظُّلُومُونَ مِنْ عِنَادِكَ».<sup>۵</sup>

۱- شوری (۴۲)، آیه ۱۳.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۴۰۶، خطبه ۱۳۱.

۳- همان، ص ۱۳۸، خطبه ۵۱.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۲۵.

۵- تا ستمدیدگان از بندگان امنیت بیابند. (نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۴۰۶، خطبه ۱۳۱)

#### ۴ - مبارزه با گمراهی

مؤمنان نمی‌توانند در برابر دشمنان و متجاوزانی که ایمان مردم را هدف قرار می‌دهند و با ایجاد هرج و مرج و فساد و توطئه، در اندیشه نابود ساختن ارزش‌های انسانی-الهی‌اند، بی‌تفاوت مانند. نخستین واکنش آنان از این حرکت دشمن، نفرت قلبی است، و دومین واکنش، واکنش زبانی است. ولی برای خشکانیدن ریشه فساد و گمراهی و از میان برداشتن عوامل و عناصر فساد و هرج و مرج، باید دست به اقدام قهرآمیز زد تا زمینه رشد و هدایت بندهگان خداوند فراهم آید و دین و آیین الهی زنده ماند.

#### شرایط دفاع

چون اسلام به خطر افتاد و مرزهای کشور اسلامی مورد تهاجم دشمن قرار گیرد، بر همه مسلمانان واجب است، بی‌هیچ قید و شرطی به دفاع برخیزند. از این رو، تمام شرایطی که در جهاد ابتدایی گفته شد - از قبیل اجازه امام<sup>۱</sup> یا جانشینش، اذن والدین، توانایی، مرد بودن - در جهاد دفاعی مطرح و لازم نیست. البته وجود برخی شرایط ناگزیر است مانند: عاقل و بالغ بودن.  
امام خمینی<sup>۲</sup> در این باره می‌فرماید:

بر هر مکلفی واجب است که بدون قید و شرط به دفاع برخیزد.<sup>۱</sup> چنانچه خوف از تسلط بر کشور اسلامی و اشغال آن و اسارت مسلمانان برود، با هر وسیله ممکن دفاع در قبال دشمن واجب است.<sup>۲</sup> و مشروط به اجازه امام یا مرجع تقلید نیست.<sup>۳</sup> و در صورت نیاز جبهه‌ها به نیرو، اذن والدین نیز شرط نیست.<sup>۴</sup>

همچنین می‌فرماید:

دفاع هیچ احتیاج به یک ولی ندارد. هیچ احتیاجی به یک امامی ندارد. تمام مسلمین اگر یک وقت امامی نباشد، بر شان هجمه بشود، خودشان باید دفاع کنند. مستقل‌اند در این امر و مردم مکلف شرعی هستند به این که دفاع کنند و حکم عقلشان این است که از کشور خودشان، از ناموس خودشان، از مال خودشان دفاع کنند و این یک دفاعی است که عقل و اسلام هر دو با آن موافقند.<sup>۵</sup>

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۴۸۴ م ۲.

۲- همان، م ۳.

۳- همان، ص ۴۹۶، س ۱۴.

۴- استفتاءات، ج ۱، ص ۴۹۲، س ۱.

۵- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۳۵.

## کفایی بودن وجوب jihad دفاعی

جihad دفاعی چون jihad ابتدایی، واجب کفایی است؛ یعنی اگر گروهی به دفع تجاوز دشمن برخیزند، تکلیف از دیگران ساقط است و اگر هیچ کس اقدام به دفاع نکند، همه مقصّر و گناهکارند. امام خمینی در پاسخ به این که آیا دفاع بر مردم همان شهر واجب است یا همه مسلمانان، می‌فرماید:

دفع دشمن متجاوز، بر تمام مسلمین واجب کفایی است.<sup>۱</sup>

## جihad دفاعی از دیدگاه آیات و روایات

آیات قرآن:

آیاتی که به jihad دفاعی اشاره دارند، به چند دسته تقسیم می‌شوند و هر کدام بیانگر نکاتی ویژه‌اند:

۱- در برخی آیات، به مسلمانانی که مورد تهاجم مشرکان و دشمنان اسلام قرار گرفته‌اند، اجازه jihad دفاعی داده شده است که در حقیقت، این اجازه، پاسخ به یکی از نیازهای فطری انسان است.

*أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ. الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ... ۲*

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه jihad داده شده است. چراکه مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و البته خداوند بر یاری شان تواناست؛ همان کسانی که به ناحق از خانه و شهر خود، رانده شدند [و گناهی نداشتند]. جز این‌که می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست...».

از این دو آیه استفاده می‌شود که تمام مراکز عبادات، در سایه jihad و دفاع پا بر جا و استوار می‌مانند؛ زیرا اگر افراد با ایمان و غیور، دست روی دست بگذارند و تماساً گر فعالیت‌های ویرانگرانه طاغوتیان و مستکبران و افراد بی‌ایمان و ستمگر و تبهکار باشند و آنان میدان را خالی ببینند، اثری از معابد و مراکز عبادت الهی باقی نخواهند گذارد.<sup>۳</sup>

۲- در برخی آیات آمده است که در صورت عدم دفاع مؤمنان از ارزش‌های انسانی - الهی، فساد زمین را پر خواهد کرد و مراکز خداپرستی و مساجد از میان خواهند رفت:

۱- استفتاءات، ج ۱، ص ۴۹۲، آیه ۲۲.

۲- حج (۲۲)، آیه ۳۹، ص ۴۰.

۳- ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۵.

وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَقَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ دُوَّ فَصْلٌ عَلَى الْعَالَمَيْنَ.<sup>۱</sup>  
واگر خداوند، برخی مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، زمین را فساد فرامی گرفت،  
ولی خداوند به جهانیان، لطف و احسان دارد.

و نیز می فرماید:

واگر خداوند برخی مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود  
ونصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برد می شود، ویران می گردد و خداوند کسانی  
را که یاری اش کنند [واز آیینش به دفاع برخیزند] یاری می کند؛ خداوند قوی و  
شکست ناپذیر است.<sup>۲</sup>

۳- در برخی آیات دیگر به مؤمنان دستور داده شده که در برابر مت加وزان به دفاع برخیزند.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ...<sup>۳</sup>

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید.

۴- در برخی آیات، کسانی که در دفاع سنتی می کنند و از خود در برابر دشمنان دفاع  
نمی کنند، سخت نکوهش شده و منافق خوانده شده اند:

و نیز [در جنگ احد] برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنان که به ایشان گفته شد:  
«بیایید در راه خدا نبرد کنید، یا [دست کم] از حریم خود دفاع نمایید!» گفتند: «اگر  
می دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می کردیم!» آنان در آن هنگام، به کفر  
نزدیک ترند تا به ایمان...<sup>۴</sup>

### روايات

در روایات اسلامی، دفاع به عنوان نیازی حیاتی، که موجب رشد و بالندگی و امنیت و هدایت  
جامعه می شود، مطرح شده است و بیان گشته است که در صورت ترک، یا سستی در آن،  
پی آمد هایی زیانبار در پی خواهد آمد؛ پیامدهایی چون:

- جامعه دچار خواری و زبونی و بی ارزشی خواهد شد و رشد و بالندگی را از دست خواهد داد.

- توطئه ها، گرفتاری ها و انواع بلاها و فتنه ها دامنگیر جامعه خواهد شد.

- قدرت تفکر و تصمیمگیری از جامعه سلب و نشان بی خردی بر آن زده می شود.

۱- بقره (۲)، آیه ۴۰.

۲- حج (۲۲)، آیه ۴۰.

۳- بقره (۲)، آیه ۲۵۱.

۴- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۷.

- حق و عدالت و ارزش‌های انسانی - الهی از میان می‌رود و فساد و بی‌عدالتی جایگزین آن می‌شود.<sup>۱</sup>

اینک به چند روایت اشاره می‌کنیم:

امیر مؤمنان علیه السلام به مردم عراق، که در برابر دشمنان اسلام از خود سستی نشان می‌داد، فرمود: آگاه باشیدا من بارها شما را روز و شب، و آشکار و پنهان به جنگ با این گروه [قاسطین] فراخواندم. و به شما گفتم: پیش از آن که [غافلگیرانه] به شما حمله کنند، با آنان بجنگید. سوگند به خدا، هیچ ملتی در خانه‌اش غافلگیر نشد، مگر آن که خوار و ذلیل گشت. پس، شما کار [دفاع] را به یکدیگر واگذار کردید و همدیگر را تنها گذاشتید و سستی کردید، تا پی در پی به شما هجوم بردن و سرزمین‌هایتان را تصرف کردند. این مرد غامدی، با سربازان به شهر انبار وارد شده و حسابن حسان فرماندار شهر را کشته و نگهبانان و سربازان شمارا از پایگاه‌ایشان رانده است!<sup>۲</sup>

رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم درباره دفاع می‌فرماید:

**إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُجَاهِدُ عَنْ مَنْ لَا يُجَاهِدُ.**<sup>۳</sup>

همانا خداوند [بلاه و فتنه‌ها و هجوم‌ها و...][را] زکسی که جهاد نمی‌کند. به واسطه کسی که جهاد می‌کند، دور می‌سازد.

## بغات

«بغی» در لغت به معانی گوناگونی آمده است؛ مانند سرکشی، تجاوز از حد اعتدال، نافرمانی، سلطه‌جویی، تکبر، فساد، ظلم و ستم و حسادت.<sup>۴</sup> و «بغات» جمع باغی به معنای سرکشان، نافرمانان، متتجاوزان و شورشگران است. در قرآن کریم نیز به معانی یاغی‌گری و طغیان<sup>۵</sup>، نافرمانی<sup>۶</sup>، حسد<sup>۷</sup> و زشتکاری آمده است.<sup>۸</sup>

۱- ر. ک. جهاد از دیدگاه امام علی عليه السلام در نهج البلاغه، ص ۳۰.

۲- نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۴۰۶، خطبه ۱۳۱. ۳- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴- ر. ک. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۶۸؛ مفردات راغب، ص ۵۵؛ مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۲۵؛ تاج‌العروس ماده اعراف (۷)، آیه ۱۳.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۶- یونس (۱۰)، آیه ۱۰.

۷- مریم (۱۹)، آیه ۲۸.

و در اصطلاح دینی، به کسی «باغی» می‌گویند که از اطاعت امام عادل خارج شده دست به نافرمانی و یا غایگری زند و علیه او و حکومت اسلامی قیام مسلحانه نماید.<sup>۱</sup>

### شرایط تحقیق باغی

- ۱- بگات باید دارای انگیزه جرم باشند؛ یعنی با انگیزه عزل و برکناری امام عادل دست به قیام و شورش زده باشند.<sup>۲</sup>
- ۲- گروهی یا جمعی دست به شورش بزنند. البته باید این گروه بگات، از قدرت، شوکت و کثرتی برخوردار باشند که دفع شرشان و پراکنده ساختنشان جز از طریق جنگ مسلحانه امکان پذیر نباشد.<sup>۳</sup>
- ۳- قیامشان مسلحانه باشد و دست به شورش و عملیات مسلحانه علیه امام عادل و حاکم اسلامی زده باشند.

### احکام بگات

آنگاه که شرایط «بغی» در کسانی گرد آید، جنگ با آنان واجب می‌گردد تا یاکشته شوند و یا تسليم گردند و به دامان اسلام باز آیند.

اینک، چند نمونه از فتاوی فقیهان درباره چگونگی برخورد با بگات ذکر می‌شود. فقیهان، برای چگونگی برخورد با بگات حکمی همسان دارند، و آن، قتال و جنگیدن با آنان است:

محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق). می‌نویسد:

با کسی که علیه امام عادل قیام کرده، قتال واجب است در صورتی که امام یا جانشین آن حضرت برای نبرد با بگات اعلان بسیج عمومی یا خصوصی دهد. تأخیر و تعلل در این فراغوانی، گناه کبیره محسوب می‌شود.

امام خمینی<sup>ره</sup>، ضمن باغی خواندن دولت عراق در تجاوز به ایران، قتال و جنگ با بگات را واجب می‌دانست:

اگر عراق در خاک ماست، به حسب قرآن کریم تجاوز کرد و فئه باغیه است و فئه باغیه را باید با او قتال کرد.<sup>۴</sup>

۱- ر.ک. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۲۲؛ سلسلة البنایع الفقهیہ، ج ۹، ص ۵۳ و ۲۶۷؛ ج ۳۱، ص ۵۰.

۲- دائرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۲۹۵.

۳- جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ کشف الغطاء، ص ۴۰۴، ج رحلی.

۴- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۷۴.

همچنین درباره حکم باغیان می‌فرماید:

اینهایی که به سرحدات حمله می‌کنند، ولو فرض کنیم که مسلمان هستند، لکن چون حمله کردند، دفاع واجب است و کشتن آنها تا دفعشان واجب است.<sup>۱</sup>

آیه شریفه‌ای که فقیهان برای مجازات باغیان به آن استناد کرده‌اند، این آیه است:

وَ إِنْ طَائِفَاتٍ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْتَلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَعْثَتْ إِحْدًا هُنَّ عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا أَلَّا  
تَبْغِي حَتَّىٰ تَنْهَىٰ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاثَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَكْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُْسِطِينَ.<sup>۲</sup>

و هرگاه دوگروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ برخیزند، آنان را آشتی دهید و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، باگروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد و هرگاه بازگشت [و زمینه صلح فراهم شد]، در میان آن دو، به عدالت، صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

علام طباطبایی در این باره می‌گوید:

اگر یکی از دو طایفه مسلمانان به طایفه دیگر بدون حق ستم کرد، باید با آن طایفه که تعدی کرده قتال کنند تا به امر خدا برگرددند و دستورات الهی را گردن نهند؛ و اگر با قتال شما طایفه تجاوزگر سر جای خود نشست، و اول امر خدا را گردن نهاد، آن وقت در مقام اصلاح بین آن دو طایفه برآید، اما اصلاح تنها به این نباشد که سلاحها را زمین بگذارید و دست از جنگ بکشید، بلکه اصلاحی توأم با عدل باشد؛ به این معنی که احکام الهی را در مورد هر کسی که به او تجاوز شده - مثلاً کسی از او کشته شده، و یا عرض و مال او و یا حق او تضییع گشته - اجراء کنید، و حقی را که مستحق است، گرفته و به او بدهید و در همه امور عدالت را رعایت نمایید. برای این که خداوند عدالت گستران را به خاطر عدالت‌شان دوست دارد.<sup>۳</sup>

#### استناد حکم بفات به روایات:

در روایات معصومین علیهم السلام که فقیهان به آن استناد کرده‌اند، حکم بفات، جنگیدن با آنان است؛ چنان‌که روزی پیامبر خدا صلوات الله عليه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیهم السلام فرمود:

«ای علی! خداوند متعال، جهاد با فتنه‌گران را پس از من بر مؤمنان واجب کرده؛ چنان‌که

۱- همان، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

۲- حجرات (۴۹)، آیه ۹.

۳- المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱۸، ص ۴۶۹.

جهاد با مشرکان را در زمان من واجب ساخته است؟!» علی<sup>ع</sup> گفت: «يا رسول الله! کدام فتنه است که خدا ما را به ستیز با آن مکلف ساخته است؟» فرمود: «فتنه گروهی که به یگانگی خدا و رسالت پیامبر شهادت می‌دهند، ولی با سنت و روش من به مخالفت برخاسته، دین خدا را به بازی می‌گیرند.» پرسید: «چگونه با کسانی که شهادتین می‌گویند، بجنگم؟!» فرمود: «به دلیل ۱- بدعت‌هایی که در دین برمن نهند ۲- و به فرمان و دستور من پشت پا می‌زنند ۳- و ریختن خون فرزندان و خاندان‌را حللاً و جایز می‌شمارند.»<sup>۱</sup>

امام باقر<sup>ع</sup> می‌فرماید:

أَمْ أَنَّهُمْ أَعْظَمُ جُرْمًا مِّنْ حَارَبَ رَسُولَ اللَّهِ، قَبِيلَةٌ وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَأْتِيَنَّ رَسُولُ اللَّهِ؟ قَالَ: لَا يَأْتِيَنَّ أُولَئِكَ كَانُوا جَاهِلِيَّةً وَ هُؤُلَاءِ قَرُوْنَ وَ الْقُرْآنَ وَ عَرَفُوا فَضْلَ أَهْلَ الْفَضْلِ، فَاتَّوْا مَا أَتَوْا بَعْدَ الْبَصِيرَةِ.<sup>۲</sup>

اما اینان [بغات] جرمنشان از کسانی که با رسول خدا<sup>ع</sup> جنگیدند، سنگین‌تر و بزرگ‌تر است. سؤال شد چگونه؟ فرمود: چون آنان (مشرکان) از اهل جاهلیت بودند ولی اینان (بغات) قرآن می‌خوانند، به اهل فضل بصیرند، و بعد از شناخت حق دست به چنین اقدامی زند. (لذا مبارزه با اینها ایمانی قوی و نیرومند می‌طلبد، نیرویی بصیر که فریب ظاهرسازی باعیان را نخورد).

### أنواع بغي

با غیان بر دو گروه تقسیم می‌شوند که در مقررات جنگی باهم متفاوتند: «گروه ذو فته»؛ و «گروه غیر ذو فته».

**الف**- گروهی را که دارای تشکیلات و سازمان و فرمانده و رهبر و هسته مرکزی‌اند و رهبرشان نیروها را سازماندهی می‌کند و برای نبرد با امام عادل تجهیز می‌نماید، در اصطلاح دینی، «ذو فته» (=صاحب تشکیلات) می‌نامند؛ مانند گروه قاططین که معاویه را به عنوان رهبر و فرمانده برگزیده بودند و از او فرمان می‌بردند. بنابر نظر فقیهان، کشنن اینان و نیز فراریان و مجروه‌هانشان مباح است تا کاملاً متلاشی شوند و ریشه فساد بخشند.

**ب**- گروهی را که، امام و رهبر و هسته مرکزی ندارند یا در جنگ کشته شدند، تا در صورت شکست، دوباره سازماندهی شوند و نبرد را ادامه دهند، «غیر ذو فته» (=بدون تشکیلات) می‌نامند.

۲- همان؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۶۶، حدیث ۱۲۴۳۹.

۱- بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۲۹۷.

این گروه، جنگجویانشان کشته می‌شوند، ولی فراریانشان تعقیب نمی‌شوند و مجرو حائشان به قتل نمی‌رسند.

### احکام سباایا (اسیران زن و کودک)

زنان و کودکان باغیان (ذوقه و غیر ذوقه) به اسارت گرفته نمی‌شوند و کسی حق تعزض و آزار آنان را ندارد هر چند زنان، زبان به دشنام و بدگویی بگشایند<sup>۱</sup>؛ چون باغیان مسلمانند و در دارالهجره به سر می‌برند. سیره امیر مؤمنان<sup>۲</sup> در جنگ با قاسطین و مارقین و ناکشین نیز دلیل بر این مطلب است.

### احکام اموال باغیان

اموال شخصی باغیان، چه در میدان جنگ و چه در خانه‌هاشان، برای کسی حلال نیست.<sup>۳</sup> جز سلاح‌هایی که در میدان نبرد به غیمت در می‌آید یا اموالی که بگات به غارت برده‌اند.<sup>۴</sup> البته برخی از فقیهان غنیمت‌گرفتن اموال شخصی بگات را، که در میدان جنگ به جای می‌گذارند، جایز دانسته‌اند.<sup>۵</sup> ولی همه آنان به اتفاق، غنیمت‌گرفتن اموال پشت جبهه بگات را، اعم از منقول و غیر منقول، جایز نشمارده‌اند.

### قوانين و مقررات مربوط به بگات

۱- اتمام حجت: هدف از جنگیدن با بگات، بازداشت آنان از فساد و کجروری و هدایت است. از این رو، قرآن می‌فرماید: «فَاصْلُحُوا يَيْمَنَهُمْ»<sup>۶</sup>. چنانچه بگات نصیحت پذیرند، پیشمان شوند و توبه کنند و سلاح‌هایشان را بر زمین نهند و به دامن حکومت اسلامی بازگردند، جنگی صورت نخواهد گرفت.

سیره امیر مؤمنان<sup>۷</sup> در نبرد با باغیان چنین بود. آن حضرت، قبل از نبرد، آنان را به حق می‌خواند تا شاید دست از طغیان و آشوب بردارند و راه هدایت پیش‌گیرند و به مسلمانان بپیوندند. امام علی<sup>۸</sup>، در جنگ نهروان، بارها خود برای مارقین سخن‌گفت و سپس ابن عباس را فرستاد تا به پرسش‌هایشان پاسخ‌گوید و به حق دعوتشان کند که در نتیجه، گروهی بزرگ (حدود

۱- سلسلة البنایع الفقهیه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ نهج البلاغه، نامه ۱۴.

۲- سلسلة البنایع الفقهیه، کتاب تبصره، ج ۳۱، ص ۱۸۶.

۳- همان، ص ۵۰؛ جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۱۶ و ۲۶۷. ۴- همان، ج ۹، ص ۳۳۹.

۵- حجرات (۴۹)، آیه ۹.

هشت هزار نفر) از خوارج، دست از مخالفت با امام ع کشیده، متفرق شدند و به خانه‌هاشان بازگشتند.<sup>۱</sup>

فقیه بزرگوار شیخ حسن نجفی می‌نویسد:

بدون هیچ اختلافی میان فقهاء، هدایت و راهنمایی باگیان، پیش از نبرد، لازم است. یعنی

پاسخ به سوالات و شباهات آنان و زدودن ابهامات از ذهنشان. همچنان که امیر مؤمنان ع  
با باگیان چنین می‌کرد.<sup>۲</sup>

**۲- آغاز نکردن جنگ:** جبهه حق، دارای حجت و دلیل است؛ زیرا در حال دفاع از اسلام و جان و مال مسلمانان است. مسلمانان با تأسی به امیر مؤمنان ع به رغم محق بودن، جنگ با باگیان را آغاز نمی‌کنند. تا آنان آغاز کنند. و این از شرافتمدترین و انسانی‌ترین اصولی است که با رأفت و رحمت اسلامی عجین شده و مسلمانان به آن پایینندن.

امام علی ع می‌فرماید:

جنگ را شما آغاز نکنید تا آنان آغاز کنند. به حمد خدا، شما دارای حجت هستید و آغاز

نشدن جنگ از سوی شما، حجتی دیگر از سوی شما بر آنان است.<sup>۳</sup>

**۳- مهلت دادن:** هرگاه بغاた مهلت بخواهند تا درباره گفته‌ها و دعوت‌ها، اندیشه و رایزنی کنند، باید به آنان مهلت داد، ولی در این مدت، بر دولت اسلامی لازم است که آنان را کاملاً زیر نظر گیرد و مراقب تحرّکاتشان باشد. اگر میل به بازگشت و اطاعت در آنان دیده شود، یا برای رفع شباهه‌ها، به مذاکره و تحقیق نیاز افتاد، نباید از همکاری دریغ ورزید، ولی در صورت فریبکاری در پوشش مهلت خواهی، اگر بخواهند به تقویت نیرو و جمع آوری امکانات و تجهیزات بپردازند، باید چنین فرصتی را از آنان گرفت.<sup>۴</sup>

**۴- استفاده نکردن از سلاح‌های کشتار جمعی:** جنگیدن با بغاた بهوسیله سلاح‌های کشتار جمعی در آیین الهی، عملی ناپسند است، مگر آن که ضرورت و اضطراری در کار باشد. چون مقاتلین و کسانی که سلاح به دست می‌گیرند و به مقابله با نظام اسلامی قیام می‌کنند، مستحق مجازات هستند، البته استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی اختصاصی به جنگ با باگیان ندارد. در همه جنگ‌ها جاری است.

۱- مبسوط، شیخ طوسی، ج ۷، ص ۲۶۵ - ۲۶۶ . ۲- جواهر، ج ۲۱، ص ۳۳۴ .

۳- نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۷۳، نامه ۱۴ .

۴- ر.ک. فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج ۳، ص ۱۷؛ تذكرة الفقهاء، علامه حلبی، ج ۹، ص ۴۲۱ .

علّامه حلبی می‌نویسد:

هرگاه دفع بغات جز با جنگ و قتال میسر نشود، قتل آنان واجب است. ولی نه با سلاح‌های کشتار جمعی چون: آتش، منجنیق و غرق کردن با آب. زیرا هدف از قتال، پراکنده ساختن جمع بغات و بازگرداندن آنان به اطاعت (امام) است و (به کار بردن) آتش موجب هلاک آنان می‌شود، و دامنه اش غیر مقاتلین رانیز می‌گیرد. البته در حال اضطرار استفاده از این سلاح‌ها مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

### بغات در گذر تاریخ حکومت اسلامی

همواره در دوران حکومت اسلامی، گروه‌هایی بوده‌اند که عدالت اجتماعی را تاب نمی‌آورده و در پی خواسته‌ها و منافعی بوده‌اند که در حکومت اسلامی به آن دست نیافته بودند. اینان، از روی آگاهی یا ناآگاهی، علیه حکومت اسلامی دست به شورش زده و خواسته یا ناخواسته، سدی در راه پیشرفت اهداف حکومت اسلامی شده‌اند. و همان راهی را پیش گرفته‌اند که دشمنان اسلام در پیش گرفته‌اند. چنین کسانی، در حقیقت، با اعمال و گفتار خویش، مجری اهداف دشمنان اسلام بوده‌اند.

در تاریخ اسلام، نخستین گروه بغات و شورشگران علیه حکومت اسلامی، گروه بغات در زمان حکومت امیر مؤمنان<sup>۲</sup> بودند که با عناوین قاسطین، ناکشین و مارقین، خوانده می‌شوند. اینان، با شعارهای ظاهر فریب، حدود پنج سال، چرخه پیشرفت حکومت اسلامی را کنده‌کردن و سرانجام، چراغ پر فروغ عدالت را خاموش ساختند و بدین وسیله زمینه را برای پاگرفتن حکومت ستمگران و باطل گرایان و به قدرت رسیدن دشمنان اسلام، فراهم ساختند. تنها، امیر مؤمنان<sup>۲</sup> در نبرد با بغات پیشگام بود و بدون هیچ‌گونه تردید و اغماض و مسامحه‌ای به دفع این فتنه گران برخاست و برای زدن گردن کسانی که در دین خدا بدعت نهاده و میان مسلمانان به فساد و فتنه گری پرداخته بودند و قصد براندازی حکومت اسلامی را داشتند، شمشیر از نیام برکشید. آن حضرت فرمود:

آگاه باشید، خداوند مرا دستور داده با تجاوز کاران و بیمان‌گسان و تبهکاران در زمین پیکار کنم. اما با پیمان شکنان (اصحاب جمل) جنگیدم و با از حق بیرون شدگان، (اصحاب صفين) ستیز کردم و دین بیرون شدگان (خوارج نهروان) را زیون ساختم.<sup>۳</sup>

۲ - همان، خطبه ۱۹۲.

۱ - تذكرة الفقهاء، ج ۹، ص ۴۱۶.

از این رو، سیره آن حضرت در مقابله و مبارزه با باغیان، برای ما حجّت است؛ همچنان که شافعی، پیشوای فرقهٔ شافعی، می‌گوید:

ما احکام باغیان را جز از گذر عملکرد علی<sup>۱</sup> نمی‌توانیم دریافت. علی<sup>۲</sup> با خوارج و اهل جمل جنگید، اما فراریان و زخمی‌هایشان را تعقیب نکرد. ولی در جنگ با شامیان و اهل صفّین<sup>۳</sup> چنین کرد.<sup>۴</sup>

### محاربان

کلمه «محارب» از ماده «حرب» به معنای غارتگر و جنگ‌کننده است.<sup>۲</sup> واژه‌های «حرب» و «محارب» در چند آیه از قرآن به معنای جنگ و جنگیدن آمده‌اند.<sup>۳</sup>

در اصطلاح فقه، «محارب» به کسی می‌گویند که با تیت ارعاب و ترسانیدن مردم و بر هم زدن نظم عمومی، اختلال در امنیت و آسایش همگانی، سلاح در دست گیرد. محارب، خواه با اسلحه سرد به محاربه برخیزد و خواه با سلاح گرم و خواه در شهر و خواه در جایی دیگر، تفاوتی در میان نیست. امام خمینی<sup>۵</sup> در معنای اصطلاحی محارب می‌فرماید:

محارب، آن کسی است که اسلحه‌اش را می‌کشد یا آن را تجهیز می‌نماید تا مردم را بترساند و می‌خواهد در زمین افساد کند. در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا غیر آن، شب باشد یا روز، و شرط نیست که از اهل ریبه [اهل فسوق و فجور] باشد، و مرد و زن در آن یکسان است.<sup>۶</sup>

### تفاوت محارب و باغی

۱ - محاربه از جرم‌های غیر سیاسی است مانند شرارت، ارعاب و ترسانیدن مردم، برخلاف باغی، که از جرم‌های سیاسی به شمار می‌رود مانند شورش و قیام علیه امام عادل.

۲ - محاربه می‌تواند به صورت انفرادی یا گروهی انجام گیرد، برخلاف باغی، که تنها به صورت گروهی امکان‌پذیر است.

۳ - برای مصدق یافتن محارب، مسلمان بودن شرط نیست، ولی باغی دارای ملیت اسلام است.

۱ - سیاست نظامی امام علی<sup>۷</sup>، ص ۱۵۰. ۲ - ترجمه منجد الطالب، ماده حرب.

۳ - ر. ک. مائده، آیه ۳۳ و ۶۴؛ بقره آیه ۲۷۹؛ محمد آیه ۴، انفال، آیه ۵۷؛ توبه آیه ۱۰۷.

۴ - تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲، م ۱، ۲.

۴- چنانچه محارب پس از دستگیری و اسارت، در محضر قاضی توبه کند، توبه‌اش پذیرفته نیست.<sup>۱</sup> اما باغی پس از اسارت، اگر ذوفنه نباشد و توبه کند، توبه‌اش پذیرفته می‌شود.

۵- کیفر محارب، یکی از چهار کیفر قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا برخلاف یکدیگر و تبعید است، برخلاف باغی که تنها باید با او جنگید و او را به قتل رسانید.<sup>۲</sup>

### اقسام محاربان

محاربان دارای اقسام و مصادیقی گوناگون، به شرح زیرند:

۱- اخلاق‌گران: هر کس مردم را به قصد بر هم زدن امنیت جامعه، به جنگ و کشتار با یکدیگر أغوا و تحریک کند و این کار، -هر چند در برخی موارد- موجب قتل گردد، یا باعث نهب و غارت شود، محارب است. در این حکم، تفاوتی نیست که او، خود، مستقیماً مرتکب جرم و جنایت یا غارت شود یا نشود.<sup>۳</sup>

۲- مفسدان فی‌الارض: کسانی که با تبهکاری، در زمین فساد می‌کنند، منکرات را رواج می‌دهند. ارزش‌های انسانی - الهی رازیز پای می‌گذارند، نظم عمومی و قوانین جامعه را نادیده می‌گیرند و به هر طریق می‌کوشند در جامعه ایجاد فساد و نامنی کنند، گروهی دیگر از محاربانند.

۳- اشرار مسلح: افرادی که با حمل و کشیدن اسلحه، با ایجاد رعب و وحشت در مردم، آزادی و امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند یا به کسانی که در برابر حکومت اسلامی ایستاده و قصد اخلال و براندازی دارند کمک می‌کنند، از مصادیق بارز محاربان محسوب می‌شوند؛ چنان‌که در قانون حدو د و قصاص آمده است:

ماده ۱۹۶: هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب می‌باشد.

ماده ۱۹۸: هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، تمام افراد و هوادارانی که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش مؤثر دارند، محاربند، اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.

ماده ۱۹۹: هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بپیزد و برای این منظور

۱- همان، ص ۴۹۳، م ۷.

۲- ر. ک. فقه سیاسی اسلام، ابوالفضل شکوری، ص ۲۳۵.

۳- حقوق جزای اختصاصی، محمد صالح ولیدی، ج ۲، ص ۱۷۲.

اسلحة و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند، محارب و مفسد فی الارض می‌باشند.

ماده ۲۰۰: هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کوادتا نماید و نامزدی او در تحقیق کوادتا به نحوی مؤثر باشد، محارب و مفسد فی الارض است.

**۴ - راهزنان و سارقان مسلح:** افرادی که مسلحانه امنیت جاده‌ها را بر هم می‌زنند و قصد راهزنی دارند یا به قصد سرقت و غارت اموالی، وارد خانه‌ای می‌شوند، از دیگر اقسام محارب محسوب می‌شوند؛ چنان‌که در قانون حدود و قصاص، ماده ۱۹۷ آمده است:

سارق مسلح و قطاع‌الطريق هرگاه با اسلحه، امنیت مردم و جاده را به هم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است.

**۵ - همکاری با دشمن:** کسانی که به نوعی با دشمنان حکومت اسلامی همکاری می‌کنند و آنان را برای ضربه زدن به نظام یاری می‌دهند، محاربند؛ چنان‌که در قانون مجازات اسلامی، ماده یکم، آمده است:

هر کس با دول خارجه یا مأمورین آنها برای عداوت و جنگ با دولت جمهوری اسلامی ایران اسباب چینی کند یا به اسباب چینی داخل شود که عادتاً منجر به جنگ با دولت جمهوری اسلامی می‌گردد، محارب محسوب می‌شود، اما اگر اسباب چینی به صورتی باشد که عادتاً منجر به جنگ نشود، ولی سبب زیان دولت جمهوری اسلامی ایران گردد، به عنوان تعزیر از یک تا ده سال زندان محکوم می‌شود.<sup>۱</sup>

همچنین، همکاری و مساعدت با دشمن و قدرت‌های بیگانه در زمان جنگ یا زمان صلح که امنیت کشور را به مخاطره اندازد و به زیان مملکت تمام شود.<sup>۲</sup>

---

۱ - حقوق جزای اختصاصی، گلدوزیان، ج ۱، ص ۳۳۱. ۲ - همان، ص ۳۲۸.

## خلاصه فصل

دفاع، به معنای دفع و حمایت است و جهاد دفاعی، به معنای حفاظت از کیان اسلام و جان و مال و ناموس مسلمانان در برابر تهاجم دشمنان خارجی و داخلی.

دفاع از موضوعات ضروری است که در نهاد تمامی موجودات نهفته است. دفاع، موجب حفظ دین و توحید و مراکز یکتاپرستی است و اهدافی را دنبال می‌کند، از قبیل حفظ آیین الهی، دفع تجاوز دشمن، حفظ امنیت، مبارزه با عناصر فساد و گمراهی.

دفاع، مقید به تمام قیود و شروط جهاد نیست.

دفاع، واجب کفایی است و چنانچه گروهی به قدر کفایت به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط است. در قرآن و روایات، نکاتی درباره دفاع آمده است، از قبیل اذن دفاع به مظلومان؛ اگر دفاع ترک شود، فساد گسترده زمین را پر خواهد کرد و مراکز عبادت و خداپرستی نابود خواهد شد؛ کسانی که در دفاع سستی می‌کنند، ذلت و خواری دامنگیر آنان خواهد شد.

بغات و مت加وزان، کسانی هستند که از حد اعتدال خارج می‌شوند و علیه امام عادل قیام می‌کنند. به دستور امام، جهاد علیه باغات تکلیف شرعی است. شرایط باغات آن است که با انگیزه برکناری امام عادل یا جانشین اش، قیام کنند، گروهی دارای قدرت و شوکت باشند و قیامشان به صورت جمعی و مسلح‌انه باشد. مخالفت‌های شخصی، ملاک بگنی نیست. کیفر باغات، قتل یا تسليم حق شدن است. امام علی علیه السلام فرموده است: «در برخورد با باغات دو راه بیش ندارم: یا با آنان بجنگم، یا به آنچه خداوند بر پیامبرش نازل کرده است، کافر شوم!»

بغات دو گروهند: ذوفئه که دارای هسته مرکزی و تشکیلات هستند و غیر ذوفئه که تشکیلات و سازمانی ندارند؛ مانند خوارج. فراریان و مجروحان گروه ذوفئه برخلاف گروه دوم تعقیب می‌شوند. در جنگ با باغات نخست باید آنان را به حق دعوت کرد تا اتمام حجت شود و برای رایزنی به آنان مهلت داده و از سلاح‌های کشتار جمعی جز در موارد اضطراری، نباید استفاده کرد و زنان و کودکانشان را نمی‌توان به اسیری و اموال شخصی شان را به غنیمت گرفت. باغات در زمان امیر مؤمنان علیه السلام پدید آمدند و سیره امام علی علیه السلام در برخورد با آنان برای ما، گونه‌ای حجت است. در انقلاب اسلامی، گروههای ضد انقلاب علیه حکومت اسلامی دست به سلاح برداشت و شورش کردنکه حکم باغات بر آنان نیز جاری است. محاربان کسانی هستند که با حمل و کشیدن سلاح موجب ارتعاب و هرج و مرج جامعه می‌شوند و به راهنمی و ترور می‌پردازند. دفاع در برابر اینان، واجب است.

فرق اساسی محارب با باغی عبارت است از: جرم محارب، غیر سیاسی است و جرم باغی، سیاسی؛ محاربه می‌تواند به صورت انفرادی و جمعی باشد و بگنی به صورت جمعی امکان پذیر است.

در محاربه شرط مسلمان بودن یا نبودن لازم نیست، ولی باغی دارای ملیت اسلام است، توبه محارب پس از دستگیری پذیرفته نیست، برخلاف باغی غیر ذوقئه که توبه‌اش پذیرفته است. محارب یا به اقرار خود شخص و یا شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. چهار نوع کیفر محارب عبارت است از: قتل، آویختن به دار، قطع دست راست و پای چپ و تبعید. محاربان، عبارتند از اخلالگران، مفسدان فی الارض، اشرار مسلح، راهزنان، سارقان مسلح و کسانی که با دشمن همکاری می‌کنند.

### پرسش

- ۱- معنای دفاع را در لغت و اصطلاح بنویسید.
- ۲- به سه هدف از اهداف دفاع اشاره کنید.
- ۳- اقسام دفاع را بنویسید.
- ۴- آیه‌ای درباره دفاع بنویسید.
- ۵- شرایط تحقق بگویی را بنویسید.
- ۶- اقسام بغات و احکام هر یک را بنویسید.
- ۷- معنای محارب را در لغت و اصطلاح بنویسید.
- ۸- فرق محارب با باغی چیست؟

## فصل پنجم

# عوامل پیروزی و شکست

عوامل پیروزی و شکست بر «عوامل مادی» و «عوامل معنوی» تقسیم پذیر است.

### الف - عوامل مادی

#### ۱ - نیروی انسانی (= فرمانده و فرمانبر)

الف - فرمانده: نقش فرمانده و رهبر در اداره امور سپاهیان و جنگ بر کسی پوشیده نیست. سپاهیان هر چند از نظر کمی و کیفی در سطحی بالا باشند، بدون فرمانده و اجد شرایط، به دشواری می توانند به اهداف خویش نایل آیند.

سیره معمومین ﷺ، گویای ضرورت وجود فرمانده در جنگ است. رسول خدا ﷺ در همه نبردهایی که به طور مستقیم شرکت می نمود، خود، فرماندهی را بر عهده می گرفت، در غیر این صورت، فرماندهی لایق برای نیروها نصب می کرد.

پیامبر ﷺ می فرمود:

إِذَا حَرَجَ ثَلَاثَةٌ فِي سَفَرٍ فَأَيُّوهُمْ رُواً أَحَدَهُمْ<sup>۱</sup>

چون سه نفر به سفر می روند، یک نفر را از میان خود، امیر و فرمانده کنند.

ب - فرمانبو: فرد نظامی، باید در بالا بردن توان رزمی خویش بکوشد و عواملی از قبیل آموزش، تربیت بدنی، کارآموزی و کسب تجربه، جدیت و تلاش، اطاعت پذیری در رشد او مؤثر است.

اطاعت از فرمانده، از موضوعات مهم کارهای جمعی به ویژه نظامی است. چنانچه فرد نظامی،

۱ - سنن ابن داود، کتاب جهاد، حدیث ۸۰

از دستورهای فرمانده، سر باز زند، افزون بر این که به مسؤولیت‌های خود عمل نکرده، افراد دیگر رانیز از تلاش و تحرّک بازمی‌دارد.

امام علی<sup>علیه السلام</sup> می‌فرماید:

**آفَةُ الْجُنُدِ مُخَالَفَةُ الْقَادِيٍّ.<sup>۱</sup>**

آفت لشکر، مخالفت با فرماندهان است.

## ۲ - تدبیر عملیاتی

تدابیر عملیاتی، شامل طرح و برنامه، اطلاعات و حفاظت اطلاعات، سازماندهی و تاکتیک‌ها است. که توجه و دقیقت در به کارگیری صحیح این موارد، به حصول پیروزی مدد می‌رساند.

**الف** - داشتن اطلاعات صحیح از دشمن و پرورش کامل و انتشار به موقع آن، بارعایت اصول حفاظت اطلاعات، افزون بر افزایش توان رزمی و بالا بردن درصد پیروزی، فرماندهی را در انجام عملیات موفق، یاری می‌دهد.

پیامبر<sup>صلوات الله عليه وسلم</sup> در بیشتر جنگ‌ها، با استفاده از اطلاعات دقیق و حفاظت اطلاعات دشمن را غافلگیر می‌ساخت و این موفقیت مرهون اطلاعات دقیقی بود که از دشمن به دست می‌آورد و در حفاظت اطلاعات نیز می‌کوشید. آن حضرت به فرماندهان سفارش می‌کرد که از کسب اطلاعات توسط مأموران اطلاعاتی<sup>۲</sup> غافل نماند؛ مثلاً در جنگ ذات‌السلاسل، به علی<sup>علیه السلام</sup> فرمود:

**لَا يُفَارِقُكَ الْعَيْن.<sup>۳</sup>**

از نیروهای اطلاعات غافل نمانی.

**ب** - طرح و عملیات‌کمک بسیار مهمی به فرمانده است و عبارت است از: روشن یا تدبیری که برای انجام یک عمل اتخاذ می‌شود.<sup>۴</sup>

در برنامه‌ریزی، باید بازشناختن موضوع، جمع آوری اطلاعات، تهیه و تنظیم مفروضات با توجه به توان و استعداد و امکانات موجود، گزینش هدف، تعیین خط مشی اجرا و تهیه برنامه زمانی اجرا، کاملاً مورد دقت قرار گیرد.

**ج** - سازماندهی، عبارت است از گروه‌بندی مناسب عناصر یک یگان و قرار دادن آن‌ها تحت

۱ - میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۱۱.

۲ - «عيون»، جمع «عين». (= چشم) است و به نیروهای اطلاعاتی که چون چشم فرماندهاند گفته می‌شود.

۴ - فرهنگ واژه‌های نظامی، محمد کاظمی.

۳ - بحار، ج ۲۱، ص ۷۵.

امر فرماندهی‌های تابعه و دیگر قرارگاه‌های کنترل کننده، به گونه‌ای که بتوانند مأموریت محوّله را به خوبی انجام دهند.<sup>۱</sup>

د - به کارگیری تاکتیک‌های نو و استفاده شایسته از اصول جنگ، فرمانده را در کسب پیروزی کمک می‌کند. در جنگ احزاب، وقتی عمرو بن عبدود در برابر امام علی<sup>ؑ</sup> ایستاد و نبرد آغاز شد، حضرت به او فرمود: «تو که جنگجوی عربی، پس چرا با کمک دیگران به نبرد من آمده‌ای؟» همین که عمرو به عقب نگاه کرد، علی<sup>ؑ</sup> با یک ضربه سریع، دو ساق پایش را قطع کرد و عمرو میان گرد و غبار به زمین افتاد. پیامبر<sup>ص</sup> به علی<sup>ؑ</sup> فرمود: «با او حیله کردی؟» عرض کرد: «آری یا رسول الله. جنگ، خدעה است.»<sup>۲</sup>

### ۳ - پشتیبانی و تجهیزات

بی‌گمان هیچ سپاهی بدون تجهیزات و همچنین پشتیبانی و تدارکات قادر به ادامه حیات خود نیست و در مقابله با دشمن ناتوان است. از این رو، قرآن با آیه اعدوا...<sup>۳</sup> و فرمان به جهاد مالی مسلمانان را به تهیه نیازمندی‌های خود از نیرو و سلاح و امر پشتیبانی فرمان می‌دهد. همچنین، تدارکات جبهه و کمک‌های مردمی و پشتیبانی نقش مهمی در روحیه رزمندگان و تداوم عملیات و پیروزی‌ها دارد.

### ب - عوامل معنوی

عوامل معنوی به گونه‌ای در پیروزی و کامیابی‌ها نقش ایفا می‌کنند، که به علت حجم گسترده آن‌ها، تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

#### ۱ - ایمان به خدا

ایمان به خداوند، سرچشمه توانایی، قدرت، پایمردی، دلیری، و اعتماد به نفس است و بزرگترین عامل پیروزی بر مشکلات محض می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَ لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزُنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.<sup>۴</sup>

وسیست نشود و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

۱ - فرهنگ واژه‌های نظامی، ذیل عنوان سازماندهی. ۲ - نعم یا رسول الله الحرب خدیعه. (بحار، ج ۲۰، ص ۲۲۸)

۳ - ر.ک. انفال (۸)، آیه ۶۰. ۴ - آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

در این آیه شریفه، جمله «و انتم الْأَعْلَوْنَ» بمنزله علت برای اندوهگین نشدن و سستی نکردن ذکر شده است؛ یعنی نباید از تأخیر پیروزی اندوهناک شوید؛ زیرا ایمان به خداوند، سرانجام شما را به پیروزی خواهد رساند.

## ۲ - صبر و پایداری

صبر و پایداری، موجب بالارفتن توان رزمی و ایجاد رعب در دل دشمن می‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَا تَنِينٍ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةً يَغْلِبُوا الْفَانِي...<sup>۱</sup>

اگر از شما بیست نفر صابر باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشید بر هزار نفر.

علی <sup>علی</sup> به نیروهایش که پاسخ مناسبی به دشمن داده بودند فرمود:

فَاصْبِرُوا أُتْرِدَتْ عَائِنِكُمُ السَّكِينَةُ.<sup>۲</sup>

مقاآمت کنید که سکینه (آرامش روحی) بر شما نازل شده است.

در روایات و آیات می‌خوانیم: «مؤمنانی که در مشکلات پایدار باشند، پاداش هزار شهید دارند»<sup>۳</sup> و یا «خداؤند پاداش صابران را بی حساب می‌دهد.»<sup>۴</sup>

## ۳ - توکل

شیرینی توکل را در «جبهه‌های نبرد حق علیه باطل» بیش از هرجای دیگر می‌توان چشید. گاهی این چنین است که اگر کسی از دیدگاه مادی به دو جبهه حق و باطل بنگرد و تجهیزات مادی دشمن را با تجهیزات جبهه حق مقایسه کند، نسبت معقولی بین آن دو مشاهده نمی‌کند. مانند: جبهه بدر، ولی اگر از دیدگاه «توکل کنندگان به خدا» نگاه کند، قوای اسلام را مجهز به کارسازترین تجهیزاتی خواهد یافت که جز برای مردان حق قابل درک نیست، و آن توکل و وکیل گرفتن خدا و تکیه به قدرت بی‌انتهای اوست. همچنانکه مؤمنان می‌گویند:

حَسِبْنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.<sup>۵</sup>

خداما را کافی است و خوب وکیلی است.

همچنان‌که امیر مؤمنان <sup>علی</sup> می‌فرماید:

۱- انفال (۸)، آیه ۶۵. ۲- نهج السعادة، ج ۲، ص ۲۰۷.

۴- زمر (۳۹)، آیه ۱۰.

۳- المیزان، ج ۵، ص ۲۶۳.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۱۷۳.

کسی که به خدا توکل کند، سختی‌های برايش هموار و اسباب لازم برای او فراهم می‌شود.<sup>۱</sup>  
البته، معنای توکل، کنار گذاشتن تلاش و تهیه وسایل، برنامه، محاسبه و امکانات مادی نیست.

#### ۴ - ذکر (= یاد خدا)

«ذکر» در لغت به معنای یاد کردن و به یاد بودن، در برابر غفلت به معنای فراموش و بی‌توجهی است. یاد خدا، غفلت را از قلب می‌گیرد و در شرایط سخت به آدمی آرامش قلب می‌بخشد:

یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا إِذَا لَقَيْتُمْ فِتْنَةً فَاثْبُوا وَإِذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا.<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید و خدار افراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!

امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید:

هنگام برخورد با دشمن در میدان جنگ، کمتر سخن‌گویید و خدا را بسیار یاد کنید.<sup>۳</sup>

#### ۵ - بصیرت و آگاهی

بصیرت و بینش ژرف رزم‌مندگان نسبت به مسائل دینی، سیاسی، اهداف جنگ و موقعیت دشمن، در پیروزی‌ها، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند؛ زیرا افرادی که با آگاهی و بصیرت دست به اقدامی می‌زنند، در به ثمر رسانیدن آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند. برخلاف کسانی که آگاهی ندارند و پیوسته در حال سرگردانی همراه با نگرانی و اضطراب به سر می‌برند. امیر مؤمنان ﷺ می‌فرماید:

همانا عمل کننده بی‌دانش، چون رونده در بی‌راهه است و چنین شخصی هر چه بیشتر می‌رود، از مقصود خوبیش بیشتر فالله می‌گیرد، اما کسی که از روی آگاهی، کاری انجام می‌دهد، چون رهروی است که در جاده روشن گام برمی‌دارد، پس شخص بنگرد آیا پیش می‌رود یا به عقب بازمی‌گردد.<sup>۴</sup>

قرآن‌کریم در سوره انفال، آیه ۴۶، عامل شکست کافران را ناآگاهی آنان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُفْهَمُونَ.

چون اینان قومی ناآگاه و بی‌تدبیرند.

۱ - همان، ج ۵، ص ۴۲۵.

۲ - انفال (۸)، آیه ۴۵.

۳ - میزان الحكمه، ج ۳، ص ۴۲۳.

۴ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۵۳.

## ۶- اتحاد و اختلاف

اتحاد و اختلاف نیروهای رزمی در کنار دیگر عوامل، از مهمترین عوامل پیروزی و شکست در نبرد محسوب می‌شود که به لحاظ این نقش حیاتی، قرآن تأکیدی فراوان بر اتحاد و پرهیز از اختلاف دارد<sup>۱</sup> و اتحاد و انسجام و فرمانبری نیروهای رزمی را رمز پیروی و اختلاف را عامل از میان رفتن توان نظامی معرفی می‌فرماید:

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَقَضَيْلُوا وَ تَذَهَّبُ رِجُلُكُمْ<sup>۲</sup>

و [فرمان] خدا و پیامبر را اطاعت کنید و نزاع [و کشمکش] نکنید، تأسیت نشوید، و

قدرت [و شوکت] شما از میان نروید!

امیر مؤمنان<sup>۳</sup> پیروزی ظاهری معاویه را مرهون اختلاف اصحاب خود و اتحاد و یکپارچگی یاران معاویه می‌داند و با گلهمندی می‌فرماید: غلبه نیروهای معاویه به دلیل اتحاد و همبستگی آنان در باطل و تفرقه شما در حق است.<sup>۴</sup>

## ۷- امدادهای غیبی

امدادهای غیبی در جبهه نبرد، از این گذر تجلی می‌یابد: نزول فرشتگان<sup>۵</sup>، باد و توفان<sup>۶</sup>، نزول باران رحمت الهی<sup>۷</sup>، کم جلوه کردن دشمن در نظر رزمندگان<sup>۸</sup>، نزول سکینه (=آرامش روحی) بر قلب مؤمنان<sup>۹</sup>، ایجاد رعب و هراس در دل دشمنان اسلام و کافران<sup>۱۰</sup>. البته، امدادهای الهی منحصر در این موارد نیست.

امدادهای الهی، بی‌جهت و بی‌حساب به منصه ظهور نمی‌رسند، بلکه شرایط و شایستگی رزمندگان اسلام را طلب می‌کنند؛ این شرط‌ها عبارتند از: صبر و پایداری،<sup>۱۱</sup> ایمان و پرهیزگاری<sup>۱۲</sup>، راز و نیاز و استغاثه به درگاه الهی<sup>۱۳</sup> و توکل<sup>۱۴</sup>.

۱- وَ اَعْتَصَمُوا بِحَجَلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَنْرَقُوا. [آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳]

۲- انفال (۸)، آیه ۴۶

۳- نهج السعاده، ج ۲، ص ۶۰۵

۴- ر. ک. توبه (۹)، آیه ۲۶؛ آل عمران (۳)، آیه ۱۲۴ و انفال (۸)، آیه ۱۲

۵- احزاب (۳۳)، آیه ۹

۶- انفال (۸)، آیه ۱۱

۷- همان، آیه ۴۴

۸- توبه (۹)، آیه ۲۶

۹- سَأَلْتُنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعبُ» [انفال (۸)، آیه ۱۱]

۱۰- آل عمران (۳)، آیه ۱۲۵

۱۱- محمد (۴۷)، آیه ۷

۱۲- انفال (۸)، آیه ۹

۱۳- آل عمران (۳)، آیه ۱۶۰

#### ۸- جنگ روانی

از نظر کارشناسان نظامی، سپاهی که بزرگترین خسارت‌ها را از حیث نفرات و سلاح بر دشمن وارد کند، پیروز نیست، بلکه سپاهی پیروز است که روحیه دشمن را در هم بشکند. از این رو، پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های کوشید روحیه دشمن را در هم بشکند و آنان را تسلیم خویش سازد و البته در این کار موفق نیز بود.

#### ج - موانع پیروزی

برخی کارها و پدیده‌ها آفت پیروزی‌اند به این‌گونه که موجب تضعیف روحیه، سستی نیروها و از میان رفتن زمینه امداد الهی می‌شوند، از قبیل دنیاطلبی، فرار و تخلّف از جنگ، خودباختگی در برابر تطمیع دشمن، اختلاف، عصیان و گناه. قرآن کریم می‌فرماید:

خداؤند وعدَةٍ خود را به شما، [دربارهٔ پیروزی بر دشمن در اُحد] تحقّق بخشید؛ در آن هنگام [که در آغاز جنگ] دشمنان را به فرمان او، به قتل می‌رسانید [و این پیروزی ادامه داشت] تا این‌که سست شدید و [بر سر رها کردن سنگرهای] در کار خود به نزاع پرداختید و بعد از آن که آنچه را دوست می‌داشتید [از غلبهٔ بر دشمن] به شما نشان داد، نافرمانی کردید و برخی از شما، خواهان دنیا بودند و برخی خواهان آخرت.<sup>۱</sup>

---

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۵۲.

## خلاصه فصل

عوامل پیروزی و شکست بر دو نوع تقسیم می‌شوند: عوامل مادی؛ و عوامل معنوی، عوامل مادی شامل نیروی انسانی، تدبیر عملیاتی و پشتیبانی و تجهیزات است. نیروی انسانی (= فرمانده و فرمانبر)، نفسی بسیار مهم در کابری دیگر امکانات و عوامل دارد. فرمانده کاردان و لایق، با داشتن فرمانبران شایسته و با ایمان و مطیع، خوب می‌تواند به اهداف خویش دست یابد.

تدابیر عملیاتی، از قبیل طرح و برنامه، اطلاعات و حفاظت اطلاعات، سازماندهی و تاکتیک‌ها، چنانچه با دقّت و ظرافت انجام شوند، نقشی کارساز در نیل به اهداف ایفا می‌کنند. برای کسب پیروزی، فرمانده باید از کسب اطلاعات و حفاظت آن غفلت نورزد و آسان از کنار سازماندهی نیروها و تاکتیک‌های نو نگذرد.

عوامل معنوی، نقش برتری در پیروزها ایفا می‌کنند؛ زیرا اسلام بر کیفیت‌ها تأکید دارد نه بر کمیت‌ها. ایمان به خداوند و قیامت، به آدمی آرامش قلب می‌دهد و دلهره و اضطراب را برطرف می‌سازد و در سختی‌های نبرد، غبار اندوه و سستی را می‌زداید.

صبر و پایداری، خمیر مایه وجود رزم‌مندۀ مسلمان است که اسلام بر آن تأکید فراوان دارد. قرآن، پیروزی یک نفر صابر را بر ده نفر از دشمنان و عده داده است و به گفته امام علیؑ انسان صبور هرگز پیروزی را از کف نمی‌دهد.

شیرینی توکل در حبّه‌های نبرد بیش از همه‌جادر کام می‌نشینند و «حسينا اللہ و نعم الوکيل»، در میان آتش و خون تجلی می‌یابد. انسان متوكّل هیچ‌گاه در برابر انبوه دشمنان مأیوس و مرعوب نمی‌شود؛ زیرا به قادر یکتا تکیه دارد. یاد خدا، غفلت را از دل می‌گیرد و در شرایط بحرانی، موجب آرامش می‌شود.

انسان بصیر، هیچ‌گاه هدف را گم نمی‌کند و از تلاش بازنمی‌ایستد. جنگ با بسیاری سپاهیان و تجهیزات به پیروزی نمی‌رسد، بلکه پیروزی، بر بصیرت استوار است. اتحاد و اختلاف، از عوامل مهم شکست و پیروزی هستند. آن جا که وحدت بر نیروها سایه افکند، پیروزی نیز آغوش می‌گشاید و آن جا که اختلاف پدیدار است، شکست پنجه درمی‌افکند. امدادهای الهی در شرایط بحرانی، نجات‌بخش رزم‌مندگان است، ولی باید شرایط نزول آن را فراهم ساخت.

جنگ روانی، روحیۀ دشمن را تخریب می‌کند و سپاهی پیروز است که بتواند با بهره جستن از شیوه‌هایی کارساز، روحیۀ دشمن را درهم بشکند. عواملی چون گناه، نافرمانی، دنیاطلبی، سستی و... سپاهیان را دچار شکست می‌کند.

## پرسش

- ۱- عوامل پیروزی و شکست بر چند قسم است؟
- ۲- امیر مؤمنان علیه السلام درباره اطاعت از فرمانده چه می‌فرماید؟
- ۳- ایمان به خدا، چه نقشی در پیروزی دارد؟
- ۴- «ذکر» را معنا کنید و برای نقش آن آیه‌ای از قرآن بنویسید.
- ۵- بصیرت از دیدگاه امام علی علیه السلام را تشریح کنید.
- ۶- اختلاف و اتحاد چه تأثیری بر شکست و پیروزی دارند؟
- ۷- شرایط امدادهای غیبی را بنویسید.
- ۸- از نظر قرآن، چه چیزهایی موجب شکست می‌شوند؟

## فصل ششم

# راههای پایان جنگ

برای پایان بخشیدن به جنگ به صورت موقت یا دائم راههایی چون امان، هدنه، ذقه، اسلام، تسلیم شدن دشمن و تحکیم مطرح است که در زیر به شرح آن‌ها خواهیم پرداخت.

### ۱ - امان

کلمه «امان» از مصدر «امن»، ضد خوف و ترس<sup>۱</sup>، به معنای قراردادی است میان دولت اسلامی و کفار، که می‌تواند یکی از راههای پایان جنگ به صورت موقت باشد.  
هنگام درگیری و مبارزه، اگر فرد یا گروهی از دشمن بخواهند درباره اسلام تحقیق کنند و حق را بشناسند، میان آنان و مسلمانان «قرارداد امان» منعقد می‌شود پس از تحقیق، اگر حق برایشان روشن شود و اسلام را پذیرند، چون دیگر مسلمانان با آنان رفتار می‌شود.  
و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدار بشنود [و در آن بیندیشد]<sup>۲</sup>! سپس او را به محل آمنش برسان؛ چراکه آنان گروهی ناگاهند!<sup>۳</sup>

#### چه کسی می‌تواند امان دهد؟

افزون بر امام ﷺ یا جانشین آن حضرت، سربازان و سپاهیان اسلام نیز در صورتی که به مصلحت باشد، اجازه دارند به افرادی از دشمن امان دهند و فرمانده سپاه نیز موظف است آن را محترم بشمارد. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ تَكَافَأُ دِمَائُهُمْ وَ يَسْعُى بِذِمَّتِهِمْ أَذْنَاهُمْ<sup>۴</sup>

برخی مؤمنان، هم کفویکدیگرند، خونشان با هم برابر است و ضعیفترین آنان می‌تواند

۱- لسان العرب، ج ۱، ص ۲۲۳، آیة ۶

۲- توبه (۹)، آیة ۶

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۵۵۵، ح ۲

پیمان بینند [که همه آنان موظف به وفای به آند].

### بصویت مستأمن

کسی حق ندارد شخص امان داده شده را به قتل برساند یا متعرض خانواده و همراهانش شود. این عمل، در اسلام ناپسند و نارواست؛<sup>۱</sup> چنان‌که امام علیؑ فرموده است:

هرگاه کسی، دیگری را امان دهد، سپس او را به قتل برساند، من از قاتل بیزارم، هرچند مقتول، در دوزخ باشد.<sup>۲</sup>

### شرایط امان‌دهنده

امان‌دهنده باید مسلمان، بالغ، عاقل و مختار باشد. ولی تفاوتی نیست که او، برده باشد یا آزاد، زن باشد یا مرد.<sup>۳</sup> آم‌هانی (از زنان صدر اسلام) در روز فتح مکه، به مشرکی امان داد و پیامبر ﷺ آن را پذیرفت.<sup>۴</sup>

### شرایط امان‌گیرنده

همه کفار حربی (= اهل کتاب و غیر اهل کتاب)، که در جنگ علیه مسلمانان حضور دارند، می‌توانند امان بگیرند، اما باغات و محاربان، که در دارالاسلام هستند و علیه امام عادل شورش می‌کنند، از موضوع امان خارجند.

### شرایط امان

۱- امان باید به مصلحت مسلمانان باشد و هیچ‌گونه مفسدہ‌ای نداشته باشد.<sup>۵</sup>

۲- امان، موقت است نه دائم.<sup>۶</sup>

۳- امان، صیغه‌ای ویژه ندارد و با هر لفظ و نوشته و کنایه‌ای منعقد می‌شود.<sup>۷</sup>

## ۲ - هُدَنَة

کلمه «هُدَنَة» به معنای آرامش و مصالحه و متارکه جنگ<sup>۸</sup> و در اصطلاح فقه، به معنای منعقد کردن قرارداد «ترک جنگ» برای مدتی معین است.<sup>۹</sup>

۱- سلسلة الينابيع الفقهية، كتاب شرائع، ج ۹، ص ۲۰۵. ۲- وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۱.

۳- منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۷۷ و ۳۷۸. ۴- سلسلة الينابيع الفقهية، كتاب مهذب، ج ۹، ص ۸۶.

۵- همان، ص ۱۰۰. ۶- تذكرة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷.

۷- سلسلة الينابيع الفقهية، كتاب شرائع، ج ۹، ص ۲۰۵؛ منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۳۷۸.

۸- لسان العرب، کلمه هدنة؛ نهاية ابن اثیر. ۹- سلسلة الينابيع الفقهية، كتاب شرائع، ج ۹، ص ۲۱۵.

قرآن کریم می فرماید:

وَ إِنْ جَنَحُوا لِلّٰهِ فَأَجْنِحْ لَهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ<sup>۱</sup>

و اگر آنان پیشنهاد صلح کردند، به آن تمایل نشان ده و بر خدا توکل کن، که او شنوا و داناست.

صلح حدیبیه در تاریخ اسلام، که منشأ برکاتی بسیار گشت، از نوع صلحی بود که پیامبر ﷺ با مشرکان امضا کرد.

### ۳ - قرارداد ذمه

«ذمه»، قراردادی است که میان مسلمانان و اهل کتاب (= یهودیان، مسیحیان و زرتشیان) برای پایان دادن به جنگ، منعقد می شود مبنی بر حاکمیت دولت اسلامی و پذیرش قوانین حکومت اسلامی و برخورداری از زندگی مسامتمت آمیز و امتیت جانی، مالی و ناموسی، در برابر پرداخت جزیه؛ چنان که خداوند می فرماید:

باکسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده، حرام می شمرند و نه آیین حق را می پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسليم، جزیه را به دست خود بپردازنند!<sup>۲</sup>

### ۴ - اسلام

یکی دیگر از راههای پایان جنگ، پذیرش اسلام از سوی کفار است. در این صورت، همه کسانی که مسلمان می شوند، به عنوان مسلمان در حاکمیت دولت اسلامی قرار گرفته و از تمام مزایا برخوردار می گردند؛ چنان که قرآن می فرماید:

فَإِنْ ثَابُوا وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَتُوا الزَّكَاةَ فَخَلُوا سَبِيلَهُمْ...<sup>۳</sup>

وقتی ماههای حرام پایان گرفت، مشرکان راه را یافتید به قتل برسانید، و آنان را اسیر و محاصره کنید و در کمینگاه، بر سر راهشان بنشینیدا هرگاه توبه کنند و نماز برا پای دارند و زکات بپردازنند، رهایشان سازید؛ زیرا خداوند آمرزند و مهریان است.

۱- انفال (۸)، آیه ۶.

۲- توبه (۹)، آیه ۵.

## ۵ - تسلیم شدن دشمن

یکی دیگر از راههای پایان یافتن نبرد، تسلیم شدن دشمن است. به صورت مشروط یا بدون قید و شرط. در زمان رسول خدا<sup>علیه السلام</sup>، در چند نبرد دشمن خود را تسلیم کرد و پیامبر اکرم<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> درباره آنان تصمیم گرفت. به عنوان مثال طایفه یهود بنی قینقاع، در جنگ، پس از محاصره شدن و بی شمر یافتن مقاومت، خود را بی قید و شرط تسلیم لشکر اسلام کردند و پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> درباره آنان تصمیم گرفت که از مدینه خارج شوند.

## خلاصه فصل

«امان»، قرارداد مؤقتی است که به درخواست کفار در حال جنگ، میان آنان و دولت اسلامی بسته می‌شود. امام<sup>ؑ</sup> و جانشین آن حضرت و سربازان اسلام می‌توانند در چارچوب مقررات اسلامی، امان دهنده.

امان دهنده باید مسلمان، بالغ، عاقل و مختار باشد، و مستأمن [کسی که امان می‌گیرد] مصونیت جانی، مالی و ناموسی دارد و کسی حق تعزّزض به او را ندارد.

«هدهنه» یعنی قرارداد آتش‌بس مؤقت، که طرفین جنگ برای مذکوری معین آن را امضا می‌کنند. قرارداد ذمّه، قراردادی دائم است که میان مسلمانان و اهل کتاب منعقد می‌شود و اهل کتاب بنابر شرایطی، ضمن پرداخت جزیه به دولت اسلامی، از زندگی مسالمت‌آمیز، امنیت و مزایایی دیگر در کنار مسلمانان برخوردار می‌شوند.

در صورت گرویدن کفار به اسلام، یا تسلیم شدن آنان به صورت مشروط یا غیر مشروط، نبرد پایان می‌پذیرد.

## پرسش

۱- چه کسی می‌تواند امان دهد؟

۲- شرایط امان را بنویسید.

۳- هدهنه چیست؟

۴- آیه‌ای از قرآن درباره هدهنه بنویسید.

۵- قرارداد ذمّه میان چه کسانی است؟

۶- اهل ذمّه در برابر پرداخت جزیه از چه مزایایی برخوردارند؟

۷- دو راه از راههای پایان جنگ را توضیح دهید.

## فصل هفتم غنایم و اسیران

### ۱ - غنائم جنگی

کلمه «غニمت»، به هر نوع درآمد و فایده‌ای اطلاق می‌شود. چه، از راه کسب و بازرگانی و تجارت به دست آید و چه از طریق جنگ و نبرد مسلحانه.<sup>۱</sup> و در اصطلاح علم فقه، غنیمت جنگی به اموالی گفته می‌شود که نیروی نظامی با قهر و غلبه در جنگ از کفار گرفته باشد اعم از اموال منقول و غیر منقول و سلاح و تجهیزات.<sup>۲</sup>

امام خمینی درباره غنیمت می‌فرماید:

آنچه که تحت ید و استیلای دشمن است، حکم غنیمت دارد، مگر آن که محرز شود که از سابق غارت کرده‌اند.<sup>۳</sup>

### شرایط غنایم

اموالی که از دشمن به دست نیروهای اسلام می‌افتد، در صورتی حکم غنیمت بر آن جاری می‌شود که شرایط لازم را دارد. این شرایط از نظر امام خمینی عبارتند از:

۱- غنیمت از اهل حرب باشد؛ یعنی از کسانی که خون، اموال و اسیر کردن کودکان و زنانشان در جنگ، حلال و جایز است.

۲- جنگ با اجازه امام صورت گرفته باشد.

۳- غنایم با قهر و غلبه بر دشمن به دست آمده باشد.

۴- اموالی که بدون اذن امام به غنیمت گرفته می‌شود، اگر در حضور آن حضرت و امکان

۱- ر.ک. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۴۶؛ جمهرة العرب، ابن درید، ج ۳، ص ۱۵۲؛ قاموس قرآن و مفردات راغب.

۲- جواهرالكلام، ج ۲۱، ص ۱۴۷.

۳- استفتاءات، ج ۱، ص ۵۱۱.

گرفتن اجازه باشد، جزو انفال محسوب می‌شود و اما آنچه در حال غیبت آن حضرت و نبود امکان اجازه به غنیمت گرفته می‌شود، اقوی این است که خمس آن واجب است به خصوص اگر جنگ برای دعوت به اسلام بوده باشد.

۵- آنچه در حال دفاع از دشمنی که هجوم آورده، به غنیمت گرفته می‌شود، غنیمت محسوب می‌گردد و احتیاط آن است که خمس آن پرداخت شود.<sup>۱</sup>

### حکم غنایم

اموال به غنیمت گرفته شده از آن کیست؟ آیا متعلق به حاکم اسلامی است یا از آن رزمندگان و مجاهدان خواهد بود؟

در پاسخ باید گفت که غنایم بر دو بخش تقسیم می‌شوند:

۱- اموال منقول، که قابل حمل و نقل اند؛ ۲- اموال غیر منقول، که قابل حمل و نقل نیستند؛ مانند اراضی و ساختمان‌ها.

اموال منقول نیز بر دو قسم‌ند: اموالی که از نظر اسلام در ملکیت درمی آیند و تصرف در آن‌ها حلال و مباح است؛ و اموالی که از نظر فقیهان قابل تملک نیستند؛ مانند خوک، شراب و کتاب‌های ضالله (=گمراه کننده). این قسم غنایم، از نظر فقیهان، تحت عنوان غنایم قرار نمی‌گیرند و چون بالفعل مالیت ندارند، قابل تقسیم نیستند و بایستی معدهم گردند، مگر آن‌که دارای منفعت مباح و عقلایی باشند؛ مثلاً کتاب‌های ضالله را خمیر کنند، یا شراب را بگذارند تا سرکه شود. در این صورت، آن منفعت جزو غنایم به شمار می‌آید.<sup>۲</sup> اما غنایم مباح، که به ملکیت درمی آیند -مانند سلاح و تجهیزات و مرکب -طبق آیه قرآن، متعلق به خدا و پیامبر ﷺ هستند:

از تو درباره انفال [=غنایم] سؤال می‌کنند، بگو: «انفال مخصوص خدا و پیامبر است. پس، از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید و خصومت‌هایی را که در میان شماست، به کنار نهید و خدا و پیامبر را اطاعت کنید اگر ایمان دارید.»<sup>۳</sup>

به تصریح این آیه، همهٔ غنایم جنگی، متعلق به خدا و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان آن حضرت است و او به عنوان حاکم اسلامی، در هر جایی که مصلحت بداند، غنایم را به مصرف می‌رساند؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱- ر.ک. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۳۵۲، کتاب الخمس، مترجم، ج ۲، ص ۸۰.

۲- قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۵.

۳- انفال (۸)، آیه ۱.

غنایم جنگ بدر، مخصوص پیامبر ﷺ بود و او به عنوان بخشش، آن‌ها را میان رزمندگان تقسیم کرد.<sup>۱</sup>

اما آنچه در آیه ۴۱ سوره انفال آمده که یک پنجم غنائم جنگی را متعلق به خدا و پیامبر ﷺ و چهار پنجم را به رزمندگان اختصاص داده است، به گفته علامه طباطبایی، آیه کریمہ، نحوه مصرف و استفاده آن را بیان می‌کند؛ به این معنا که مجاهدان می‌توانند از چهار پنجم غنایم استفاده کنند.<sup>۲</sup> این سهم، در حقیقت، عطیه و تفضیل است که برای جبران گوشاهی از زحمات رزمندگان، از جانب پیامبر ﷺ به آنان داده شده است. و در اینجا، حاکم از حق خود به آنان بخشیده است.<sup>۳</sup>

#### محرومان از غنایم

دو گروه از غنایم محرومند: ۱- گروهی که سپاهیان را از جنگ با دشمن می‌ترسانند که آنان را «مُحْذِل» می‌نامند؛ ۲- گروهی که کثرت و نیرومندی دشمن را بازگو می‌کنند و موجب تضعیف روحیه نیروهای اسلام می‌شوند که «مُرْجِف» نامیده می‌شوند.<sup>۴</sup>

#### حکم اموال غیر منقول

اموال غیر منقول، مانند سرزمین‌های فتح شده و ساختمان‌ها، همه در اختیار امام و حاکم اسلامی قرار می‌گیرند و او هرگونه مصلحت بداند با آنها عمل خواهد کرد.<sup>۵</sup>

#### غنایم با غیان

اموالی که در جنگ‌های داخلی، از با غیان (=شورشگران) به غنیمت گرفته می‌شود، دو قسم است: قسمی که مربوط به تشکیلات نظامی است و به وسیله آن‌ها علیه امام عادل جنگیده‌اند، جزو غنایم محسوب می‌شود، ولی آنچه در خانه‌هایشان مانده و ملک شخصی است. به خودشان تعلق دارد.<sup>۶</sup>

#### انهدام غنایم

غنایم غیر قابل حمل که ممکن است مورد استفاده دشمن قرار گیرد، نابود می‌شود؛ چنان‌که از امیر مؤمنان عليه السلام روایت شده است:

۱- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۸۲. ۲- تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۰.

۳- ر.ک. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۸۲ و ۸۳. ۴- شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۶۱.

۵- جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۱۷۰.

۶- ر.ک. شرح لمعه، ج ۱، ص ۲۶۱؛ جواهر الكلام، ج ۲۱، ص ۳۴۰.

فِي الْعَنْيَمَةِ لَا يُسْتَطَاعُ حَمُّلُهَا وَ لَا إِخْرَاجُهَا مِنْ دَارِ الْمُشْرِكِينَ يُتَّلِّفُ...<sup>۱</sup>

غنايمى که نمى شود آن هارا حمل کرد، يا از سرزمين مشرکان خارج ساخت، باید از ميان روند.

### اسیران

کلمه «اسیر» به معنای گرفتار و در بند قید و زندان آمده است، و در اصطلاح به کسی می گویند که در جنگ به دست دشمن گرفتار شود. جمع آن «أُسراء»، «أُسارى» و «أَسْرَى» است.<sup>۲</sup> کلمه «سبی» به معنای اسیر گرفتن آمده است. غالباً کلمه «اسیر» برای مردان و لفظ «سبی» و «سبایا» برای زنان و کودکان به کار می رود.<sup>۳</sup>

### حکم اسیر گرفتن

- ۱- اسیر گرفتن پیش از عملیات، چون اسیر گرفتن دیده بانان، جاسوسان و عناصر اطلاعاتی و گروههای گشته از نظر اسلام جایز است.
- ۲- اسیر گرفتن در حین جنگ. امام صادق علیه السلام فرماید: هنگامی که آتش جنگ شعلهور است، اسیری که در این حال گرفته شود، حکم ش با امام است. امام اختیار دارد او را اعدام کند [یا تصمیمی دیگر گیرد].<sup>۴</sup>
- ۳- اسیر گرفتن پس از پیروزی؛ خداوند سبحان می فرماید: و هنگامی که با کافران در میدان جنگ رو به رو شدید، گردن هایشان را بزنید [و این کار را همچنان ادامه دهید] تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید [آن گاه با قیمانده دشمن را اسیر کنید] و سخت آنان را ببندید. سپس یا بر آنان منت گذارید [و آزادشان کنید] یا در برابر آزادی از آنان فدیه [=غرامت] بگیرید. [این برنامه ادامه یابد] تا جنگ پایان یابد.<sup>۵</sup>

### اقسام اسیران

- ۱- اسیران مرد؛
- ۲- اسیران زن و کودک؛
- ۳- اسیران بغات.

۱- دعائیم الاسلام، ج ۱، ص ۳۸۳.

۲- کافی، ج ۵، ص ۳۲.

۳- فرهنگ جامع نوین و فرهنگ عمید.

۴- لسان العرب والمنجد.

۵- محمد (۴۷)، آیه ۴.

### حقوق اسیران

اسیران جنگی در اسلام از حقوق و مزایایی برخوردارند که قوانین بین‌الملل به پای آن نمی‌رسد.  
 مهمترین این حقوق عبارتند از:

۱- کسی حق ندارد از روی کینه و انتقام‌جویی و خشم با اسیران رفتار کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

*إِشْتَوْصَوْا بِالْأَسْرَى خَيْرًا.*<sup>۱</sup>

بهترین رفتار را با اسیران داشته باشید.

۲- اسیران تأمین جانی دارند و کشتن آنان جز در موارد استثنایی، جایز نیست؛ چنان‌که پیامبر ﷺ در پایان جنگ حنین فرمود: «هیچ اسیری از دشمن نباید کشته شود.»

۳- باید به اسیر، آب و غذا داد؛ چنان‌که امام علیؑ می‌فرماید:

*إِطْعَامُ الْأَسْرِ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِ حَقٌّ وَاجِبٌ وَ إِنْ قَتَلْتُهُ مِنَ الْغَيْرِ.*<sup>۲</sup>

غذا دادن به اسیر و نیکی کردن به او، حقی است واجب، هر چند اسیری باشد که فردا اورا می‌کشی.

۴- در حد امکان باید مکان مناسب، لباس و امکانات رفاهی اسیر فراهم شود.

۵- اسیران مجروح، نیازی بیشتر به احسان دارند، از این رو، باید امکان درمان آنان را فراهم ساخت و برای به دست آوردن سلامتی شان کوشید.

### اسارت سربازان خودی

پیشوایان دینی، اسارت را جز در موارد اضطراری نکوهش کرده‌اند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرموده است:

*مَنِ اسْتَأْسَرَ مِنْ غَيْرِ جَرَاحَةٍ مُّثْقَلَةٍ فَأَئِنَّ مِنَّا.*<sup>۳</sup>

هر کس بی‌زخم کاری اسیر شود، از مانیست.

از این رو، براساس روایات، اگر شخصی بی‌زخم و در حال سلامت، تن به اسارت دهد، برای آزادی اش، باید از بیت‌المال وجهی پرداخت.<sup>۴</sup>

۱- الصحيح من سيرة النبي ﷺ، ج ۳، ص ۴۵۸.

۲- وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۶۹.

۳- همان.

۴- وسائل، ج ۱۱، ص ۶۴-۶۵.

### وظایف رزمندگان اسلام در اسارت:

فرد مسلمان، که به دلیل ایمان و عقیده و مکتب خویش با دشمنان اسلام جنگیده است، نباید سختی‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی دشمن، او را از وظایفش باز دارد. تکلیف اسیر مسلمان عبارت است از:

- ۱- استواری در عقیده و ایمان؛
- ۲- حفظ اسرار نظامی؛
- ۳- حفظ روحیه انقلابی؛
- ۴- مقاومت در برابر آزار و شکنجه‌های دشمن؛
- ۵- استفاده از فرصت‌ها، برای خودسازی، آموزش و تعلیم و تبلیغ دین اسلام.
- ۶- تلاش برای رهایی از چنگال دشمن.

## خلاصه فصل

«غニمت» به معنای درآمد است و در اصطلاح، غنائم جنگی به اموالی می‌گویند که با جنگ و غلبه از دشمن گرفته می‌شوند. غنیمت با «فیء» که مختص امام می‌باشد، متفاوت است. به غنیمت، انفال نیز می‌گویند. غنایم جنگی، دارای شرایطی است، از قبیل: جنگ با اهل حرب، اجازه امام و به وسیله قهر و غلبه و جنگ به دست آمده باشد.

غنایم بر دو قسمند: غنایم منقول، و غیر منقول. غنایم منقول نیز بر دو قسمند: غنایمی که از نظر اسلام به ملکیت مسلمانان درنمی‌آیند و تصرف در آن‌ها مباح نیست؛ چون شراب که از عنوان غنایم خارج است مگر آن که منفعت حلالی داشته باشد. یک چهارم غنایم منقول مباح، متعلق به خدا و پیامبر ﷺ است و چهار پنجم آن به عنوان بخشش از جانب رسول خدا ﷺ، برای جبران زحمات رزمندگان در سهم رزمندگان قرار می‌گیرد.

دو گروه، از سهم غنایم محرومند: گروهی که سپاه اسلام را از جنگ با دشمن می‌ترسانند (=مُخذل)؛ و گروهی که با بازگو کردن توان و کثرت دشمن، موجب تضعیف روحیه مسلمانان می‌گردند (=مرجف).

اموال غیر منقول - از قبیل سرزمین‌ها - در اختیار امام قرار می‌گیرند. غنایمی که از باغات به دست می‌آید، اگر در جنگ به کار آیند، جزو غنایمند و گرنه متعلق به خودشان است. غنایم غیر قابل انتقال، که احتمال استفاده دشمن از آن می‌رود، نابود می‌شود.

«اسیر» به معنای گرفتار است و به کسی گفته می‌شود که در جنگ به دست دشمن گرفتار آید. گرفتن اسیر، پیش و پس از جنگ، جایز است، اما در حین عملیات جایز نیست، جز در موارد استثنایی. اسیران بر سه قسمند: مردان؛ زنان و کودکان؛ و اسیران باغات.

سرنوشت اسیر به دست امام است. او اختیار دارد اسیر را با منت، یا با گرفتن فدیه آزاد کند، یا او را نگهدارد و به عنوان برده در اختیار مسلمانان قرار دهد و یا بفروشد. اسیران، در اسلام دارای حقوقی هستند و باید با آنان رفتاری انسانی - اسلامی داشت و به آنان آب و غذا و امکانات رفاهی داد و مجروه اشان را درمان کرد. اسیران تأمین جانی دارند.

هیچ رزمنده مسلمانی حق ندارد بدون زخم کاری خود را به دشمن تسلیم کند و اگر اسیر دشمن شود وظایفی دارد که باید بدان‌ها عمل نماید.

### پرسش

- ۱- معنای غنیمت را بنویسید.
- ۲- شرایط غنایم را بنویسید.
- ۳- اقسام غنایم و سهم رزمندگان از غنایم را بنویسید.
- ۴- چه کسانی از غنایم محروم‌ند؟
- ۵- آیا انهدام غنایم جایز است؟
- ۶- اسیر کیست؟
- ۷- اقسام اسیران را بنویسید.
- ۸- حکم اسیران پس از جنگ را بنویسید.
- ۹- حقوق اسیران را نام ببرید.

## منابع و مأخذ

- ١- قرآن
- ٢- نهج البلاغه
- ٣- اعيان الشیعه، سید محسن امین، دارالتعارف بیروت (رحلی).
- ٤- ارشاد، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید.
- ٥- آیین جهاد، بنیاد نهج البلاغه، بنیاد نهج البلاغه.
- ٦- الامامة والسياسة، ابن قتیبه، موسسه حلی- بیروت.
- ٧- آیات الاحکام، میرخانی، انتشارات گنجینه.
- ٨- استفتاءات، امام خمینی ره، انتشارات اسلامی- قم.
- ٩- انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق محمدباقر محمودی، مؤسسه اعلمی- بیروت.
- ١٠- الاسیر فی الاسلام، احمدی میانجی، انتشارات اسلامی قم.
- ١١- اسلام و حقوق بین الملل، دکتر محمد رضا ضیایی بیکدلی، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
- ١٢- اسلام در زندان اتهام، ابو خلیل شوقی، ترجمه حسن اکبری، انتشارات مرزنگ.
- ١٣- آثار الحرب، دکتروهبه الزّحیلی، دارالفکر، دمشق.
- ١٤- اصول علم سیاست، موریس دوازه، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات کتابهای حبیبی.
- ١٥- بحار الانوار، علامہ محمدباقر مجلسی، مؤسسه وفا، بیروت.
- ١٦- بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، مرتضی نظری، سازمان تبلیغات اسلامی.
- ١٧- پیامبر و آیین نبرد، مصطفی طلاس، حسن اکبری، انتشارات بعثت.
- ١٨- پالمولوژی. گاستون بوتو، ترجمة هوشنگ فرجسته. تحت عنوان جامعه‌شناسی جنگ، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ج اول ۱۳۶۸.
- ١٩- تحریر الوسیله، امام خمینی ره، انتشارات اسلامی- قم.
- ٢٠- تاریخ یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، معروف به یعقوبی، دار صادر بیروت.
- ٢١- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، بیروت.
- ٢٢- تاج العروس، سید مرتضی الزّبیدی، مصر.
- ٢٣- تحف العقول، حسن بن علی ابن شعبه حرانی، بیروت.
- ٢٤- تاریخ گسترش اسلام، سر توپماں آرنولو- دانشگاه تهران.

- ۴۵ - تاریخ تمدن اسلام و عرب، گوستاو لویون.
- ۴۶ - تاریخ فلسفه، ویل دورانت، ترجمه عباس زریاب، انتشارات کتاب‌های جیبی.
- ۴۷ - تاریخ فلسفه سیاسی، دکتر بهال الدین پازارگاد، انتشارات زوارا.
- ۴۸ - تاریخ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، دارالمعارف مصر.
- ۴۹ - تاریخ پیامبر اسلام، دکتر ابراهیم آیتی، دانشگاه تهران.
- ۵۰ - تذكرة الفقهاء، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (علامه حلّی)، المکتبة المرتضی - تهران.
- ۵۱ - تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی قم.
- ۵۲ - تفسیر برهان، سید هاشم حسینی بحرانی، مؤسسه اسماعیلیان.
- ۵۳ - تفسیر نمونه، زیر نظر آیة... مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۴ - تفسیر نور الثقلین، علامه شیخ عبد علی بن جمعه العروسوی الحوزی، اسماعیلیان قم.
- ۵۵ - تفسیر مجتمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ ابوالفضل بن الحسن الطبرسی، منشورات آیة... نجفی مرعشی قم.
- ۵۶ - تفسیر الدر المنشور، جلال الدین سیوطی.
- ۵۷ - تاریخ اسلام کد ۱۱۲ و ۲۲۲، مرکز تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ۵۸ - جواهرالکلام، شیخ محمدحسن نجفی، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
- ۵۹ - جهاد، شهید مرتضی مطهری، صدرا.
- ۶۰ - جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، محمود مسائلی، عالیه ارفعی، وزارت امور خارجه - ۱۳۷۱.
- ۶۱ - جامع الشتات، محقق قمی، کیهان.
- ۶۲ - جهاد از دیدگاه علیؑ در نهج البلاغه، عباسعلی عمید زنجانی، وزارت ارشاد اسلامی، پنجم ۱۳۶۶.
- ۶۳ - الجمل، شیخ مفید، بصیرتی.
- ۶۴ - جمهرة انساب العرب، علی بن احمد، بیروت.
- ۶۵ - حقوق جنگ، دکتر ضیاء بیگدلی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
- ۶۶ - حقوق جزای اختصاصی گلدوزیان، نشر مؤلف.
- ۶۷ - حکمت اصول سیاسی اسلام، محمد تقی جعفری، بنیاد نهج البلاغه.
- ۶۸ - حقوق جزای اختصاصی، محمدصالح ولیدی.
- ۶۹ - خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری.
- ۷۰ - خداوندان اندیشه سیاسی، مایکل ب، فاستر ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، امیرکبیر.
- ۷۱ - الخلاف، شیخ طوسی، اسماعیلیان.
- ۷۲ - دعائیم الاسلام، قاضی ابوحنیفه نعمان بن محمد مغربی، دارالمعارف مصر.
- ۷۳ - دائرة المعارف تشیع، (گروه تحریریه)، نشر شهید سعید محبی.
- ۷۴ - در جستجوی راه امام از کلام امام، امیرکبیر ۱۳۶۲.
- ۷۵ - الدروس، محمد بن مکی (شهید اول).

- ۵۶- درس‌هایی از نظام دفاعی اسلام، محمد جعفر امامی، مهدوی نژاد، زمانی و مهدوی، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۶۷.
- ۵۷- دینایی که من می‌بینم، آبرت آشتین، ترجمه فریدون سالگی، نشر پیروز.
- ۵۸- رسول اکرم در میدان جنگ، محمد حمیدا...، کانون انتشارات محمدی.
- ۵۹- ریاض المسائل، سید علی طباطبایی، آل البيت.
- ۶۰- سلسلة المذاهب الفقهية، على اصغر مرواريد، دار التراث بيروت.
- ۶۱- سیره ابن هشام، محمد بن عبد‌الملك بن هشام، دار احیاء التراث العربي -بيروت.
- ۶۲- السیرة الحلبیة، على بن برهان الدين الحلبی الشافعی، دار احیاء التراث العربي -بيروت.
- ۶۳- سیاست نظامی امام علیؑ، اصغر قائدان، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۶۴- سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری، صدرا.
- ۶۵- سنن ابن داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، بیروت.
- ۶۶- سنن ترمذی، محمد بن عیسیٰ الترمذی، قاهره.
- ۶۷- شرح نهج البلاغه، ابن الحدید، دار احیاء الكتب العربية، بیروت.
- ۶۸- شرح نهج البلاغه، خوبی.
- ۶۹- شرح لمعه، زین الدین علی (شهید ثانی)، علمی.
- ۷۰- شرایع الاسلام، محقق حلی، انتشارات اعلمی -تهران.
- ۷۱- صحیفه نور، امام خمینیؑ، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۷۲- صلح امام حسنؑ، آل یاسین، ترجمه آیه‌ای خامنه‌ای.
- ۷۳- الصحیح من سیرة النبیؑ، علامه جعفر مرتضی عاملی، انتشارات اسلامی -قم.
- ۷۴- طبقات الکبری، محمد بن سعد، دار صادر -بیروت.
- ۷۵- فقه سیاسی، عباسعلی عمید زنجانی، امیر کبیر.
- ۷۶- فرهنگ عمید، حسن عمید، امیر کبیر -تهران.
- ۷۷- فیلسوفان جنگ و صلح، و. ب. گالی، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز.
- ۷۸- فروع کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالتعارف بیروت.
- ۷۹- فروع ابدیت، جعفر سیحانی، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸۰- فرهنگ جامع، احمد سیتاح، کتابفروشی اسلام.
- ۸۱- فرهنگ لغت، محمد بندر ریگی، انتشارات اسلامی.
- ۸۲- فقه سیاسی، ابوالفضل شکوری.
- ۸۳- فرهنگ واژه‌های نظامی، محمد کاظمی، ستاد مشترک ارتش.
- ۸۴- قیام و انقلاب مهدی(عج)، شهید مرتضی مطهری، صدرا.
- ۸۵- قدرت‌های بزرگ و صلح بین‌الملل حمید بهزادی، دانشگاه ملی.
- ۸۶- قاموس قرآن، علی‌اکبر قریشی، دارالکتب اسلامیه.
- ۸۷- قواعد الاحکام، علامه حلی، انتشارات رضی قم (رحلی).

- ۸۸- قانون حدود و قصاص.
- ۸۹- کشف اللثام، محقق کرکی، جامعه مدرسین.
- ۹۰- الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت.
- ۹۱- کلیات و مبانی استراتژیکی و جنگی، باقری، مرکز نشر بین المللی.
- ۹۲- کنز العرفان فی فقہ القرآن، مقداد ستوری، انتشارات حیدری.
- ۹۳- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه - تهران.
- ۹۴- منهاج الصالحین، آیة... خوبی، مدینه العلم - قم.
- ۹۵- مفرادات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، کتابخانه مرتضویه.
- ۹۶- منطق روابط بین الملل، والتر جونز، ترجمه داود حیدری.
- ۹۷- المغازی، محمد بن عمر بن واقف، بیروت.
- ۹۸- معجم البلدان، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله بغدادی، دار صادر، بیروت.
- ۹۹- مروج الذهب، مسعودی، دارالهجره قم.
- ۱۰۰- مستدرک نهج البلاغه، میرزا حسین نوری (معروف به حاجی نوری).
- ۱۰۱- مستدرک وسائل الشیعه، میرزا حسین نوری، اسماعیلیان.
- ۱۰۲- معجم احادیث الامام المهدی، مؤسسه المعارف الاسلامی.
- ۱۰۳- مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم ﷺ، دکتر ضاهر وتر، ترجمه اصغر قائدان، صریر.
- ۱۰۴- مجتمع القائد و البرهان، احمد بن مقدس اردبیلی (محقق اردبیلی)، انتشارات اسلامی، قم.
- ۱۰۵- مرتد، باعی، محارب، وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۰۶- مجتمع البحرين، الشیخ فخرالدین الطریحی، المکتبة المرتضویه، تهران.
- ۱۰۷- میزان الحکمة، محمدی ری شهری، مکتبة الاعلام الاسلامی.
- ۱۰۸- المبسوط، شیخ طوسی، مکتبة المرتضویه، تهران.
- ۱۰۹- المنجد، لویس معلوف، دار مشرق - بیروت.
- ۱۱۰- نحسین فیلسوفان یونان، شرف الدین خراسانی، انتشارات سهامی جیبی.
- ۱۱۱- نظریه های کلان در روابط بین الملل، احمد نقیب زاده - انتشارات قوس.
- ۱۱۲- نظریه های متعارض در روابط بین الملل، جیمز دوئرتی، رابت فالتز گراف، علیرضا طیب، وحید بزرگی، نشر قوس.
- ۱۱۳- النهایه، محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی، انتشارات قدس - قم.
- ۱۱۴- نهج السعاده، شیخ محمد باقر محمودی، مؤسسه اعلمی.
- ۱۱۵- نهاية، ابن اثیر، المکتبة الاسلامیه - مصر.
- ۱۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی تحقیق آیة... ربانی شیرازی، کتابفروشی اسلامیه تهران.
- ۱۱۷- وقعه صفين، نصر بن مزاحم منقري، المؤسسه العربية الحديثه، قاهره.
- ۱۱۸- اليهود فی القرآن، عفیف عبدالفتاح طباره، ترجمه علی منتظمی، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۲.